

چپتر
01

جلد
01



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



MyMangaPlus

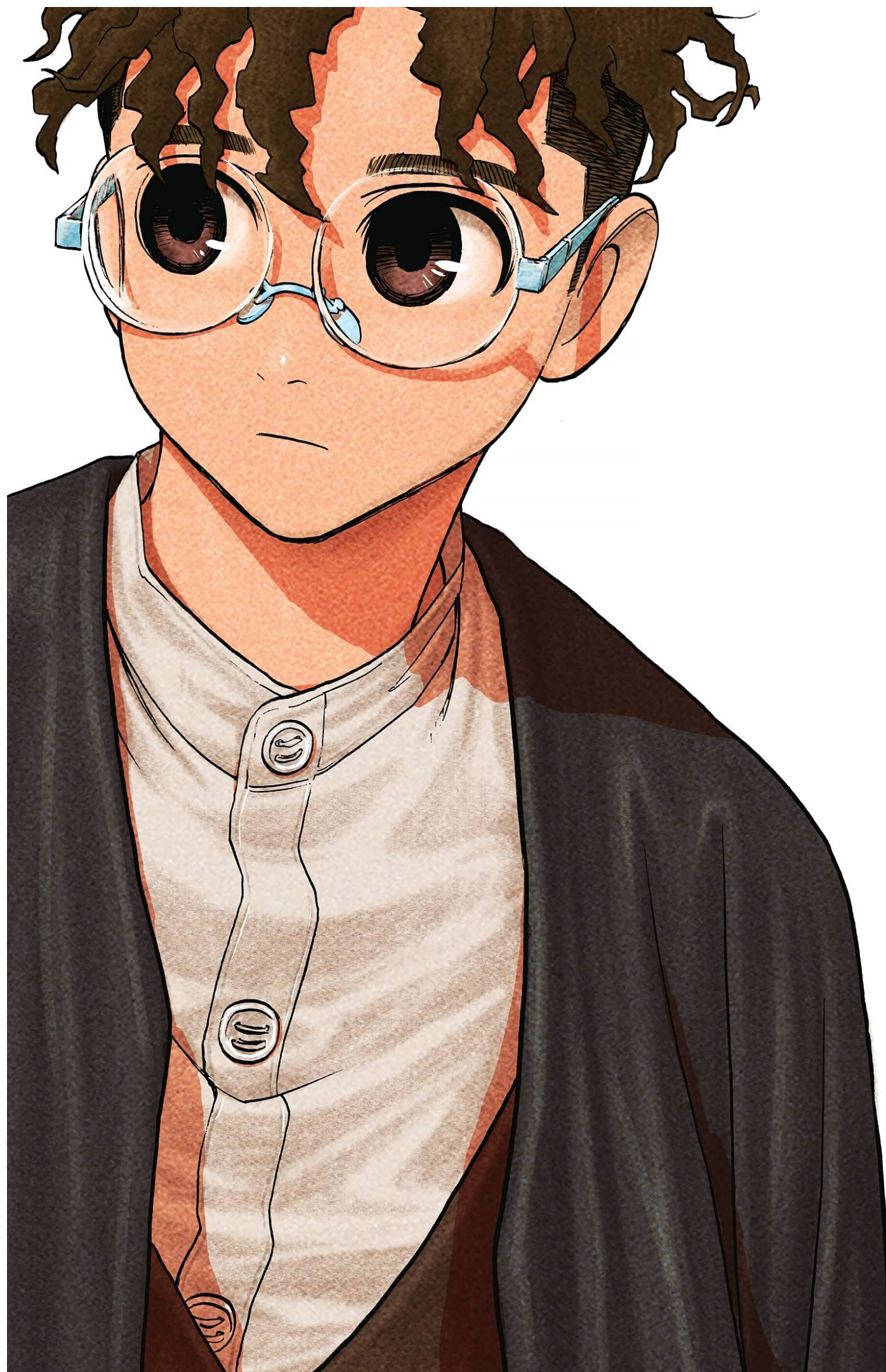
داستان و طراحی با:
یوگینوبو
تاتسو

دانشان



t.me/MyMangaPlus





DAN DAN DAN

STORY AND ART BY
**YUKINOBU
TATSU**

1

DADAN

1

۱ می دونی، اینطوریه که عشق آغاز میشه! _____ ۵

۲ یه آدم فضائی بود نه؟! _____ ۶۹

۳ این یه دعوا بین دوتا ننه بزرگه! _____ ۱۳۱

۴ پیش به سوی جان _____ ۱۶۱

۵ دم کونی زدن به ننه بزرگ توربو _____ ۱۸۱





هاه؟

همونطور که گفتم،
اگه نمی خوایی به من
پول قرض بدی...

...پس قرار
امروز کنسله.

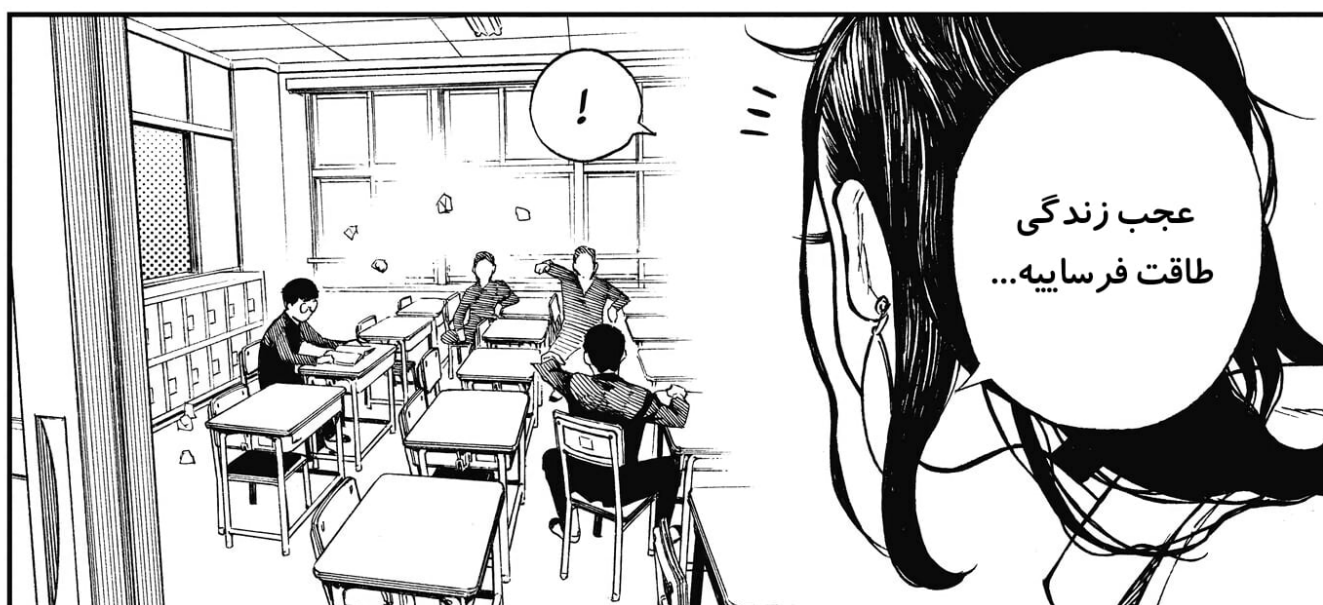
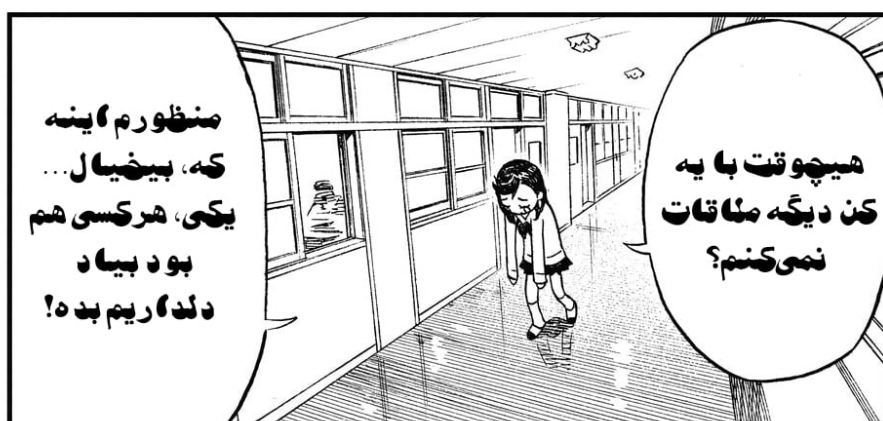
هرچند...

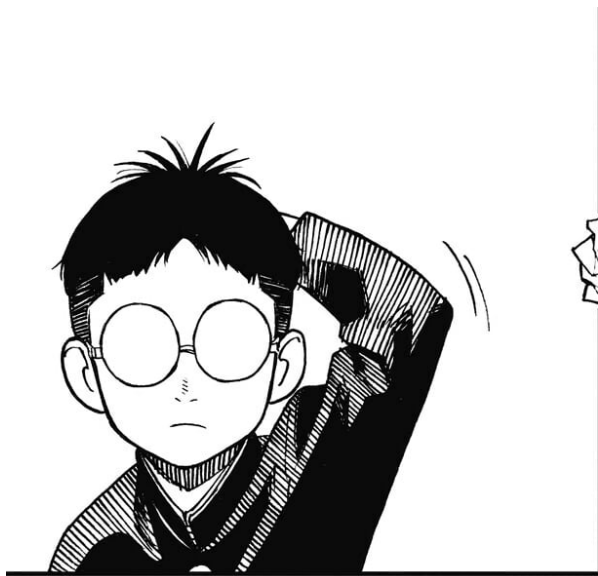
...اگه عقلانی پیش بری
و با من انجامش بدی هم
بد نمیشه.

هرچند
حساب هتل عشق
به پای توعه.

۱. می دونی، اینطوری که عشق آغاز میشه!

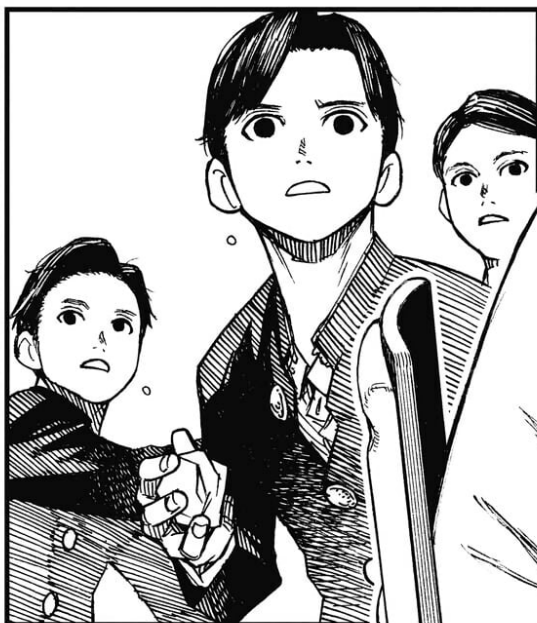








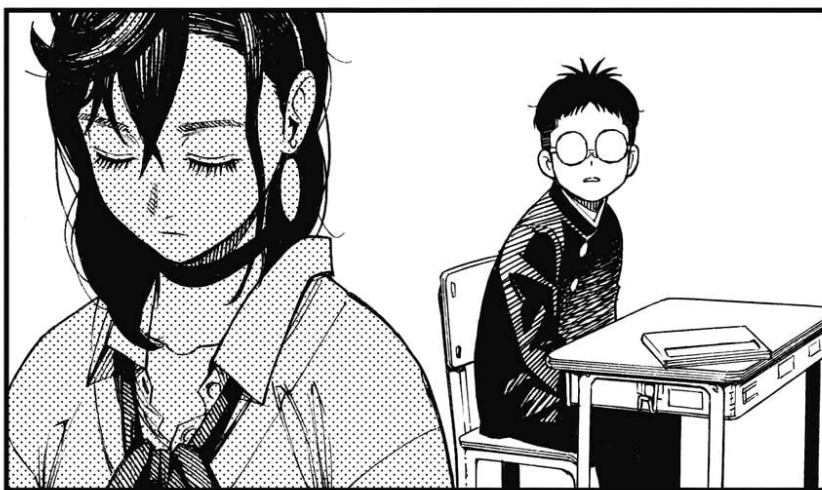
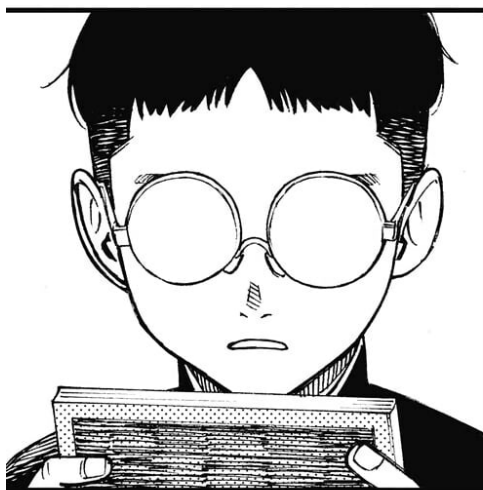
t.me/MyMangaPlus



داری چی
می خونی؟

قلمه؟ آره،
خبه این...

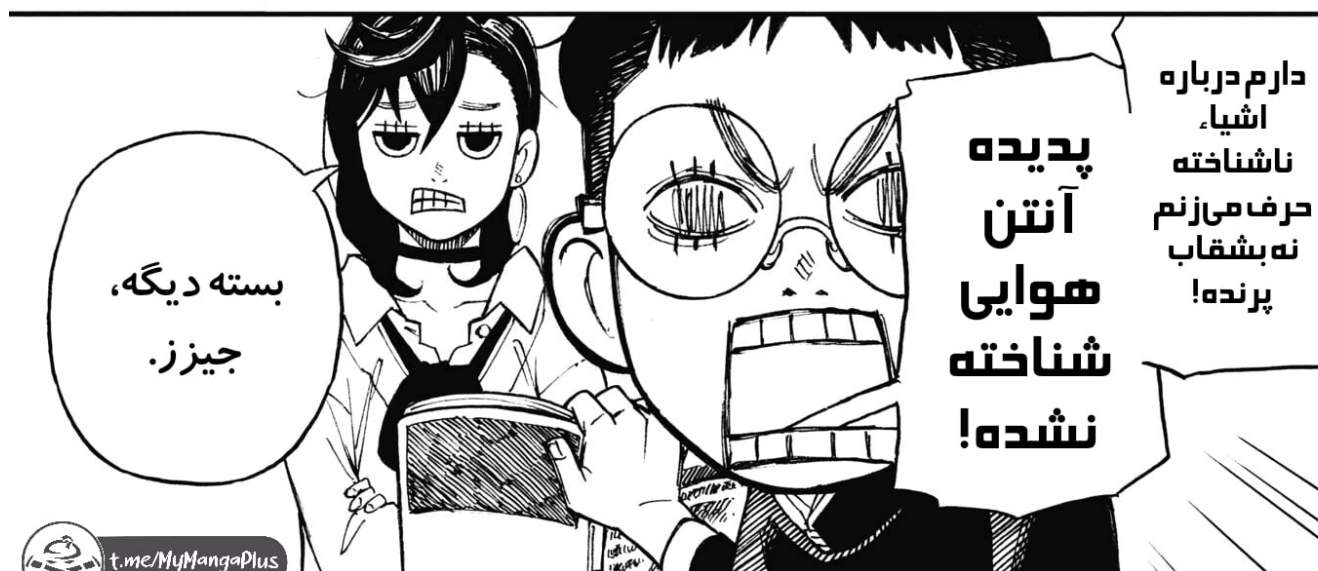
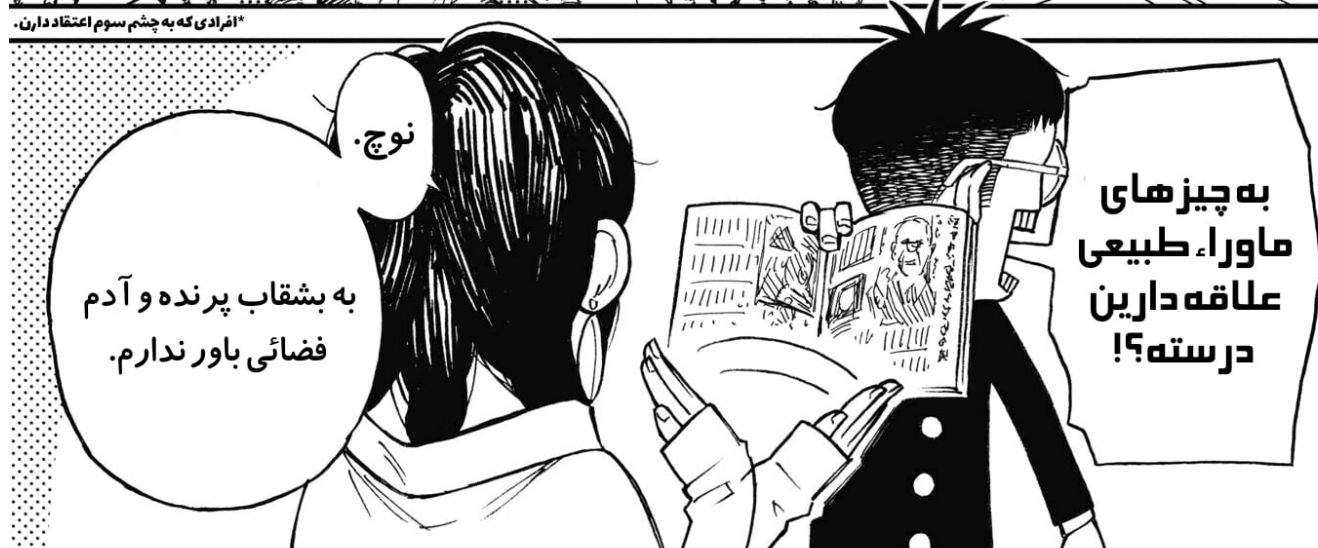








* افرادی که به چشم سوم اعتقاد دارند.





ارتش آمریکا به
طور رسمی وجود
موجودات ناشناخته
رو اعلام کرده و
الان نیروی
فضانیش رو
ساز مانده‌ی کرده!

در حالی که ژاپن توی
آسمان ژاپن نیروی
دفاع شخصی فضائی
رو پیدا کرده!

هر جوری که
بهش نگاه کنی،
می فهمی اونا
دارن آماده جنگ
فضائی میشن!



حالا می تونم
تشریف ببرم؟

هاه؟! نه!
وایسا...

اینجا عکس های اخیر
هیولای افسانه ای هم
گذاشتن!

و چیزهایی درباره
گرگ جوان ستوان و کاهوی سفیدی
کُنل جیم! که راه میره!



میشه گاله رو
بینی! الان
دارم بایه قلب
شکسته
سروپنبه نرم
می کنم!

خوبه این پرت
وپرتا رو ندارم! با
اون قیافه
خرفون مزخرف
خیلی داری تو
مغزم راه میری!

واسه همین
هیچ دوستی
نداری!



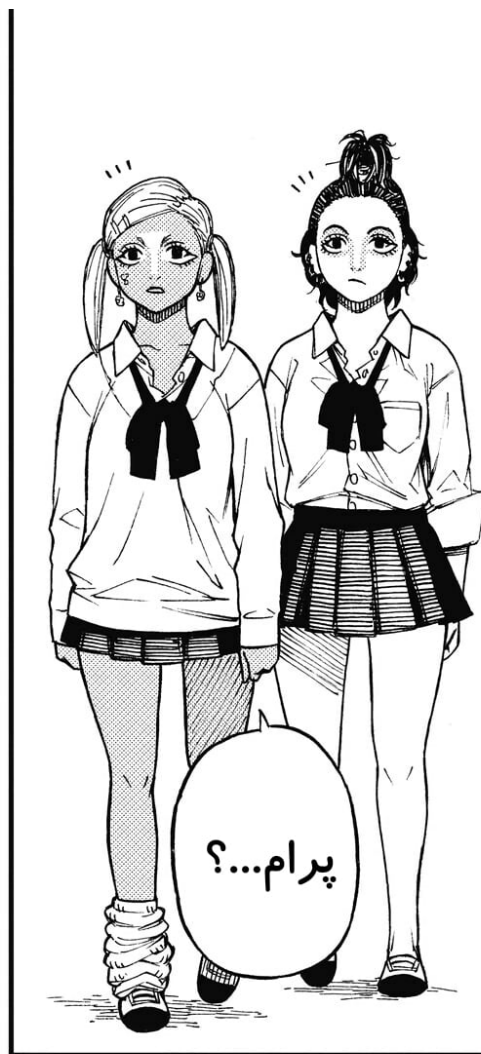




به نظر میاد به خاطر یه
آدم خر خون بیخیال کن
تا کاکورا شده.

فکر کنم اهمیتی
به قیافه اش
هم نمیده.

حتی نمی تونم
بگم ازش
متنفرم.



پرام...؟



بسیار خب،
چلغوز خان.
پس بیایه
چالش بذاریم!

اگه من
ثابت کنم
که روحها
وجود
دارن...

...پس تو باید
نوکرم بشی!

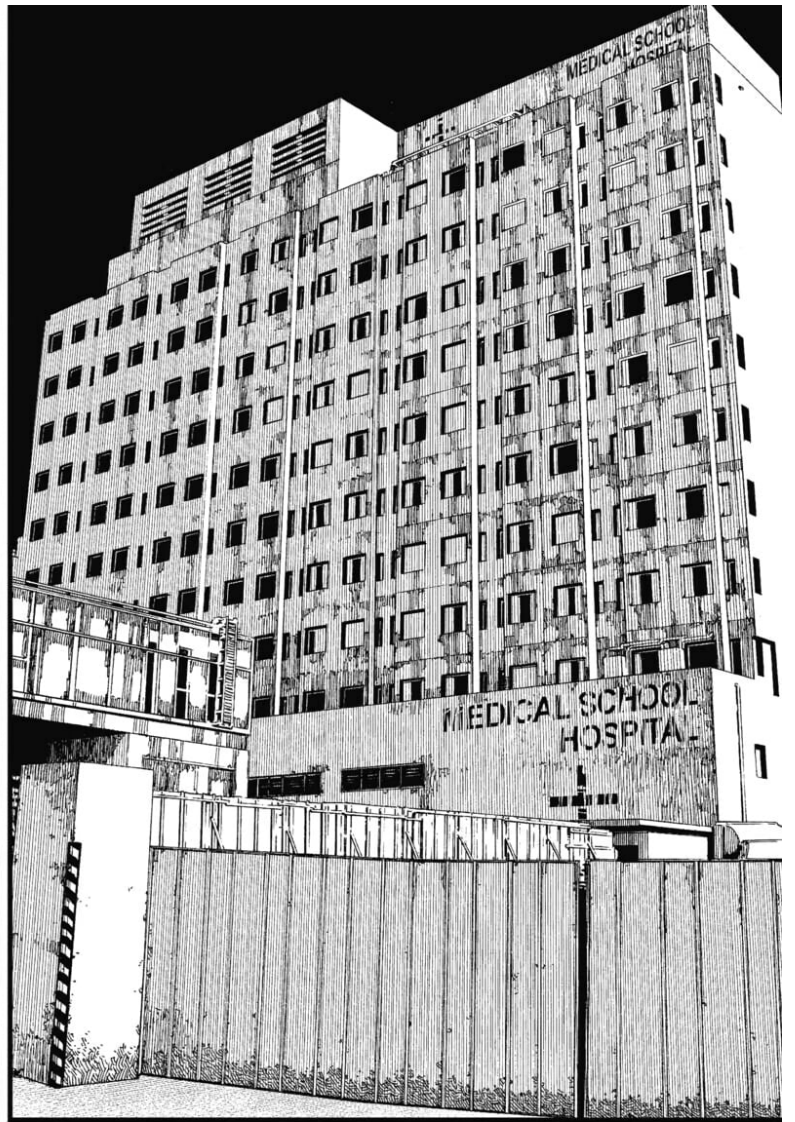
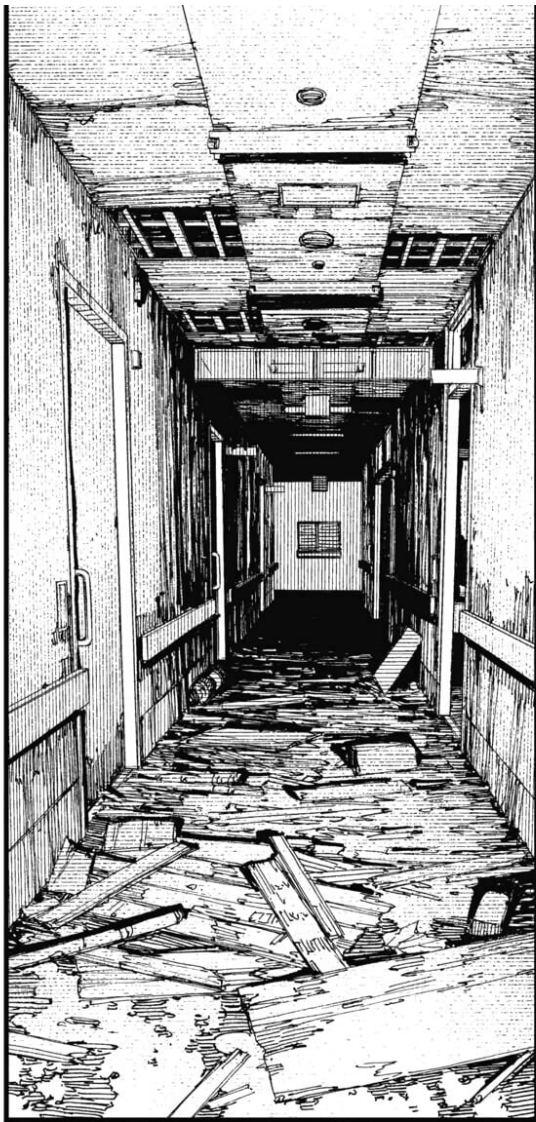


بسیار خب.
منم بهت چندتا
بشقاب پرند
نشنون میدم!

ووقتی یکی از
اونارو دیدم...

آه! اون وقت
اون تویی که
نوکرم میشی
خانم آریاسه!

منظورم
اشیا پرند
ناشناسه!





احتمالش
بالاست!

واو! یه لحظه!
روم آزمایش
میشه؟!

هآه؟



بیشتر افرادی که
دزدیده شدن حافظه
هاشون پاک شده.

گوش کن، تو.



این دیگه چیه
معنییییی ای
میده؟!

این یعنی توسط
آدم فضائی ها
دزدیده میشی و
ازت به عنوان
انسان آزمایشی
استفاده می کنن!



بحثو نییچون!

در باره
هیپنوتیزم
واپس گرا
شنیدی؟

تا حالا یه بشقاب
پرنده ندیدی نه؟



چه دیده باشم
چه ندیده
باشم یه چیز
کم اهمیته!

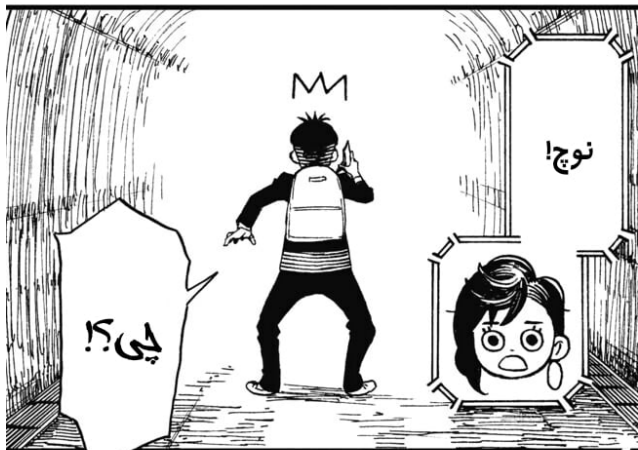
چه باشه چه نباشه
مشاجره همچنان
پابر جاست!

فقط اون
دهنو ببند.

اوضاع سمت تو
در چه حاله؟









اوه... که...
اینطور...

حالا واس من
خجالتی شدی؟

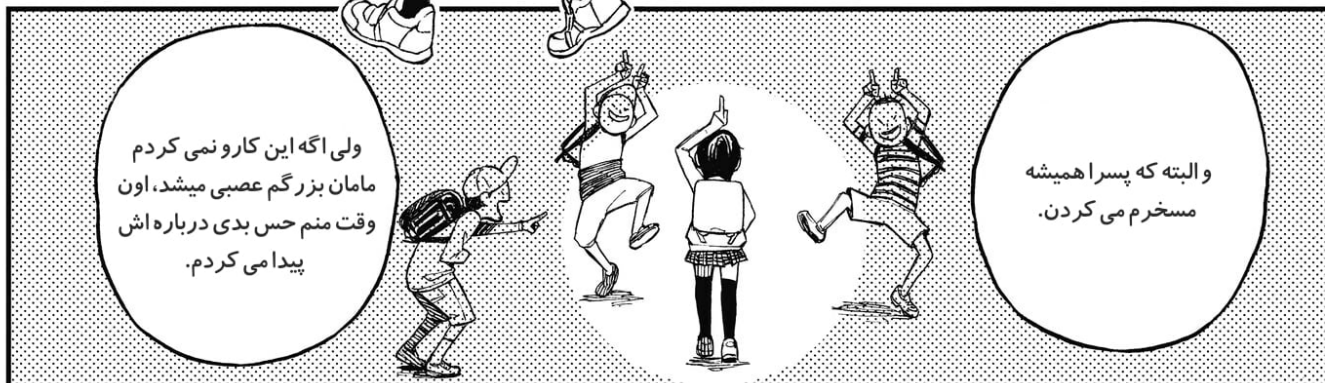
هر وقت می رفتم بیرون به
عادت داشتم که برای خوش
شانسی آوردن سوگند بخورم.



می خوام به
چیزی بهت بگم.

خانواده من، به کم
زیادی عجیب غریب.

مامان بزرگم به کاری
کرده بود که تادم مدرسه
این کارو بکنم.



و البته که پسر همیشه
مسخرم می کردن.

ولی اگه این کارو نمی کردم
مامان بزرگم عصبی میشد، اون
وقت منم حس بدی درباره اش
پیدامی کردم.



بدتر از همه اینکه که...

...پسری که دوستش داشتم
منو مسخرم کرد.



«به خاطر اون عادت
پسری که دوستش
داشتم الان ازم متنفره!»
این چیزی بود که
فکر شو می کردم.



واقعا به خاطر همچین
چیزی از مامان بزرگم
متنفر شدم.

اونم به مامان بزرگم.

چیزای وحشتناکی گفتم.



ولی چیز عجیبش
اینه که وقتی بقیه
مردم خانواده ام رو
مسخره می کنن...

...واقعا گند زده
میشه تو حالم.



و منم دیگه اون
عادتو انجام ندادم.

الان مدت طولانی ایه
باهم حرف نزدیم.



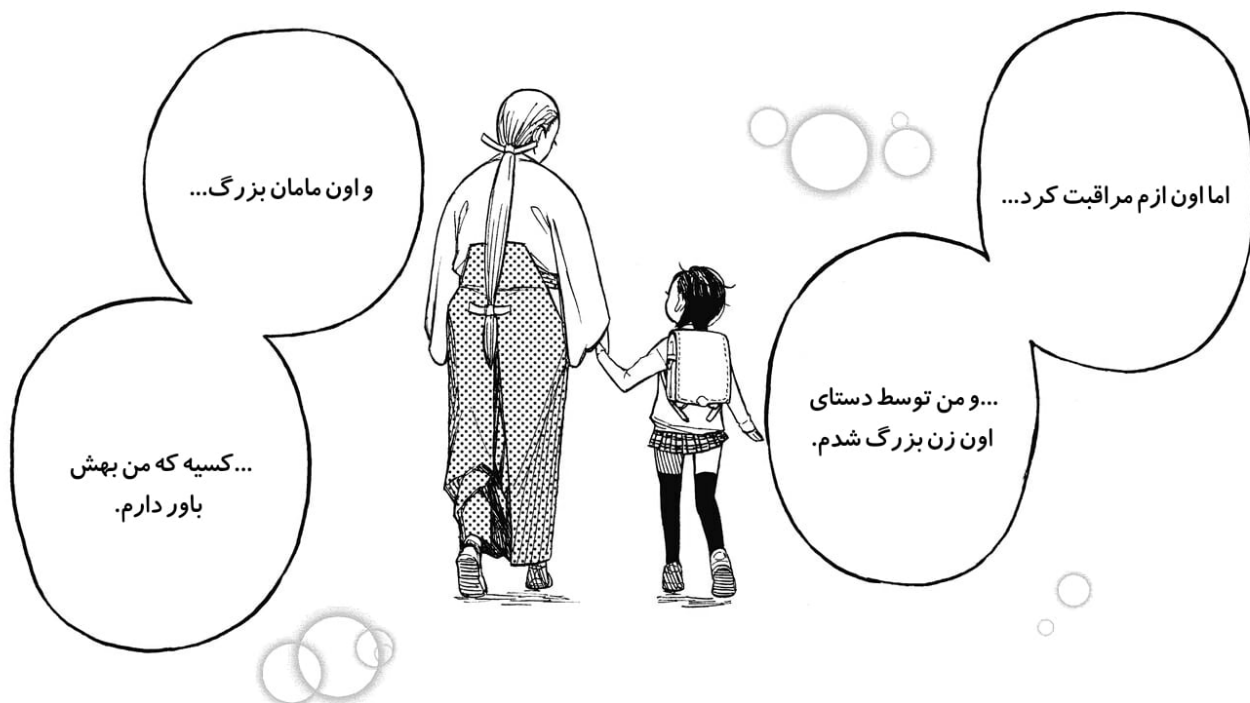
چیزی که بیشتر ازش متنفر
بودم این بود که پسری که
دوستش داشتم...

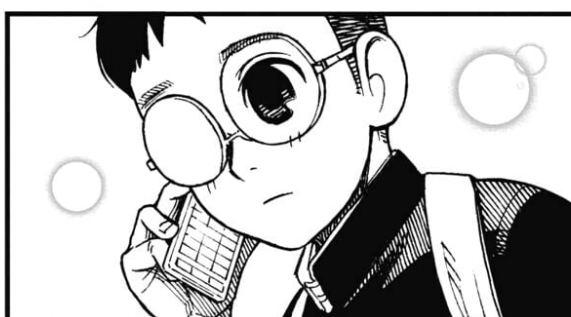
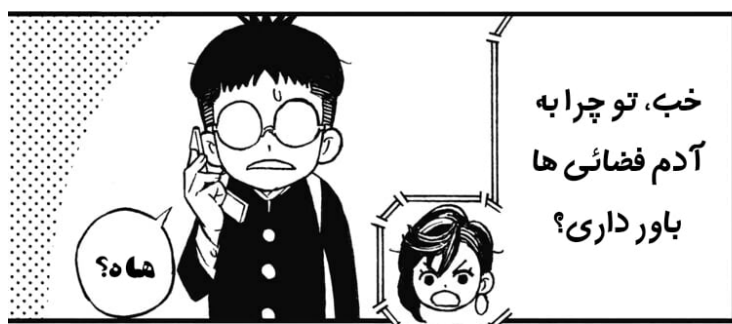
...مامان بزرگم رو
مسخره کرد.



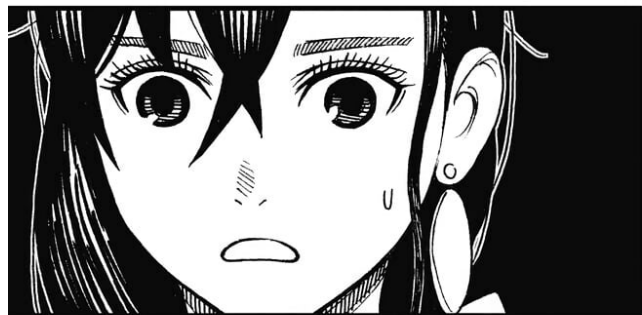
و بعد یه چیز یو
متوجه شدم.

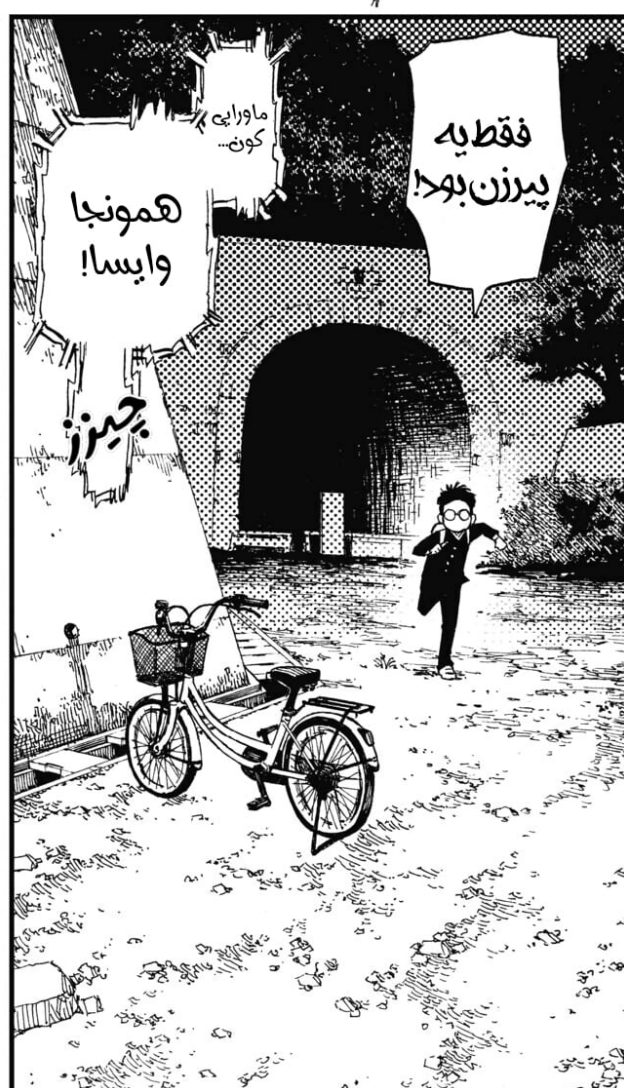
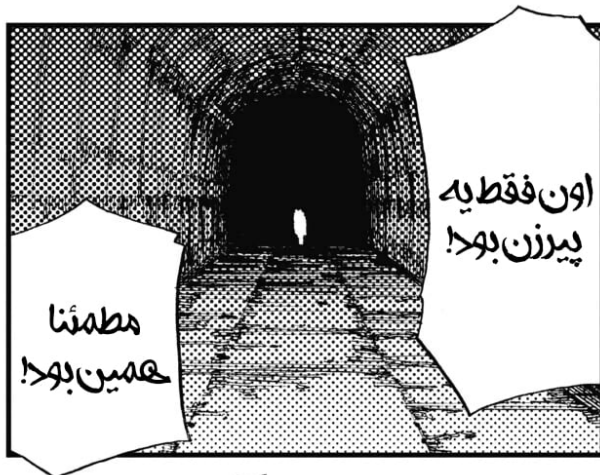
علت عصبانیتم این نبود که
پسری که دوستش داشتم
علاقه ای بهم نداشت.

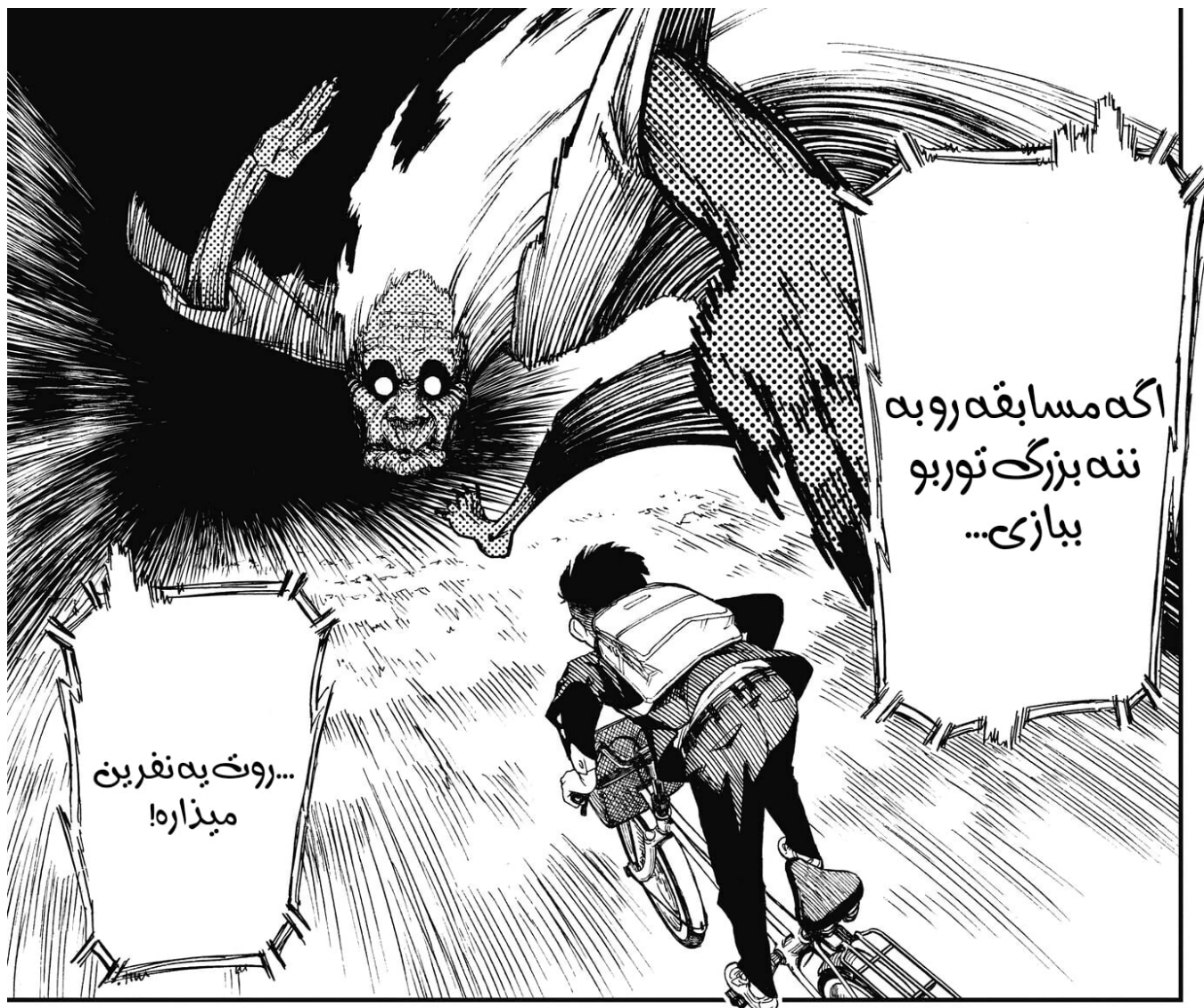




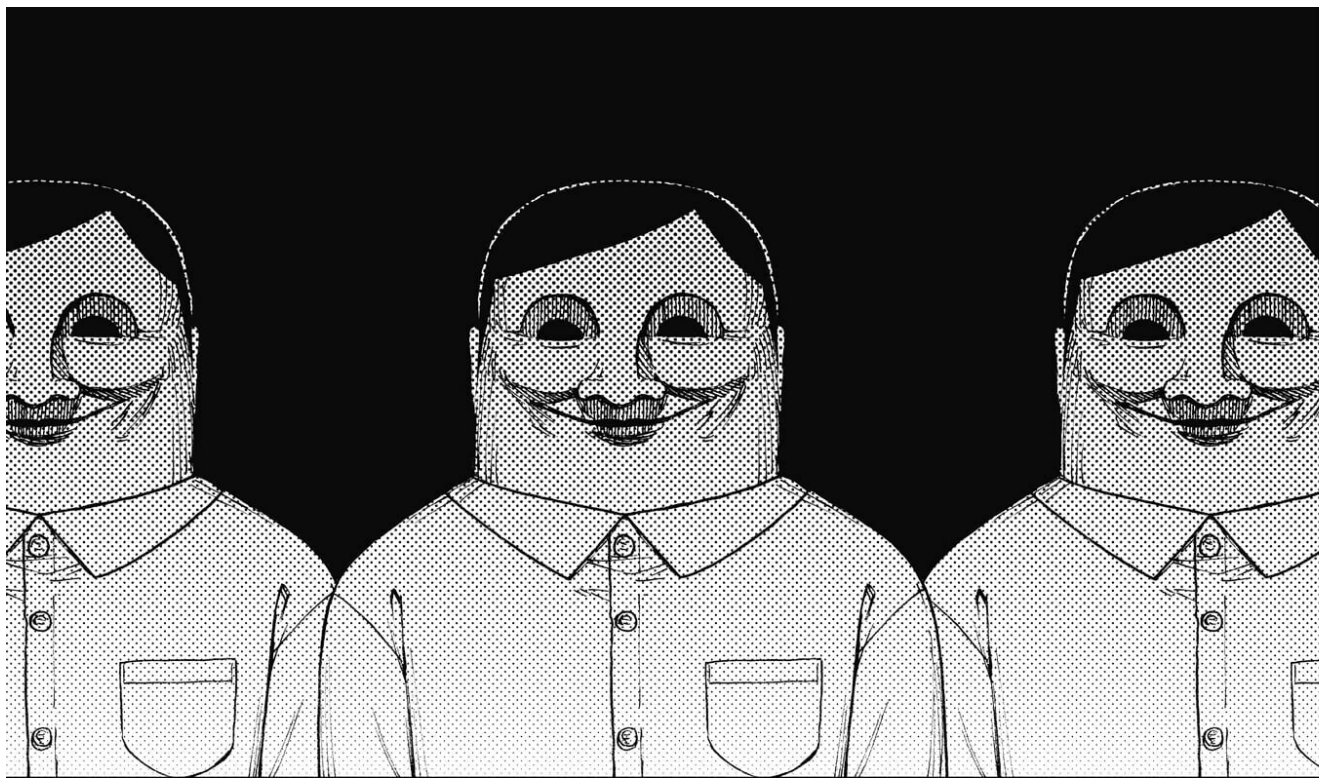


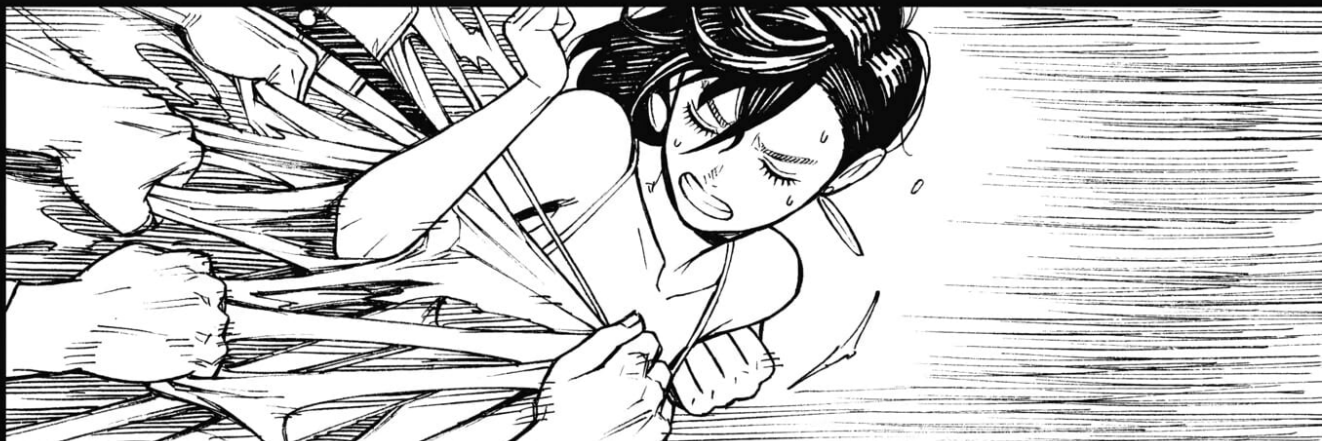




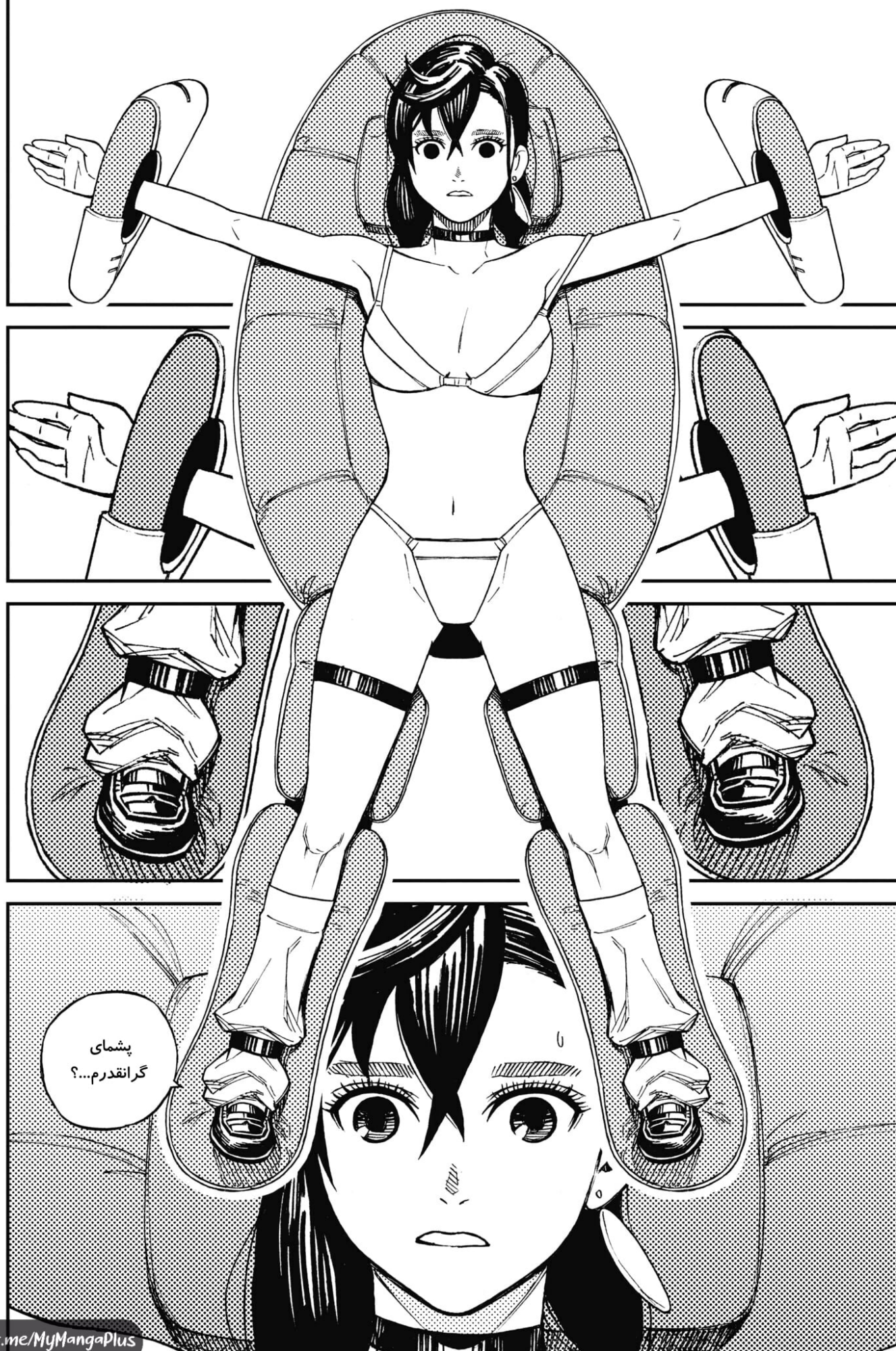








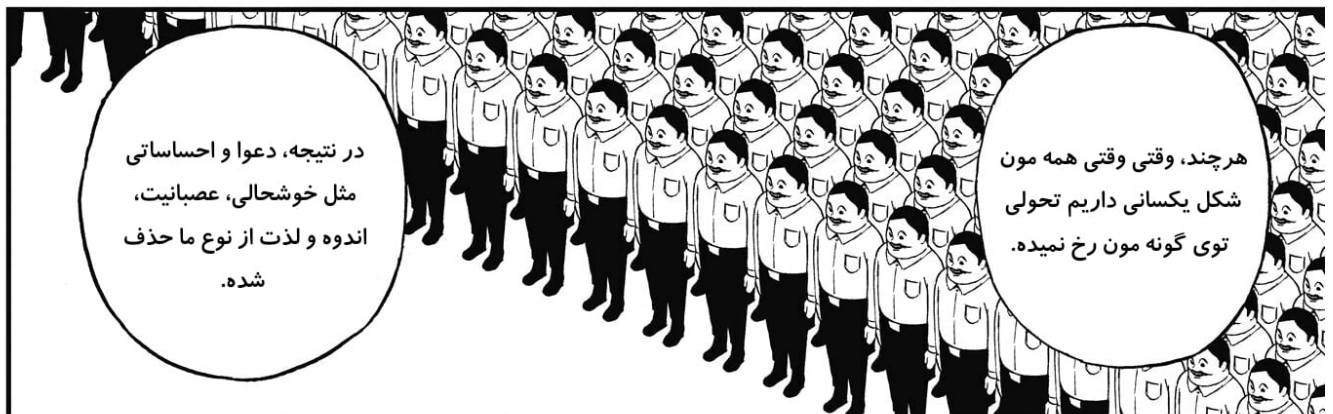


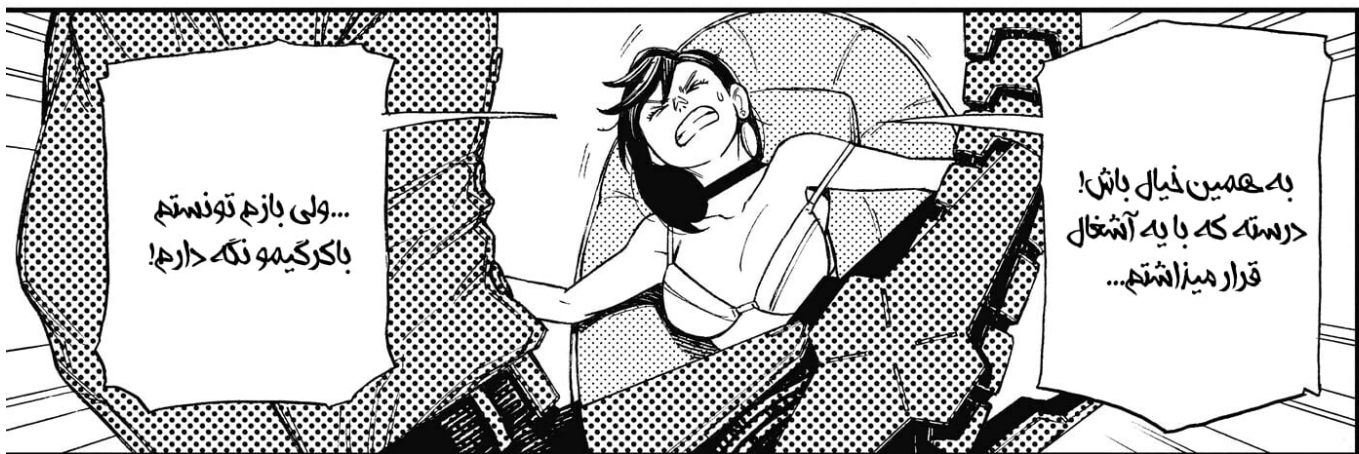
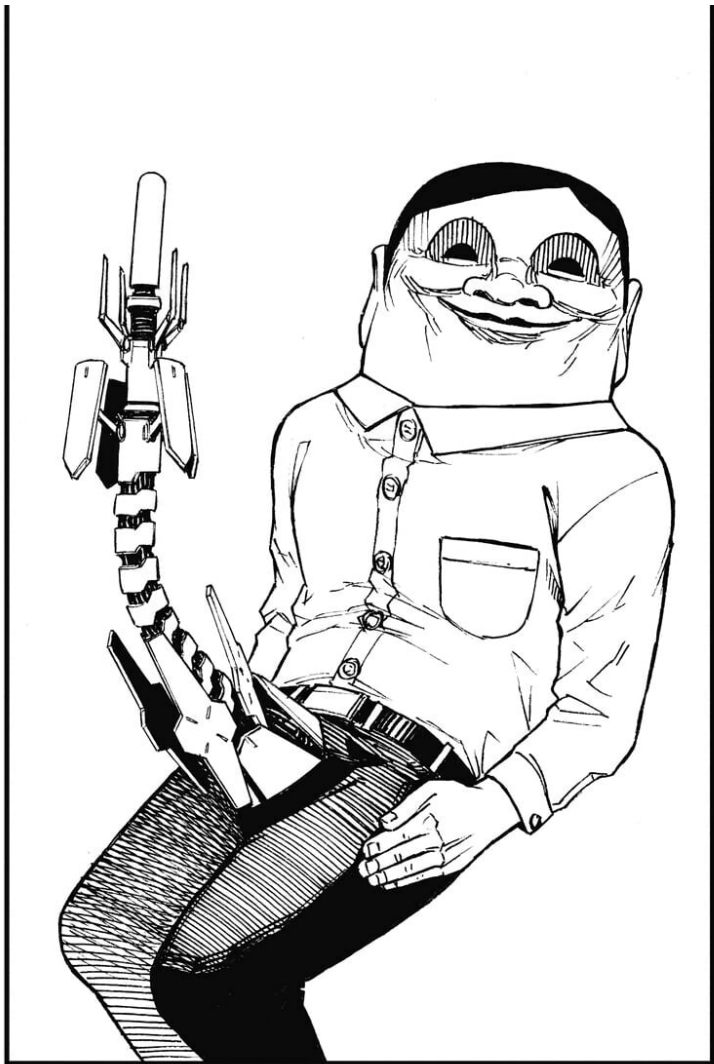
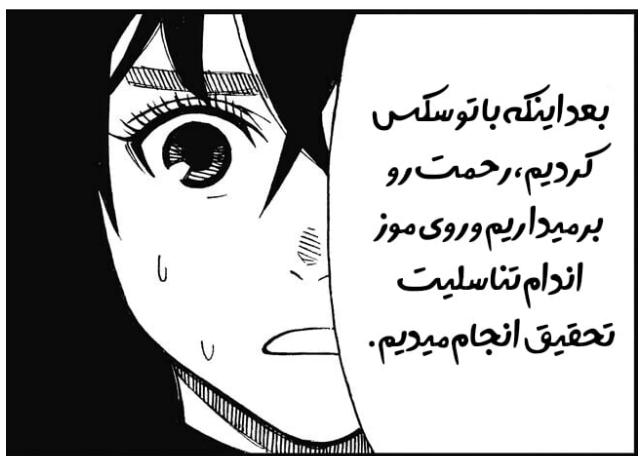


پشماي
گرانقدرم...؟



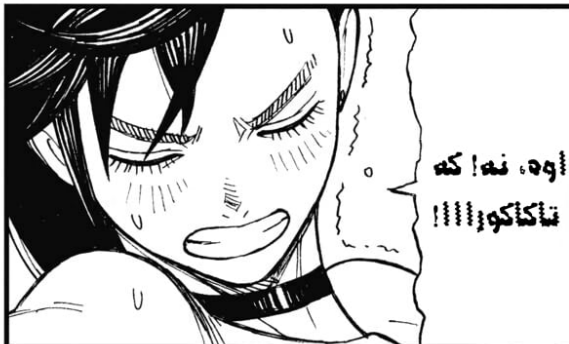








برای اینکه هوست
رو بالا ببریم با امواج
مغزی مغزت رو
کنترل می کنیم.



اوه، نه! که
ناکاکور!!!



داری جلوی
تحریک ذهنیمون
مقاومت می کنی؟

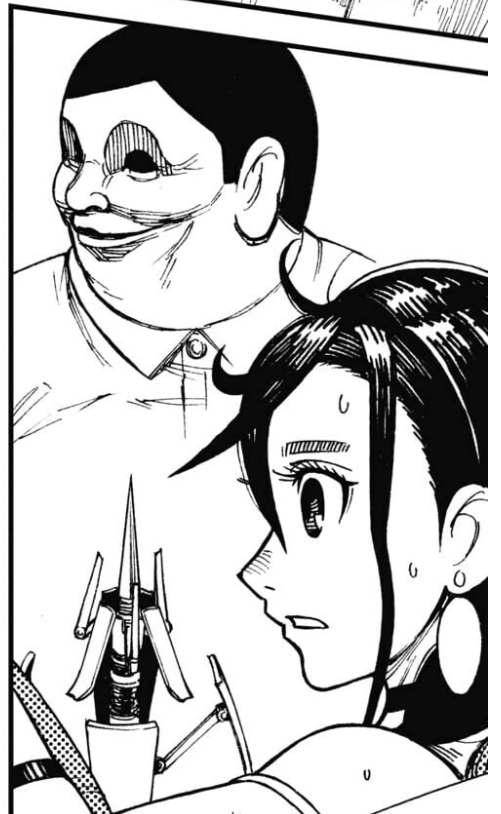
عجب نیروی
اراده قوی ای.



خب،
حالا چگونه؟

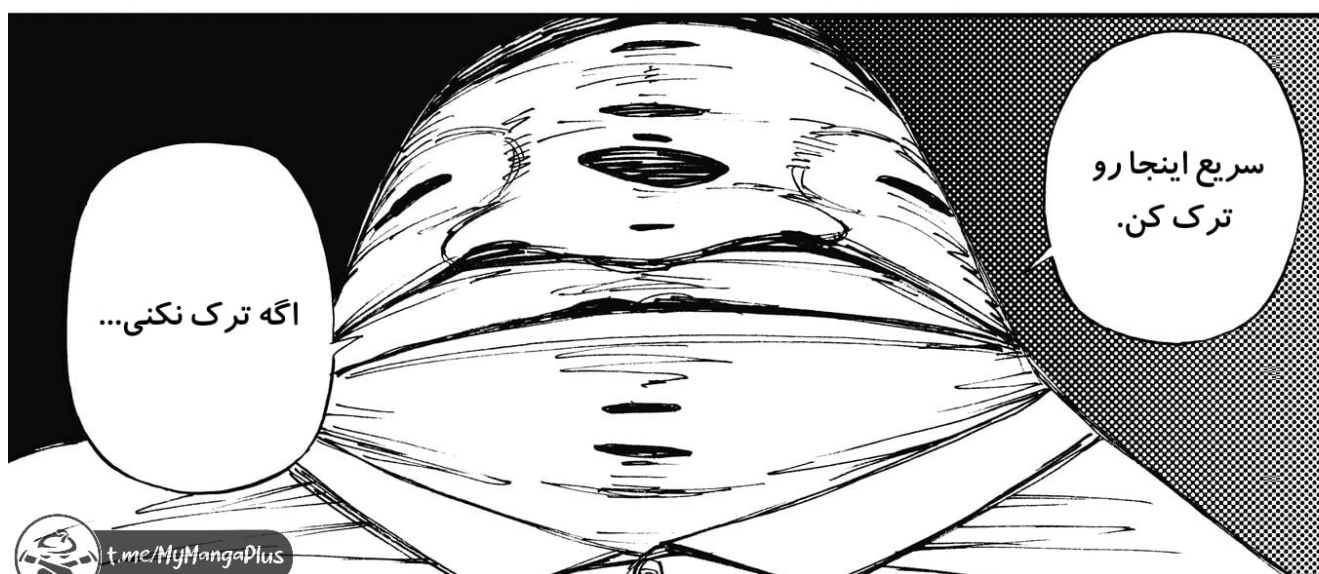
بدنت داره گرم
و گرم تر میشه
درسته؟













عوق!

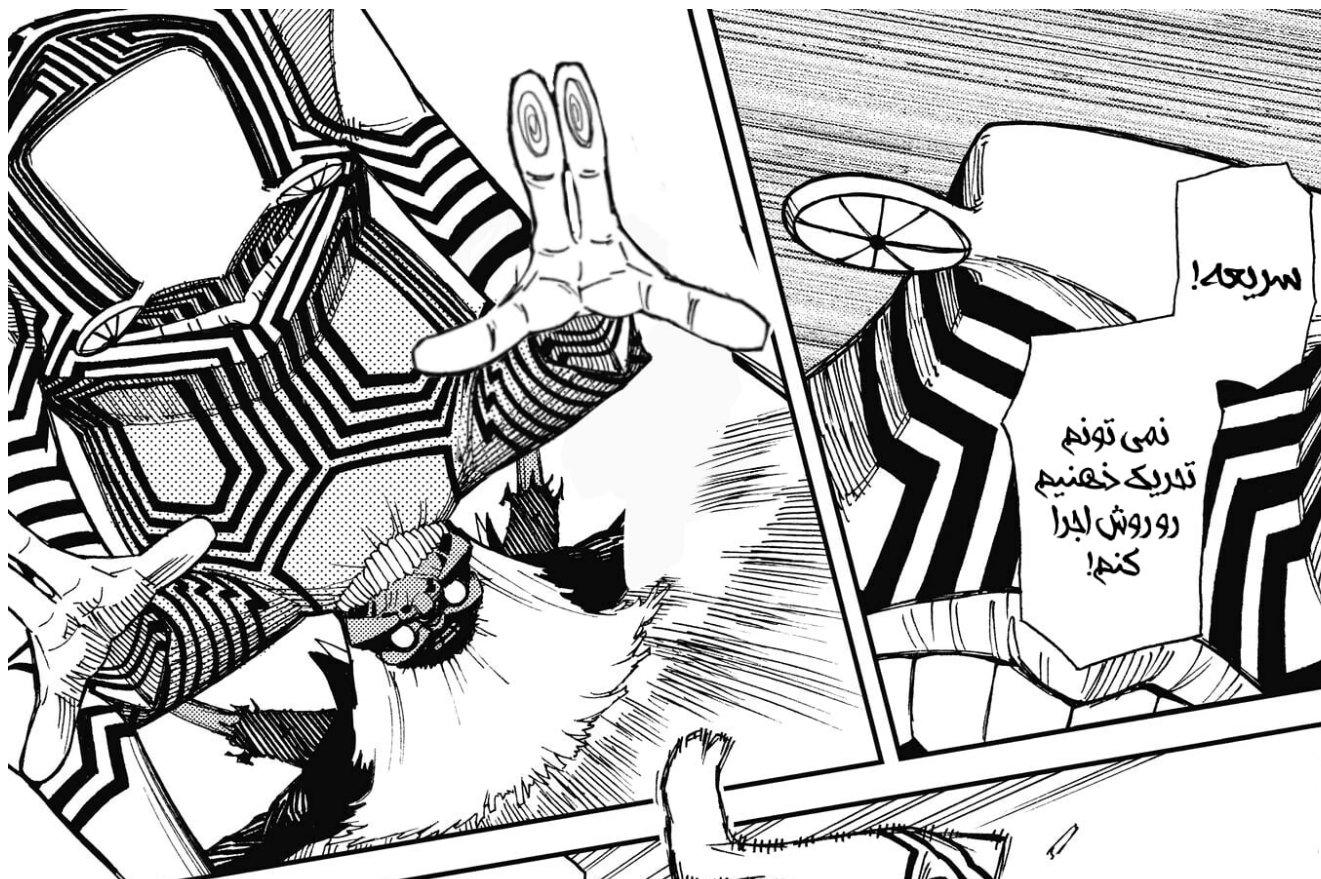


پس باید موز اندام
تناسلی به ما بدی.



شش
اندام
حسی!





سریعه!

نمی توانم
تاریک خنیم
رو روش اجرا
کنم!



موز تناسلی
با ارز شمون!

موز دزد
بخت!



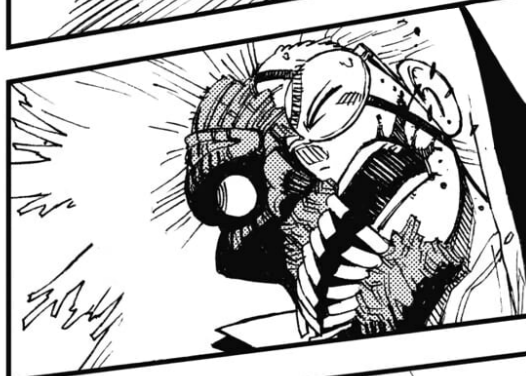
گرفتنت!

فرم سریوی
سطح بالا!



ماورایی
کون!

آخ!



تا حالا با همچین آدم
پر خاشگری بر نخورده
بودیم.

باید با نوع انسان
روابط دوستانه ای
داشته باشیم...

...پس لطفا موز
تناسلیت رو بهمون
بده.





من هیچ
دوستی ندارم...

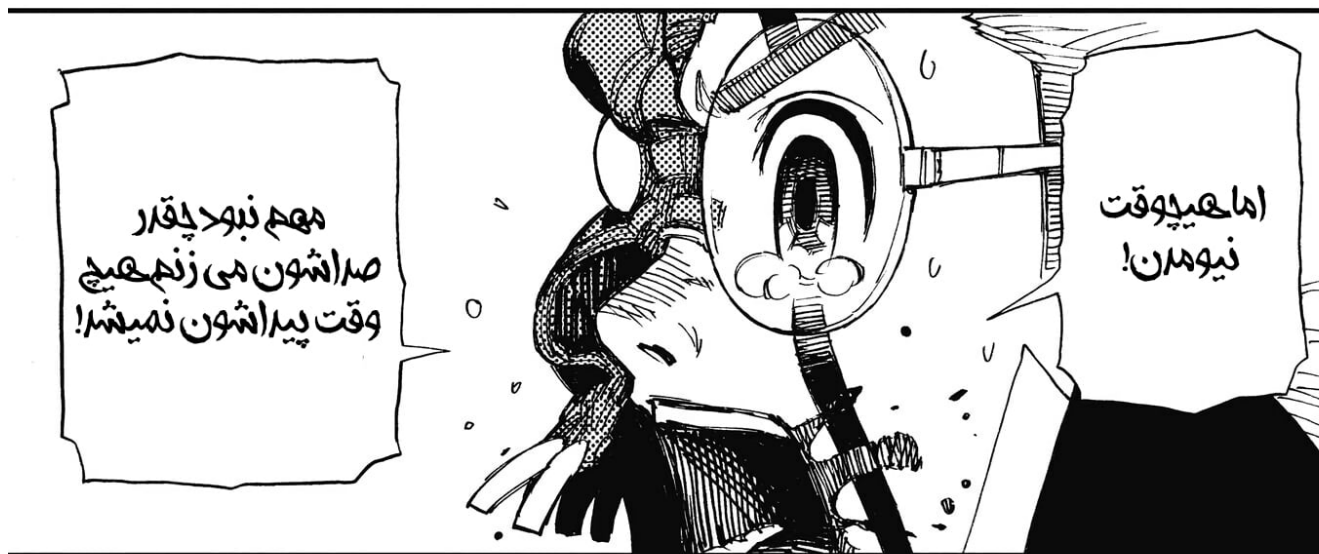
...پس فکر می کردم
اگر فضائی ها باشن
شاید بتوانن با من
دوست باشن!

از زمانی که راهنمایی
بودم همه اش به
آسمون نگاه می کردم
و می خواستم که
موجودات ناشناخته
بیان سرانجام!



پیا بگیرش! اگر
مال خودم بود که
هرچی داشتم
بهدت میدادم!

تو کل زندگی می
خواستم فضائی ها
رو ببینم!



اما هیچوقت
نیومدن!

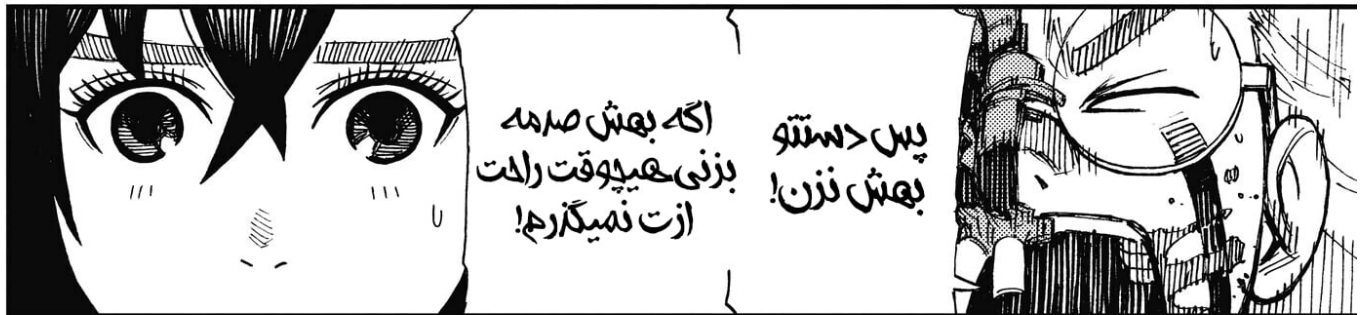
مهم نبود پقدر
صد اشون می زدم هیچ
وقت پیدا اشون نمیشد!



آدم ها مدتی
دفوتیشنون منو
اذیت می کردن...

و فضائی ها هم
بهم بی میلی
میکردن!

و بعد من برای هیچ
کس مهم نبود!



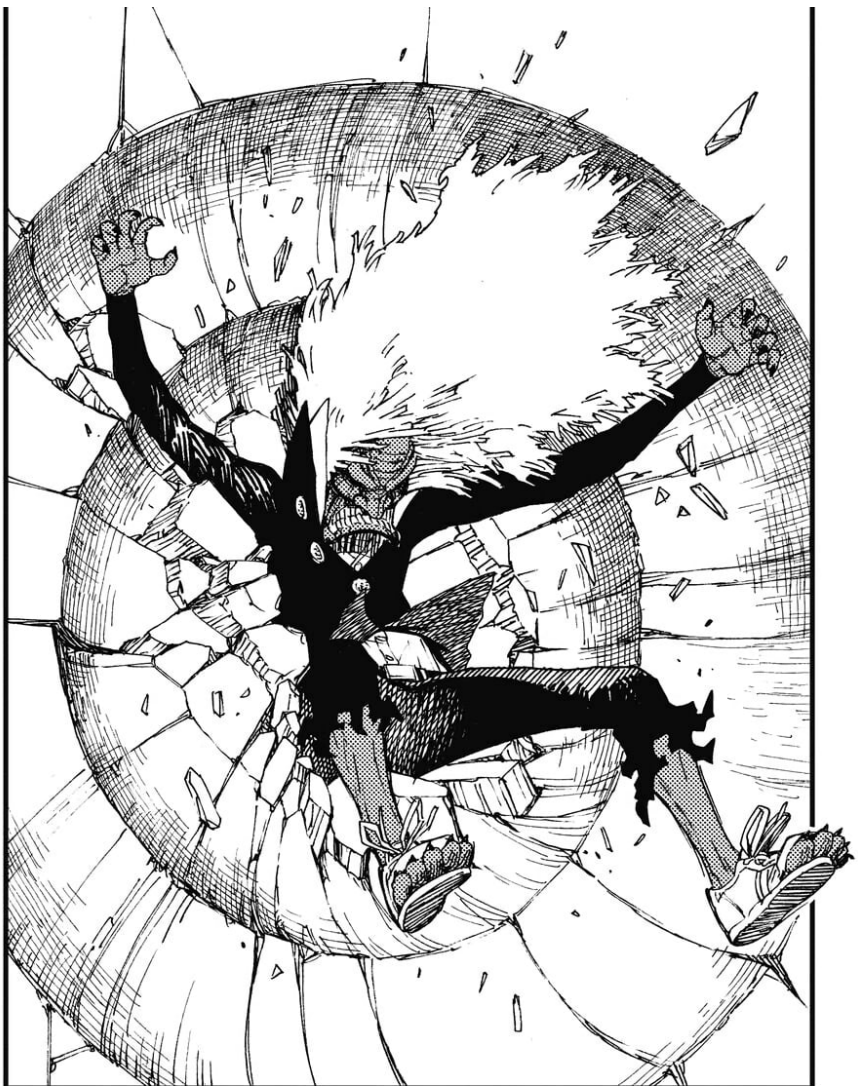


شانم
ایا نه!

تکر نکشم
بتونم از پندش
بر بیام!



یه کم زودیا
نمی زنی؟!



آخ!

تازشم، ما بین تمام
انسان های مذکر...

یه آدم وحشی
مثل تو...

...انسان های مؤنث
رو ترجیح میدیم.

...به درد دوستی
نمی خوره.



نمی خوام!
هر روز...
...به خاطر اون
دوستام مسخرم
می کنن.



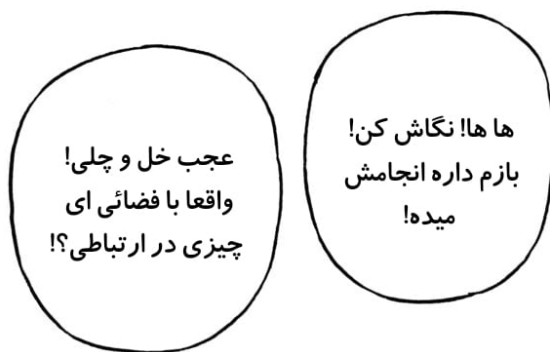
حالا، یک بار
دیگه...
...هوست رو
بیشتر میکنم.
نننخ!
حالا چی ات
رو آزاد کن.

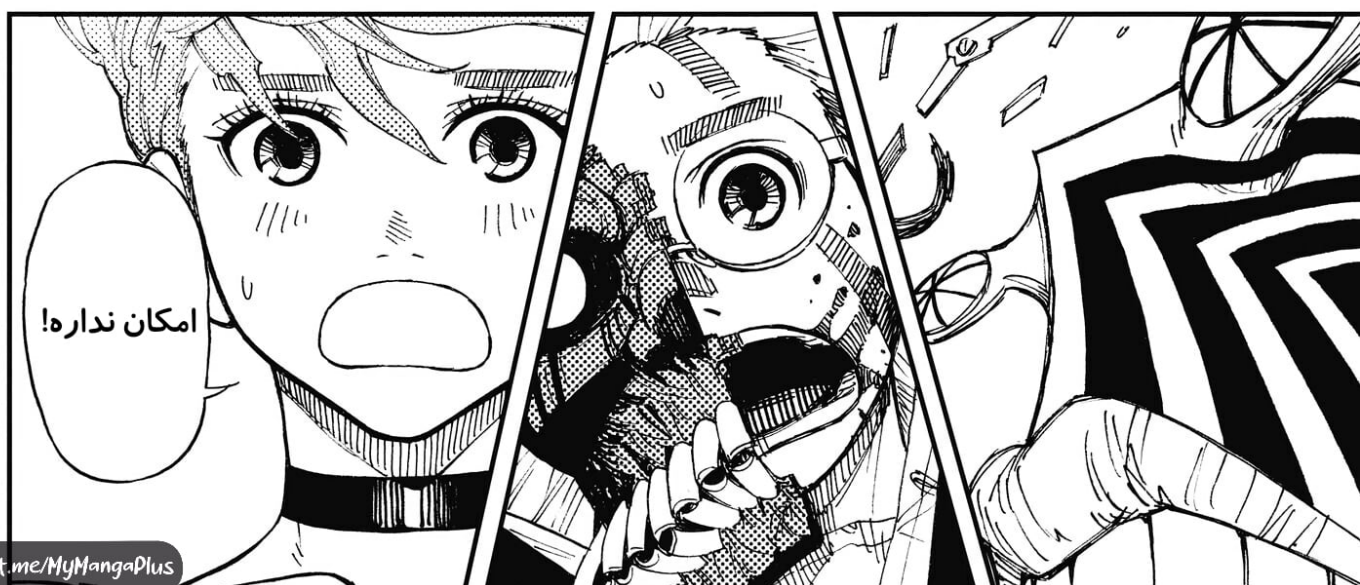


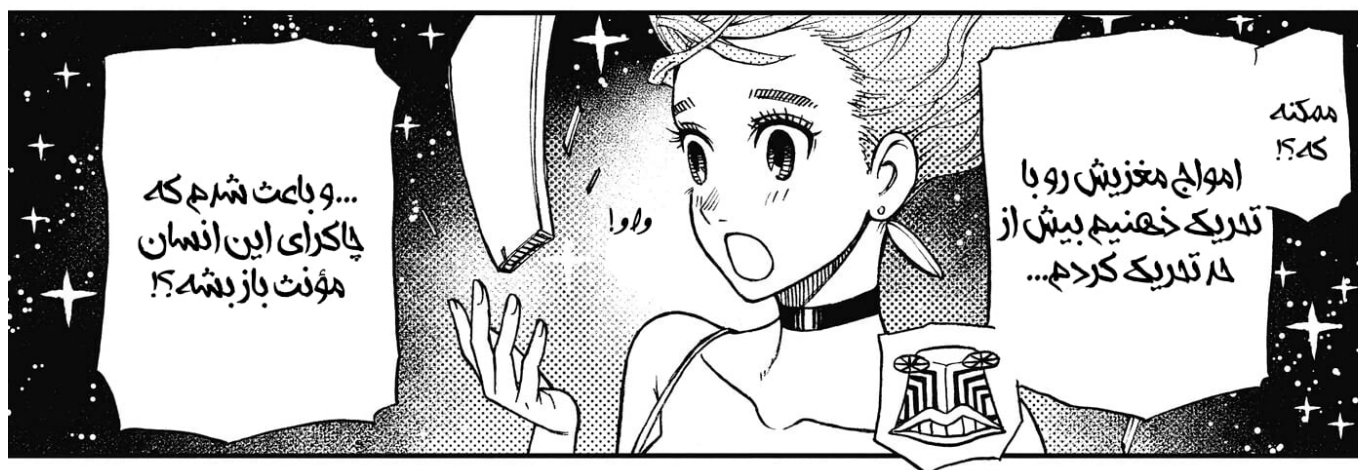
هیچ شرارتی
طرفت نمیداد!
داری درباره چی
حرف می زنی؟!
اگه چی ات رو
آزاد کنی...
...هیچ بیماری یا
تصادفی گریبان
گیرت نمیشه!



اولش روی انرژی
زیر شکمت تمرکز
کن...
...بعد چی ات که از
مرکز تاج سرت بیرون
می زنه رو تصور کن.



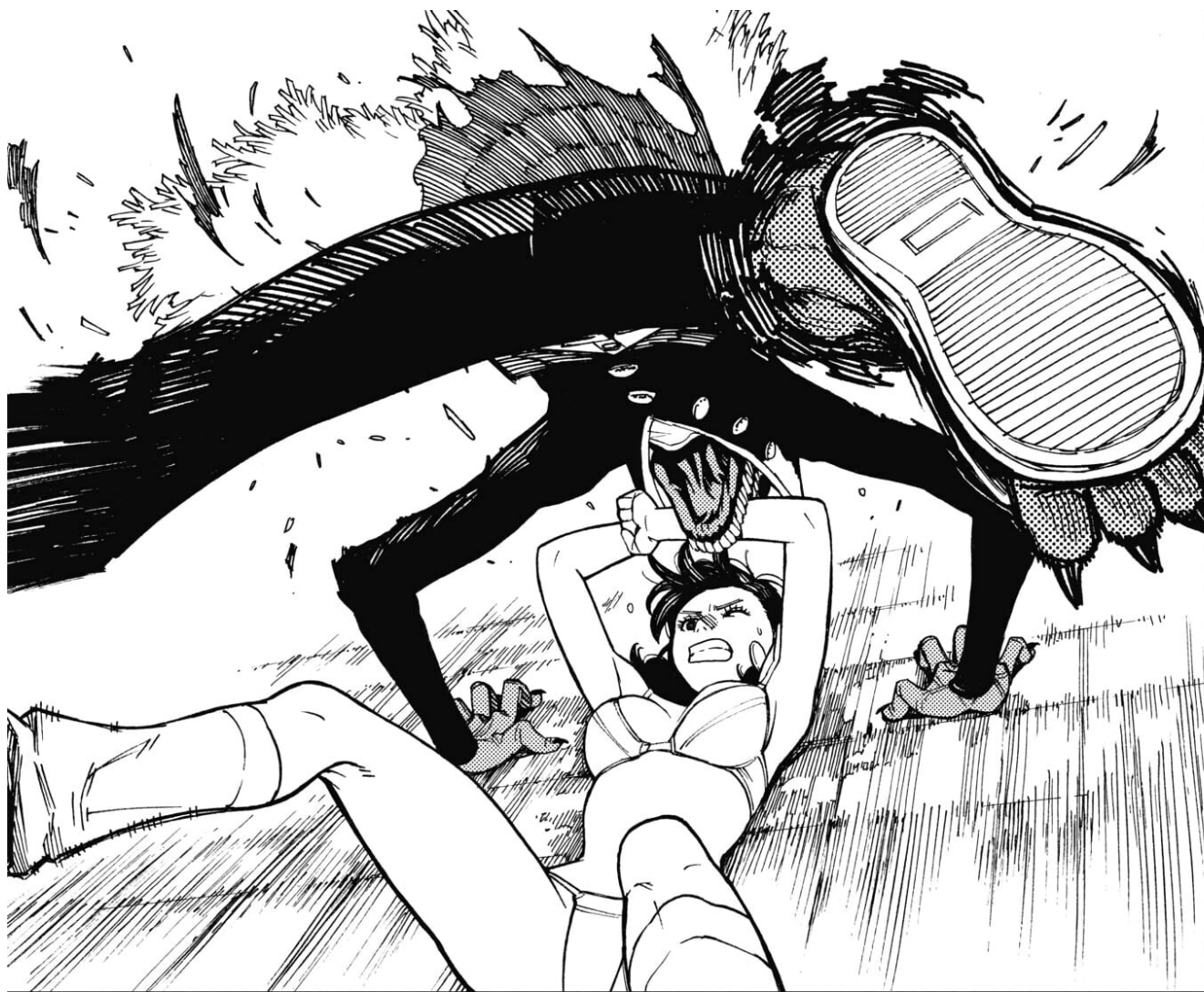






بفرستم تو
تا سال
یکه معلق
بمون!





ای
لرزمزاده!



آخ! داری
چه غلطی
می کنی خل
مغز؟!



به خودت بیا.
تف بهش!





تا وقتی که
دودولش رو
داشته باشم...
...نفرین
ممچنان
روش باقی
میمونه.



دودولش
دست منه.

!!!



اگه می خوایی
پستش بگیری
باید به تونل
بیایی.

اینجا خیلی از
من دوره.

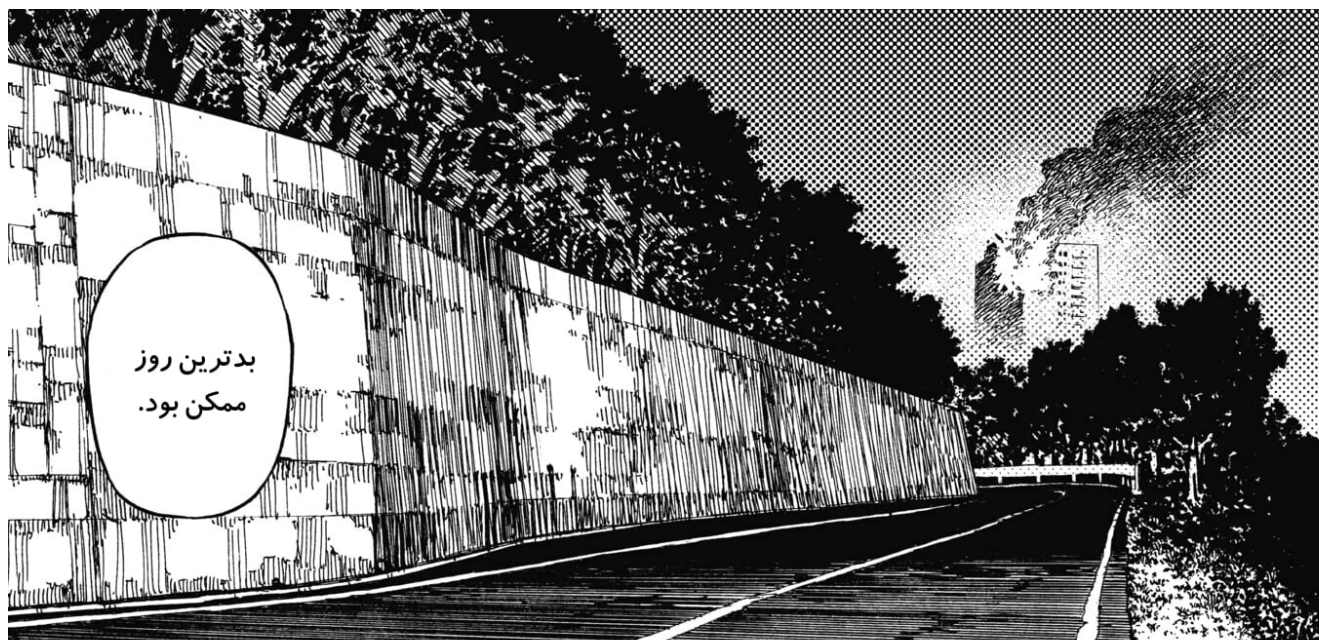


چند
کوچولوی
بدریخت...

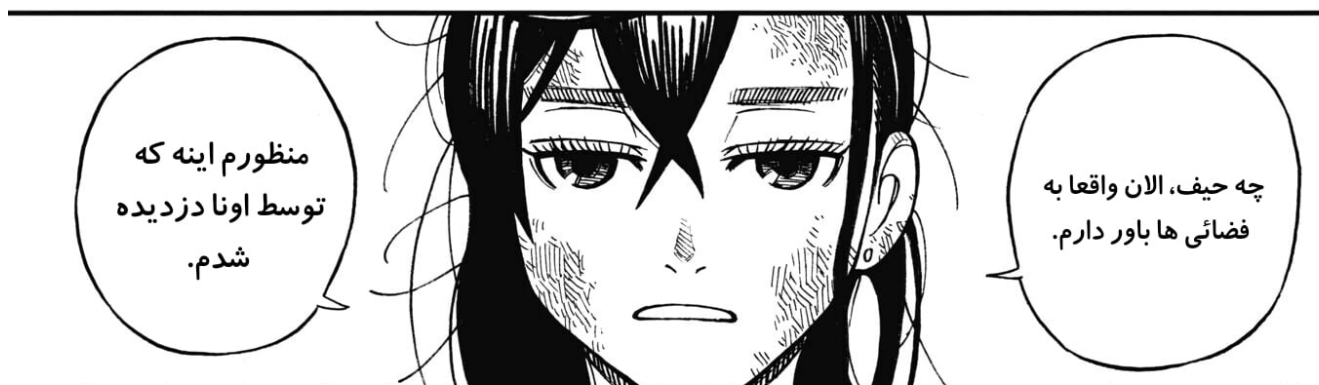


توی تونل، من
تا جایی که بهم
بدی ازت
میگیرم!



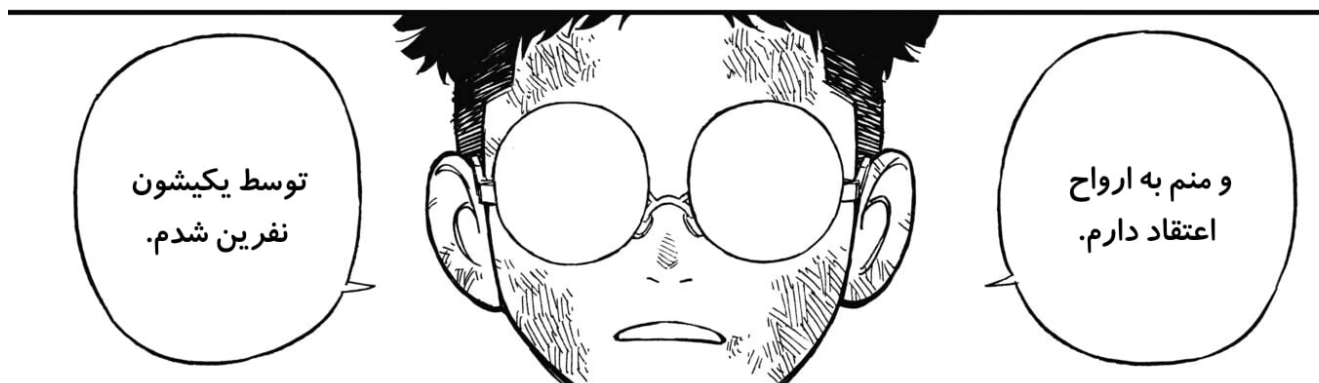


بدترین روز
ممکن بود.



چه حیف، الان واقعا به
فضائی ها باور دارم.

منظورم اینه که
توسط اونا دزدیده
شدم.



و منم به ارواح
اعتقاد دارم.

توسط یکیشون
نفیرین شدم.



خب حالا
چیکار کنیم؟

سؤال خوبی بود.



بابتش عذر
میخوام.

باید با قدرتم روی
نفرینت یه سرپوش
بذارم تا دوباره دیوونه
نشی.



من
یونیفرمم،
کیف پولم،
گوشیم...

همه چیزمو از
دست دادم.



فکر می کنی واسه
برداشتن این نفرین
باید چیکار کنیم؟

فقط یه کاری هست
که میشه انجام داد.
اونم از بین بردن ننه
بزرگ توربوچه.

اون علت همه
این چیزاس.

که اینطور،

خب پس
من میرم.





همه این اتفاقا به
خاطر من افتاد...

بیشتر از این تو
رو قاتی این
مسائل نمی کنم.



شجاعتو جمع
می کنم تا به
تونل برگردم.

و بعد این مسئله
رو حلش می کنم.
یه طورایی.



هاه؟!
الان میری!؟

خانم آ یاسه لطفا
لباسای منو بپوش
و برو خونه.

وایسا! بدون من تو
بازم دیوونه میشی!



چرا ازم نمی خوایی
باهات پیام!؟

بعد این چیزی که با هم
تجربه کردیم نمی تونم
بذارم خودت تنهایی بری!

تازشم، اگه من
اونجا نبودم تو
میمردی!

اگه با هم کار
کنیم بهتر
نمیشه!؟

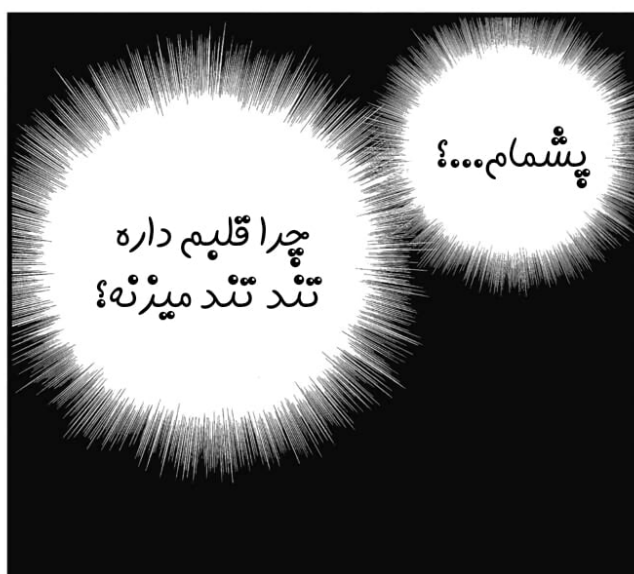
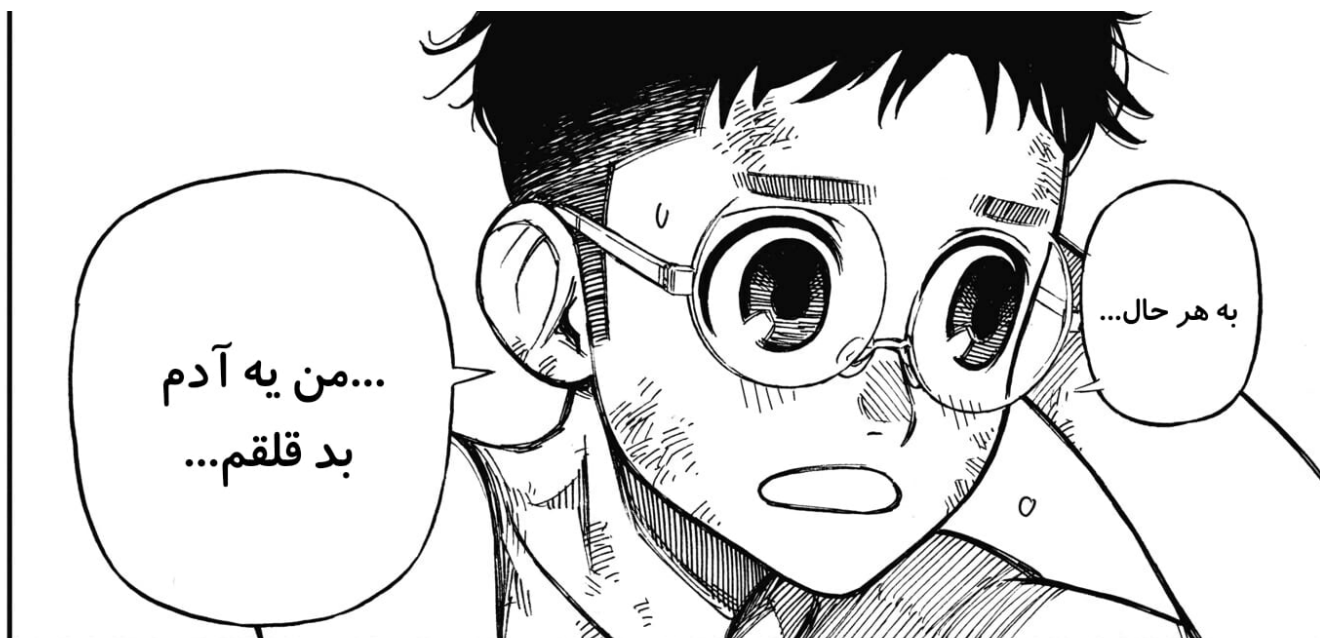


مطمئنی؟
منظورم اینه که
حتی اگه تو
کمکم کنی...

جیز، میشه
دهنتو ببندی!؟

بجنب لباساتو بپوش!
با هم میریم!

ب-ببخشید...





ناموسا
آروم پاش
مومو...
می دونی...

حالا که فکرش رو
می کنم، اسمت چی
بود؟



من واقعا تو به
خاطر سپاری اسما
کارم خرابه!

اوه، آه...



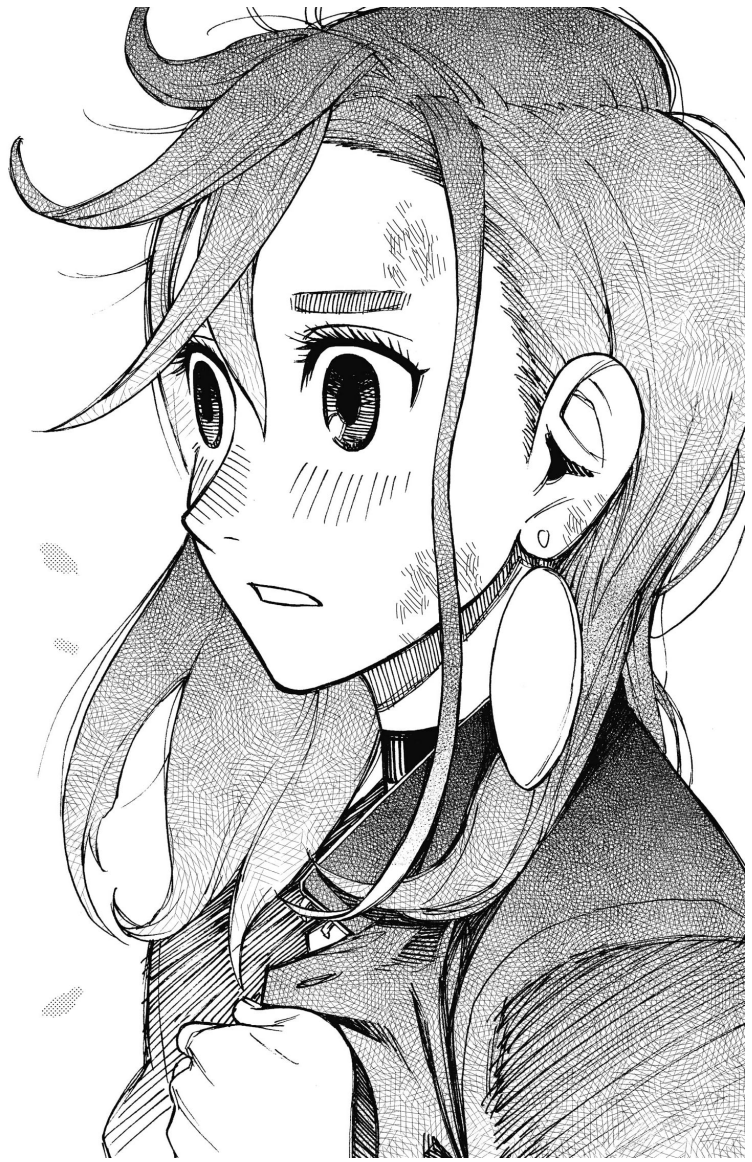
نه، اینطوری
نیست.

فقط چون یه جمله
شکل کن تا کاکورا رو
گفت یهو چا خوردم،
فقط همین.

بادوم
بادوم



من کن
تا کاکورام.



DAN
DADAN

ادامه دارد

چپتر
02

جلد
01



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام

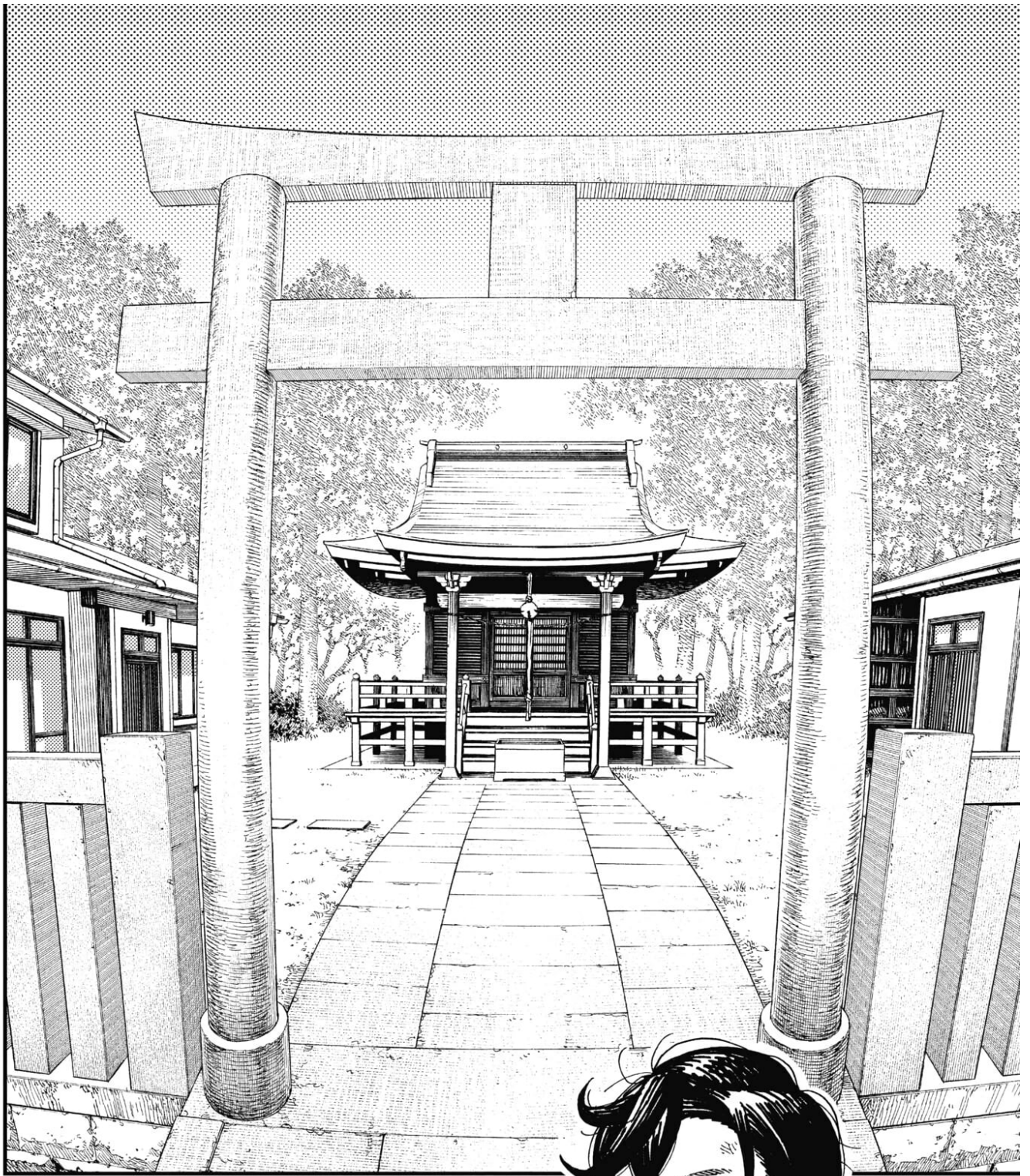


MyMangaPlus

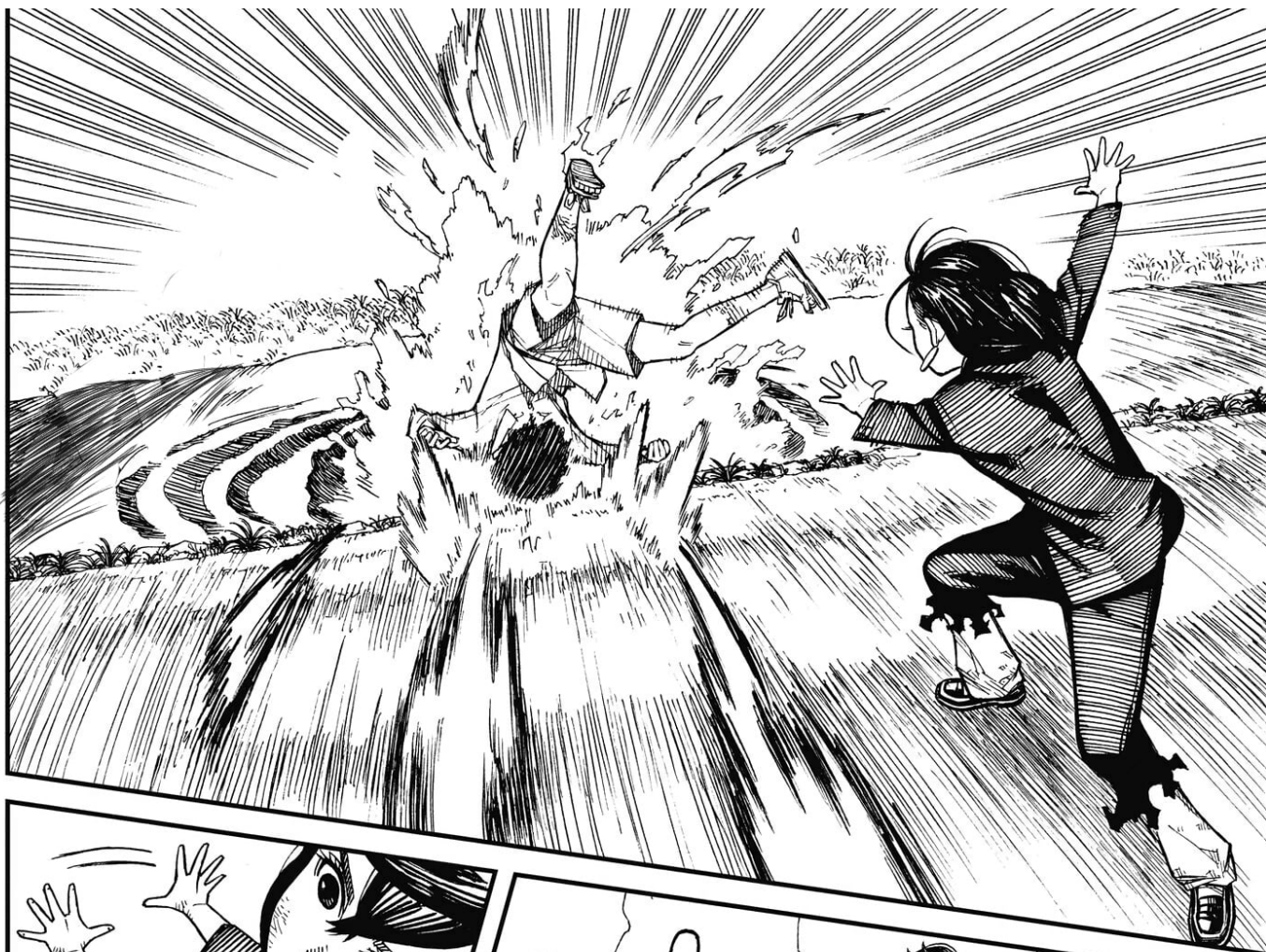






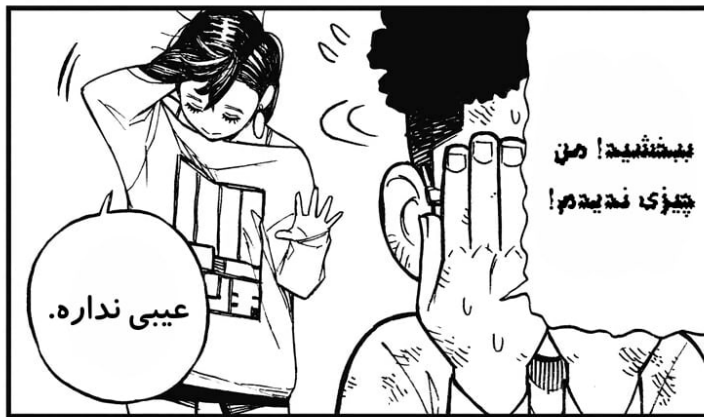








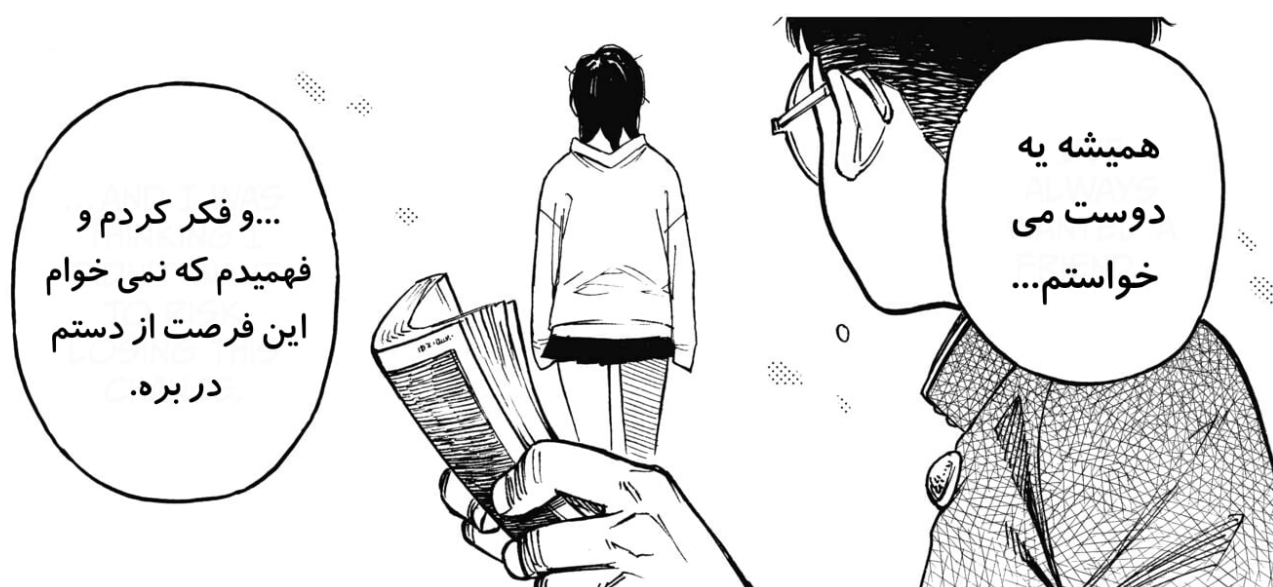








نمی خواستم
این فرصت از
دستم در بره.



...و فکر کردم و
فهمیدم که نمی خوام
این فرصت از دستم
در بره.

همیشه یه
دوست می
خواستم...



...خیلی دلم می
خواست که باهات
حرف بزنم.

برای همین...



عذر میخوام...

تورم قاتی این مسائل
خطرناک کردم...



وقتی که همه
چیز حل و
فصل شد...

می تونی
نادیده ام
بگیری...



اما باید
می دونستم...

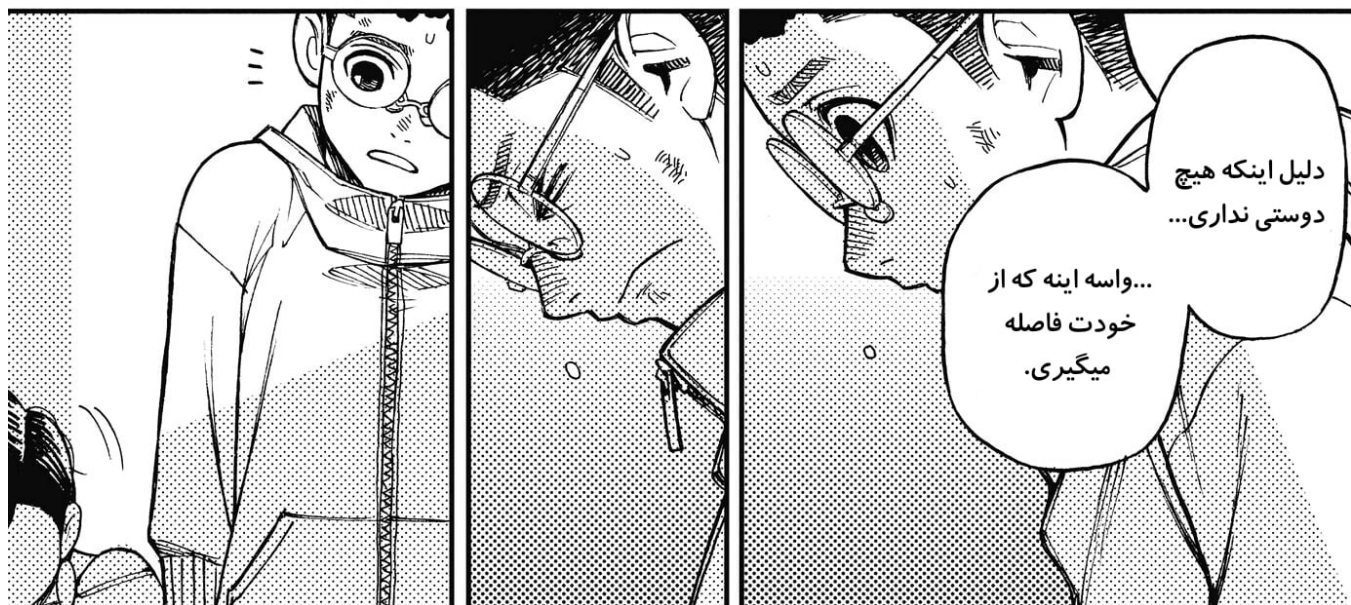
که تو توی دنیای
متفاوتی از من زندگی
می کنی...

تو کسی نبودی که
آدمی مثل من بخواد
باهاش سر صحبتو باز
کنه...



وقتی درباره این
چرندیات حرف
میزنی حالم بهم
میخوره.

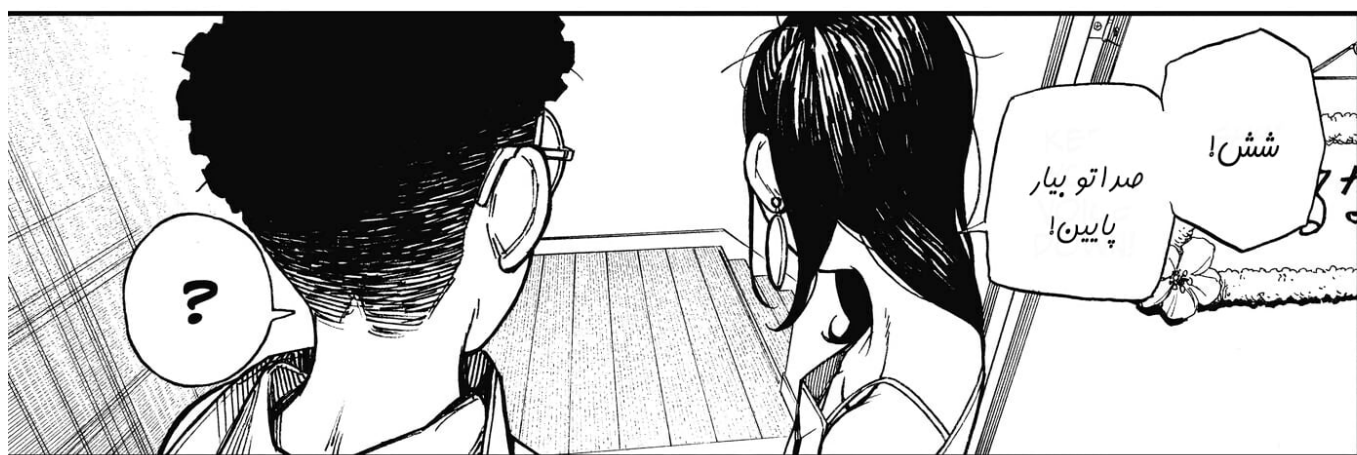
گمشو برو به
اون فرضیاتت از
آدما ادامه بده... بعدم خودتو از
همه دور کن.



دلیل اینکه هیچ
دوستی نداری...

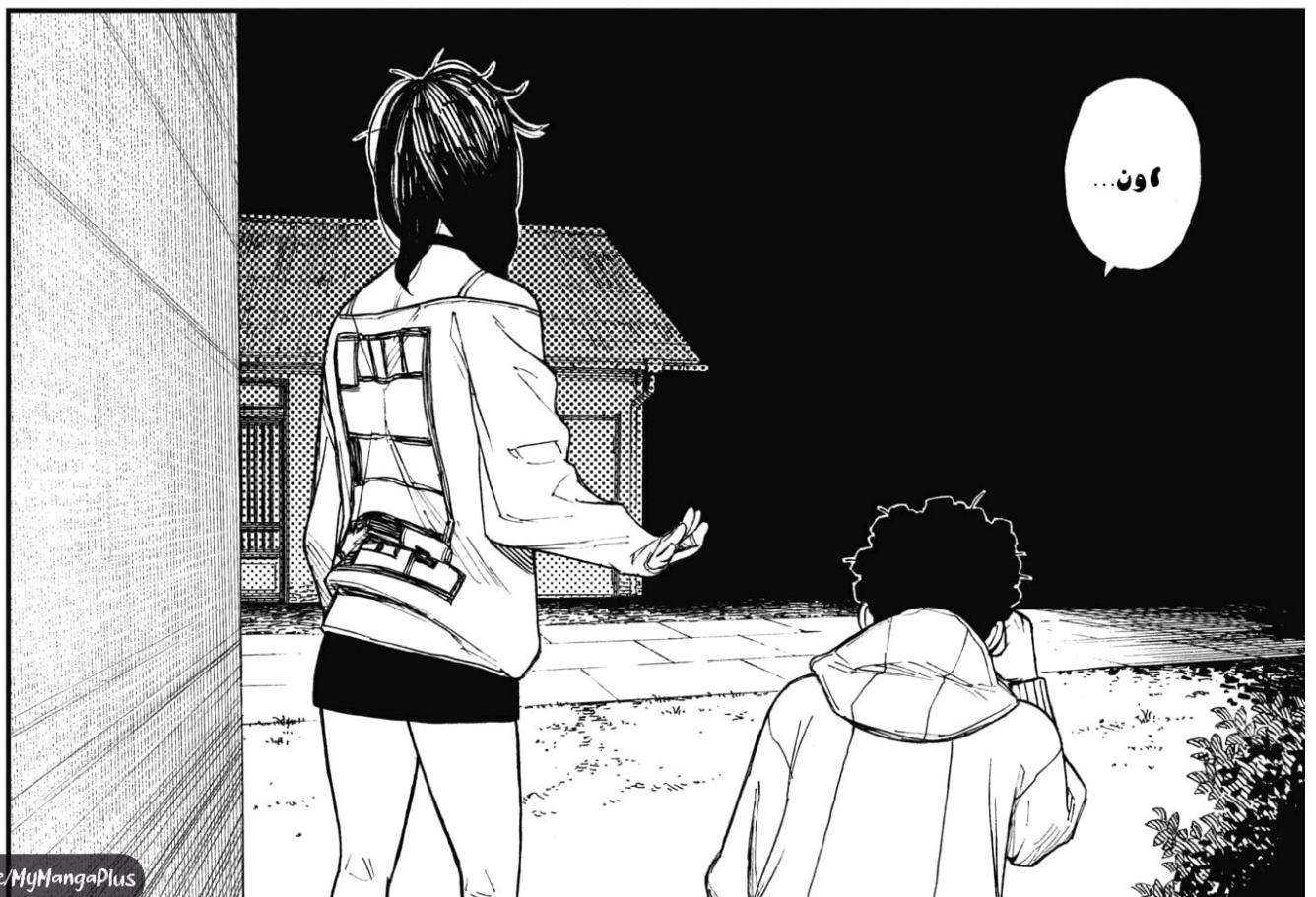
...واسه اینکه از
خودت فاصله
میگیری.







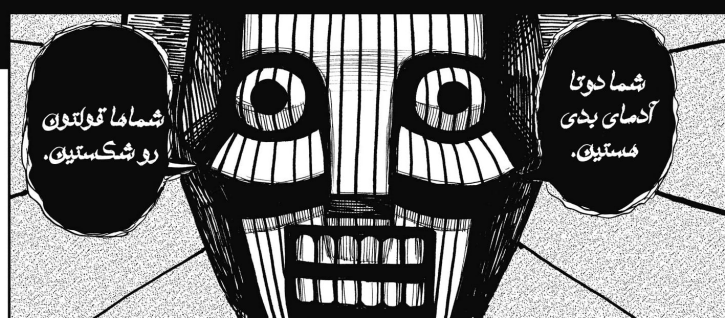
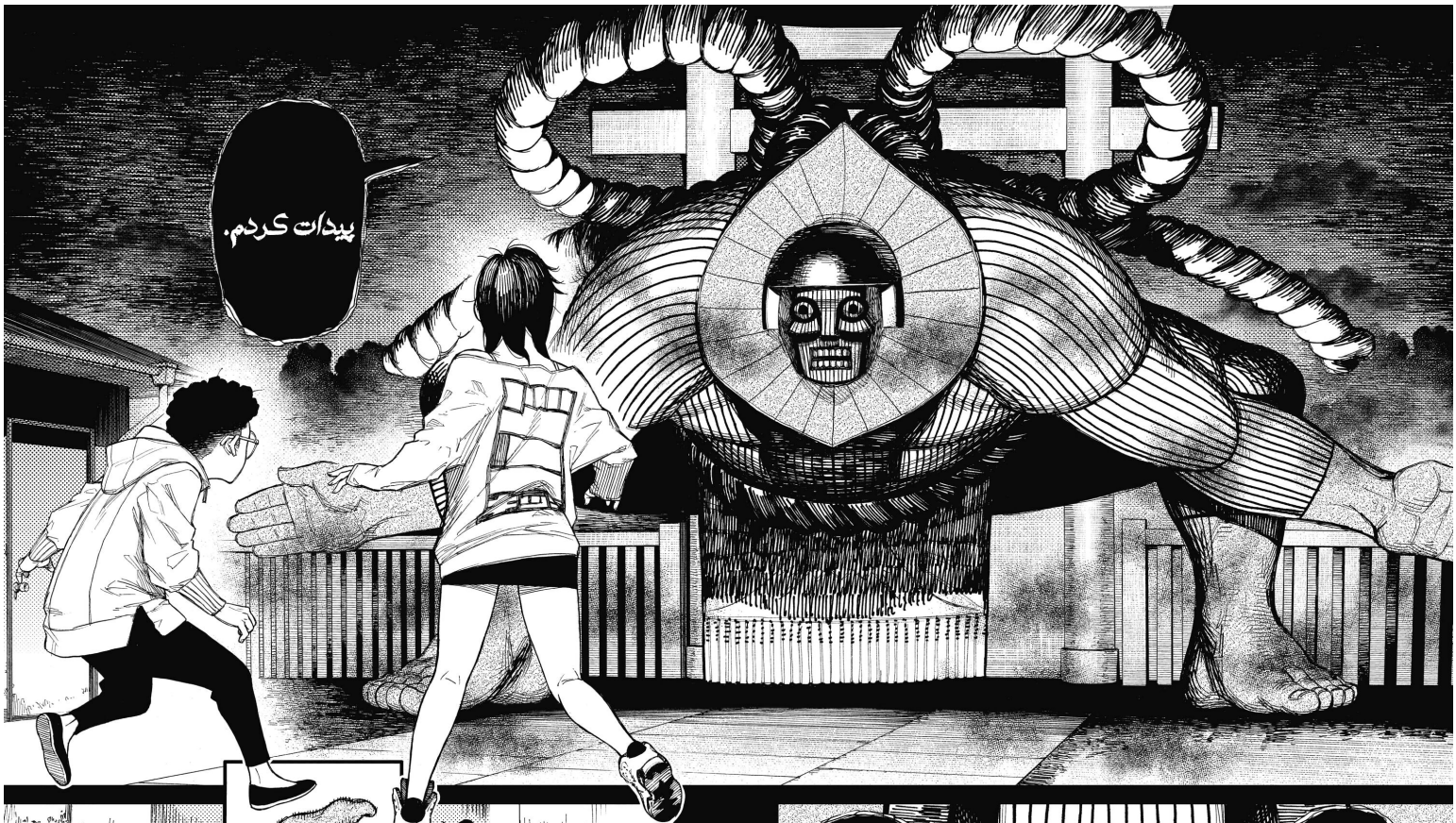


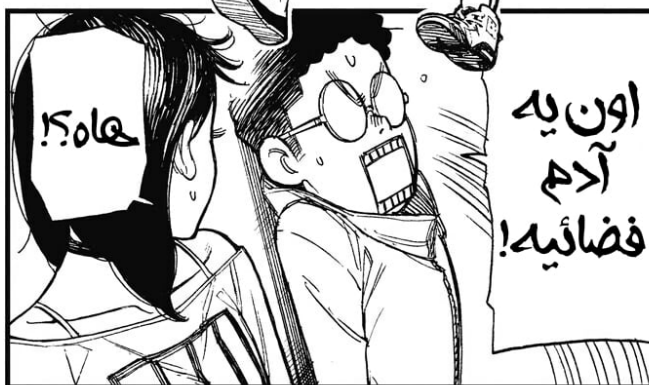
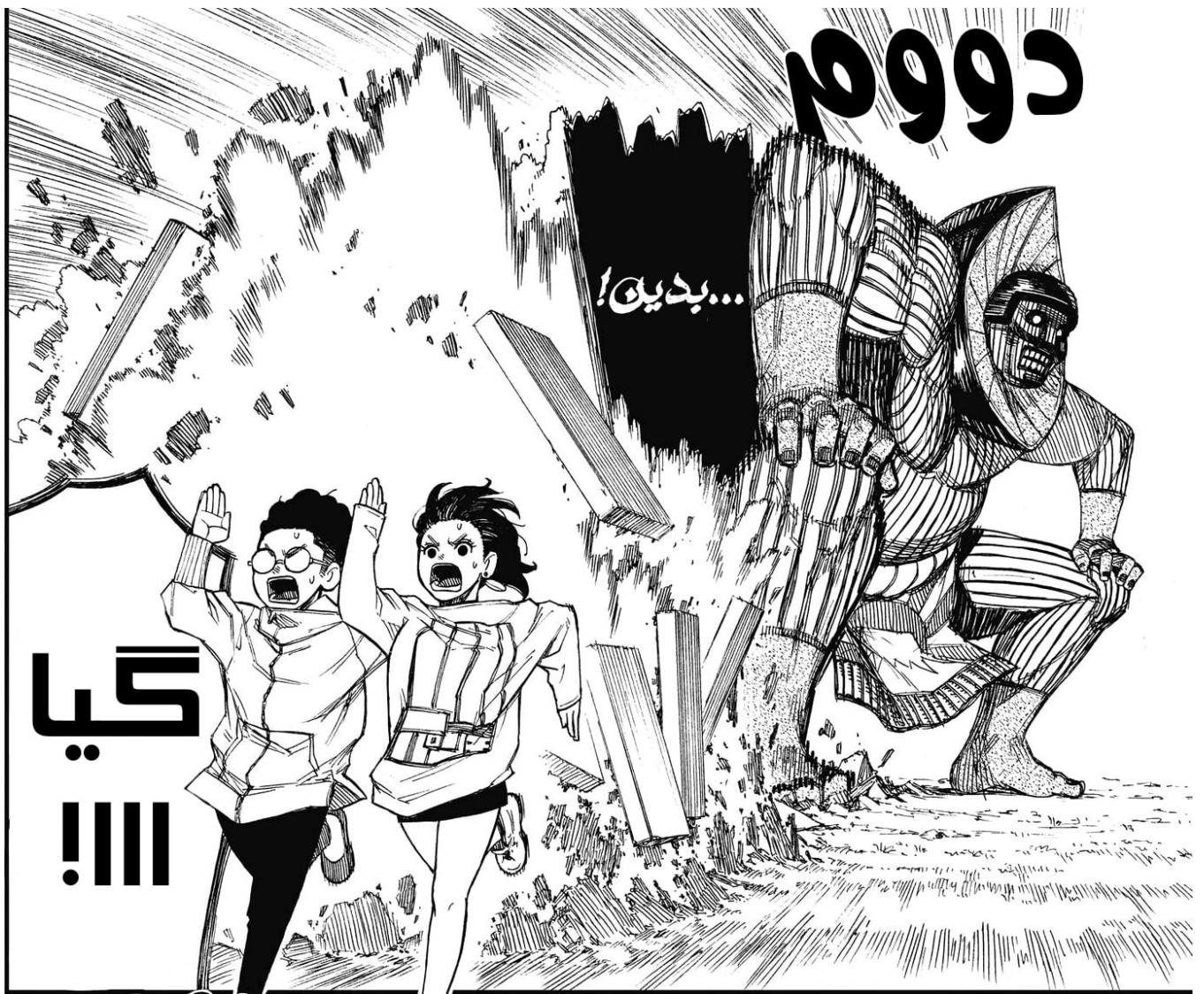














اولین بار یه
آمریکایی اونو توی
جنگل درخت های
صاف دید.

و توی ژاپن هم
استان یامان شی
دیده شده.

گفتن یه آدم
فضائی سه متریه.



پس زنگ
در چی؟!

داری میگی یه آدم
فضائی اون زنگ دری
که واسه ارواح خبیث
گذاشته شده رو به صدا
درمیاره؟!

یه سری
تحقیقات
خاص نشون
داده که...

...افرادی که اصولا طالع
بینی می کنن می تونن
موجودات ناشناخته رو
هم ببینن!



ولی اینکه مدام
باید حواسم به
نفرینت باشه...

...یعنی نمی تونم
خوب از توانایی
هام استفاده
کنم...



اگه خیلی سریع
یه کاری دربار
اش نکنیم...

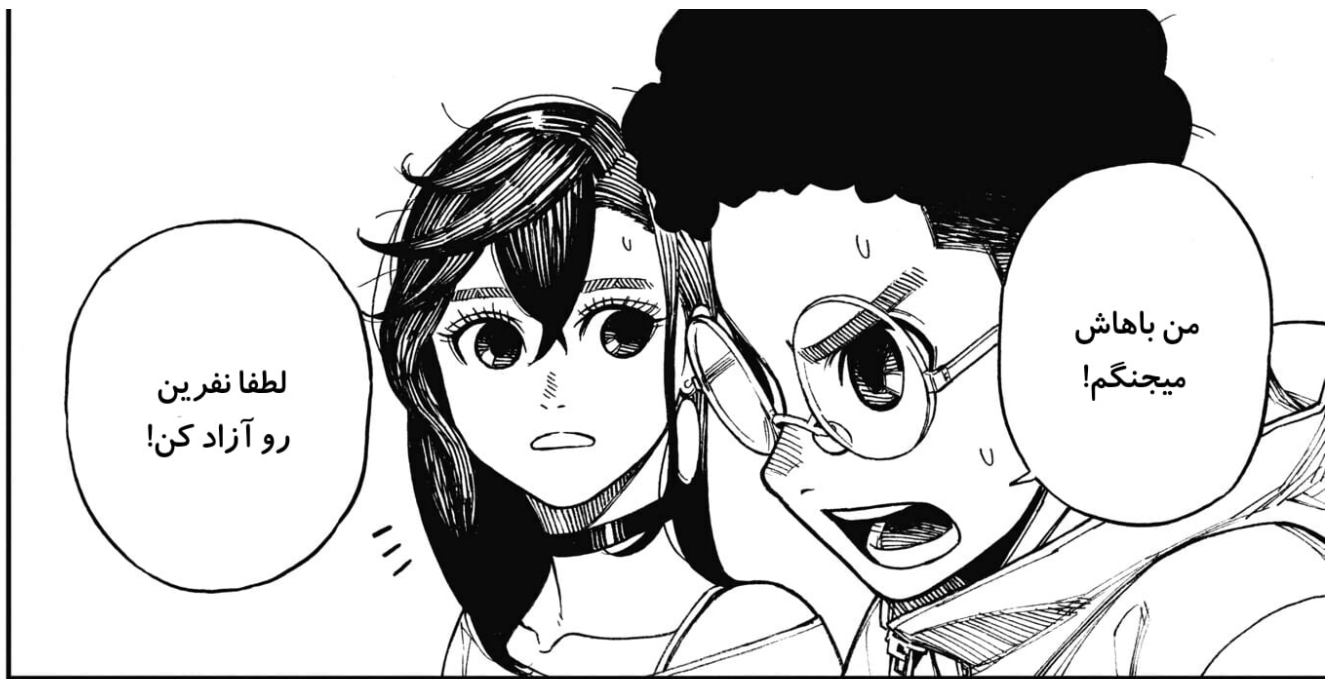
...این غبار سمی
مارو می کشه!

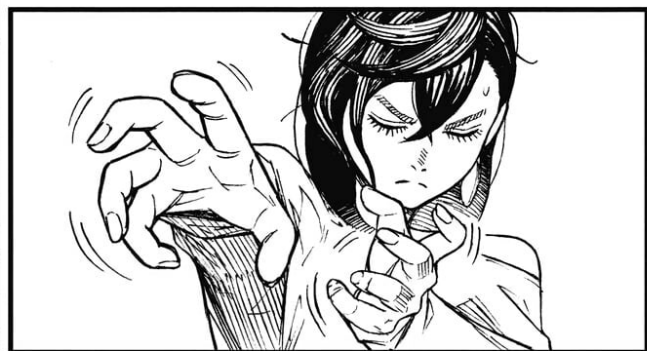


به عبارت دیگه،
ارواح و فضائی ها
باید یک سری
شباهت هایی با هم
داشته باشن!

پس این با
فضائی های
دیروز رفیقی
چیزیه؟!

این تخم
حروم های
سرتق!







فوق العاده اسرا
تدرت نوم جریان
پیدا کرده!



ولی
هوشیاریم
کاهلا
سر جاشه.

ولی خیلی
افسرده ام.

چرا این شکلی
حرف میزنی؟



او پس.
بیخشیید.

به خاطر اینکه که
من به دوست
بد قلم.



ای فل مغز!
پشمای
کورتو واکن
بین داری
کبا میری!



هاده؟



ولی خیلی
ناراحتم.

واو!

داره
شخصیت
رو به پوختن
سگ میاره!

ولو
شدن



بسیار خف. به
دقیقه دیگه
خودت میرسم.

به هر حال
بودنم فایده ای
هم نداره.

تعظیم
تعظیم



گفتم این
حرفو نزن!

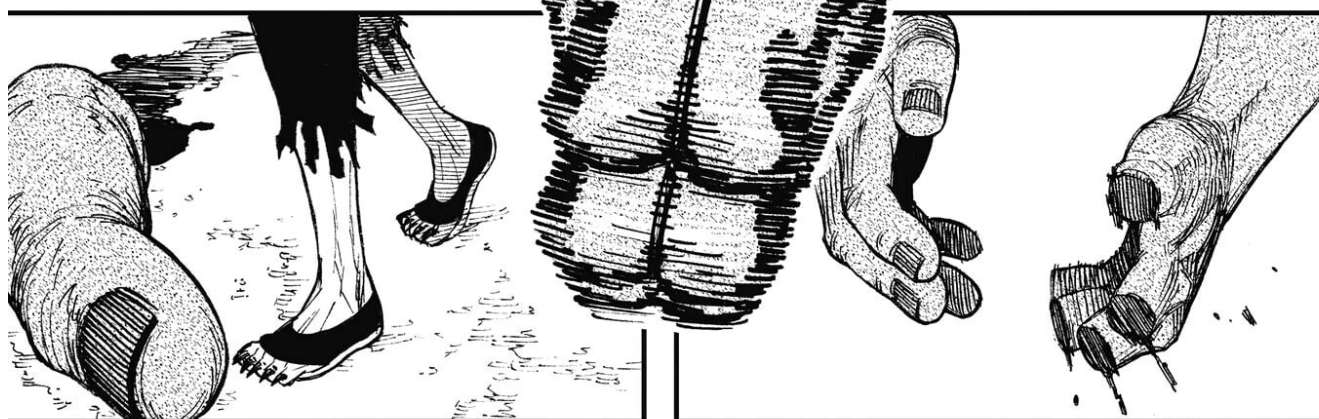
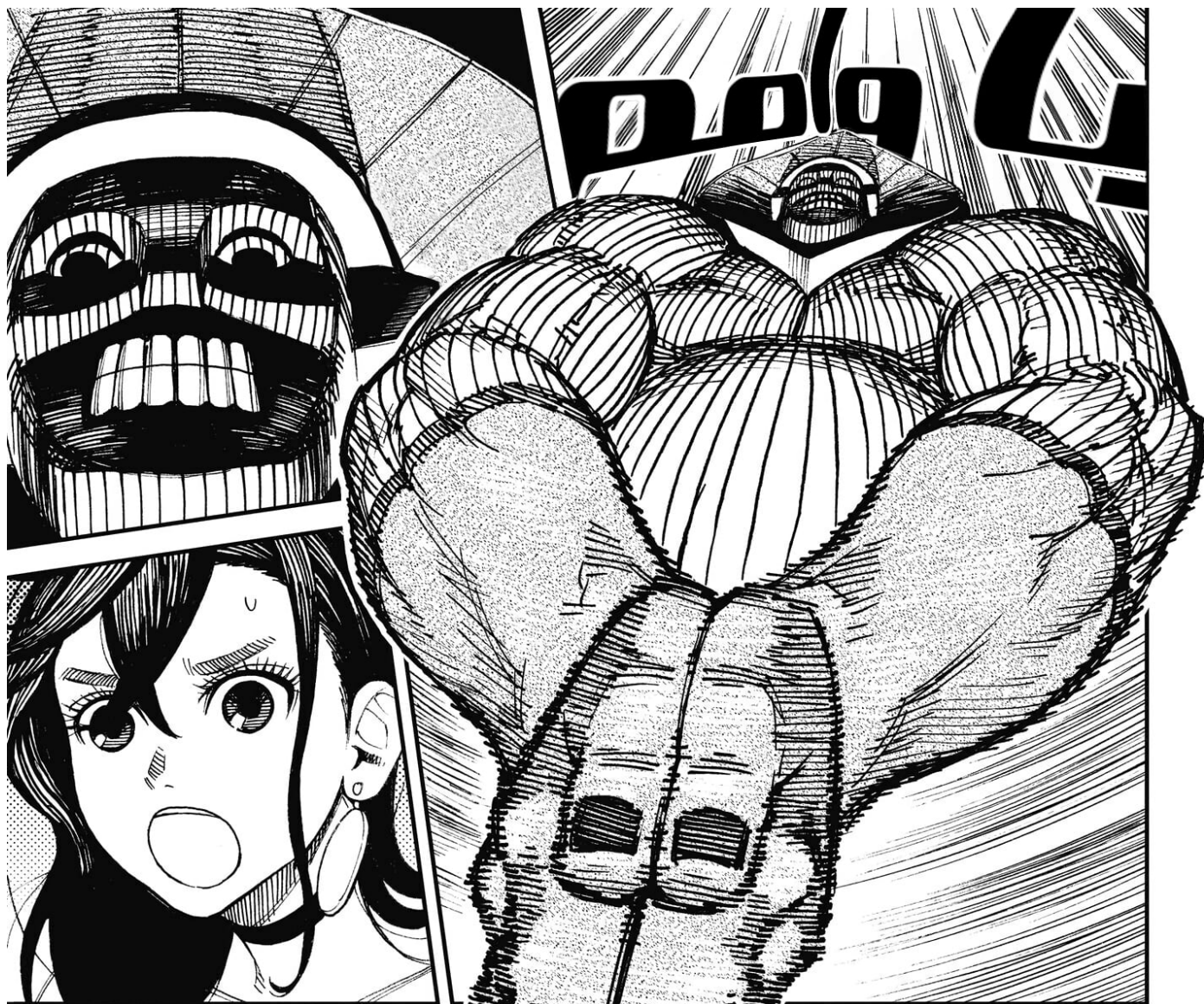
اصلا فایده
وجود داشتنم
چییه؟!

اگه فقط ناپدید
میشدم همه چی
خیلی بهتر
میشد...

اینطوری
حرف نزن!
داری خالمو
به هم میزنی!

لگد

لگد



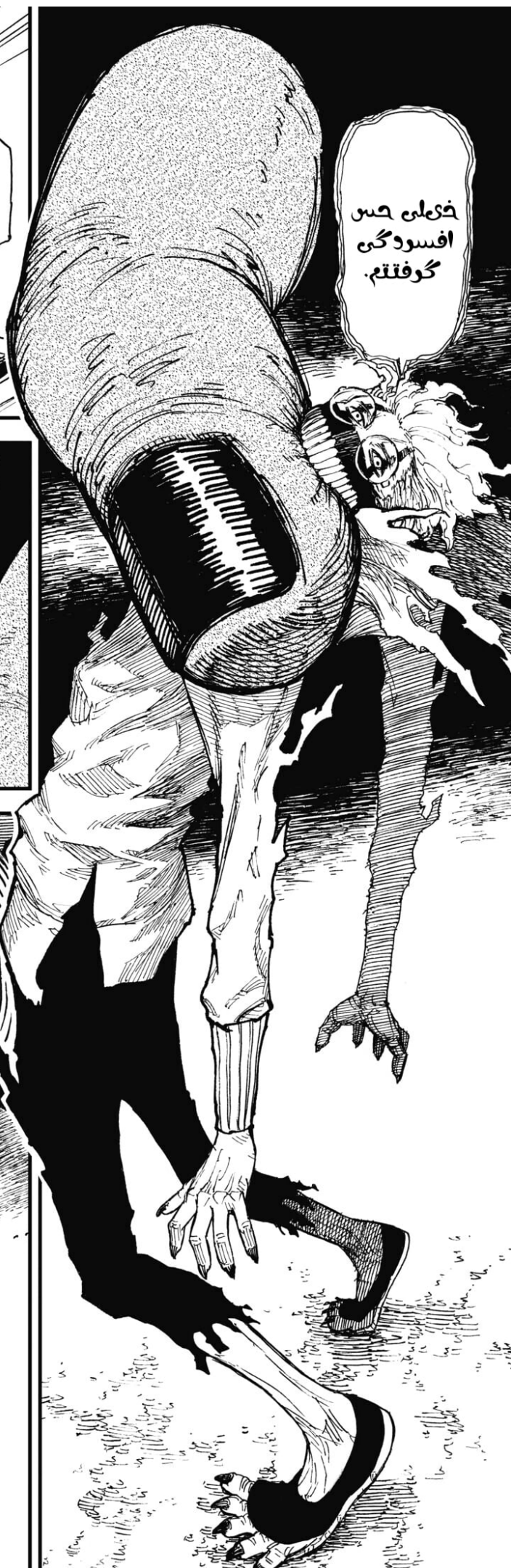


خیلی
سریع
بود!

بطوری این
کارو کردی؟!



تف

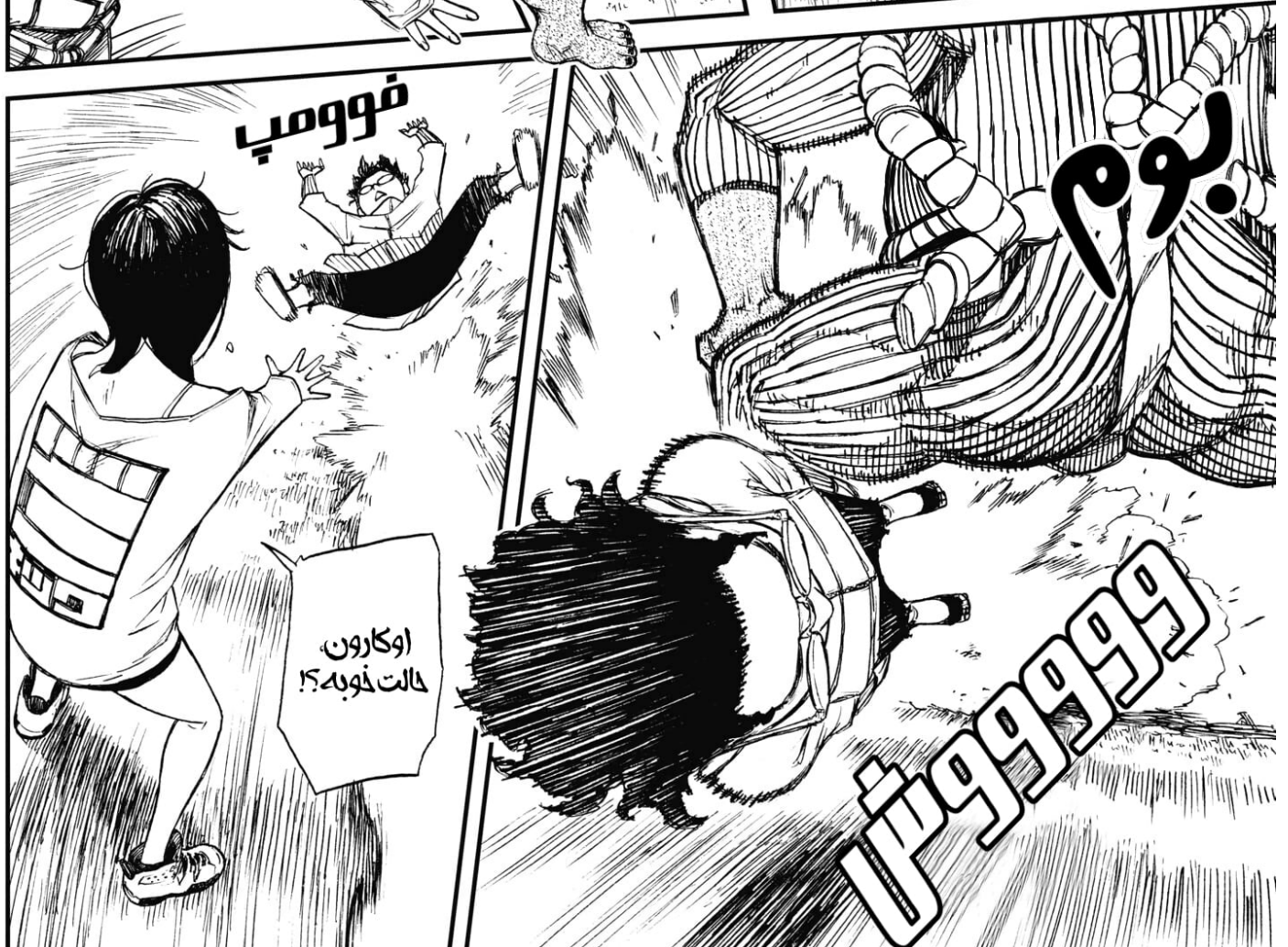


خیلی حس
افسردگی
گرفتم.



ممنوره! اینطوری
می تونه کله این
یارو رو بکنی!







کس میکنم
قراره تمام
بدنم تیکه پاره
بشه!

انسان ها
واسه سریع
حرکت کردن
ساخته نشن!



منو ببینش
خانم آياسه!

کوف!
کوف!

بدنم بیشتر از
این نمی تونه با
قدرت نفرین
مقابله کنه!



و من فقط
تونستم پنج تا از
انگشت هاش رو
قطع کنم.

چطور میتونیم
این گولای رو
شکست بدیم؟!

من چیه
بدونم؟! سر
من عصبی
نشو!



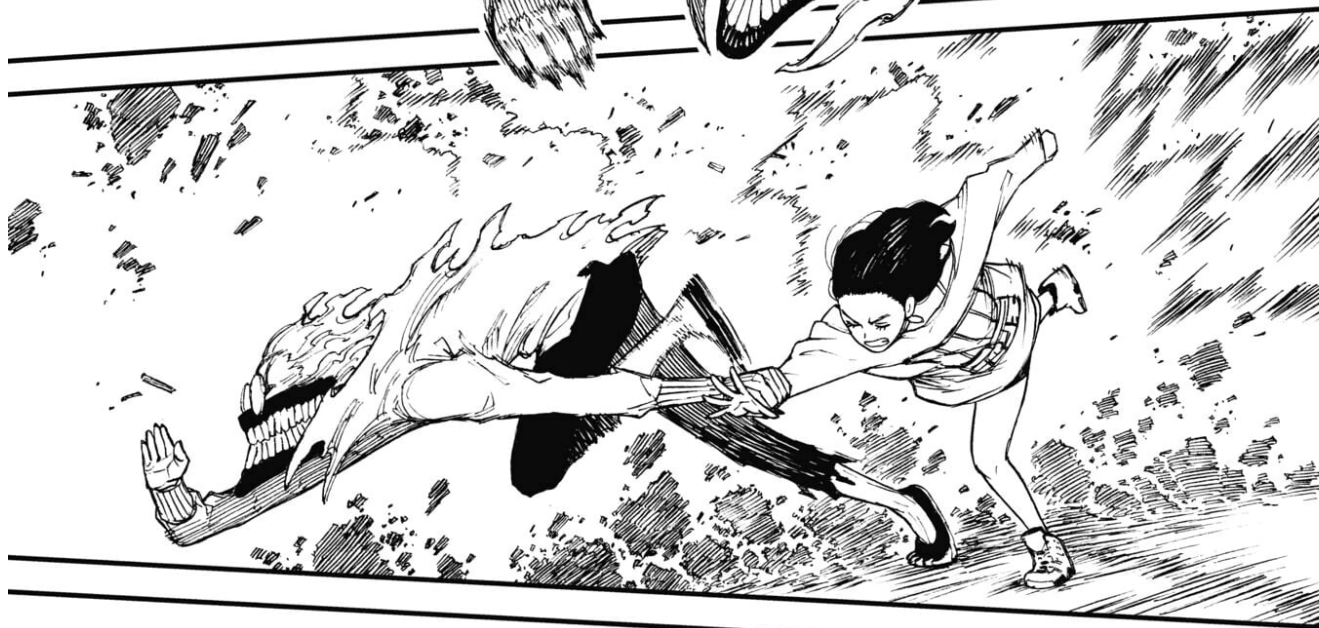
داره... داره
سومو انجام
میده؟

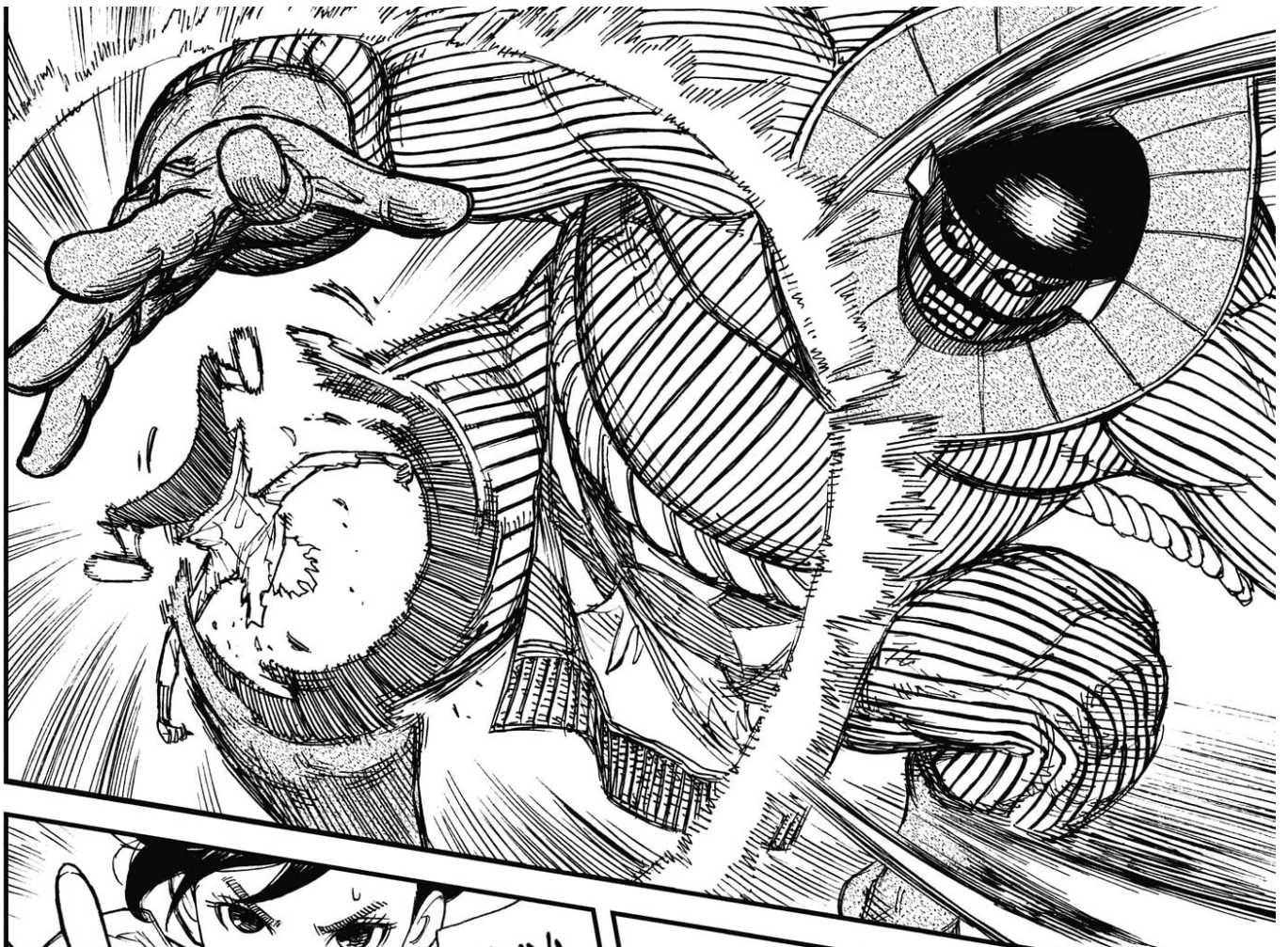
سومو؟!



اگه می دونستم
چطور شکستش
بدیم که الان
انقدر دست و پا
نمیزدیم!







و با...
دست
چپم...

با دست
راستم از
نفرین
اوکارون
جلوگیری می
کنم...



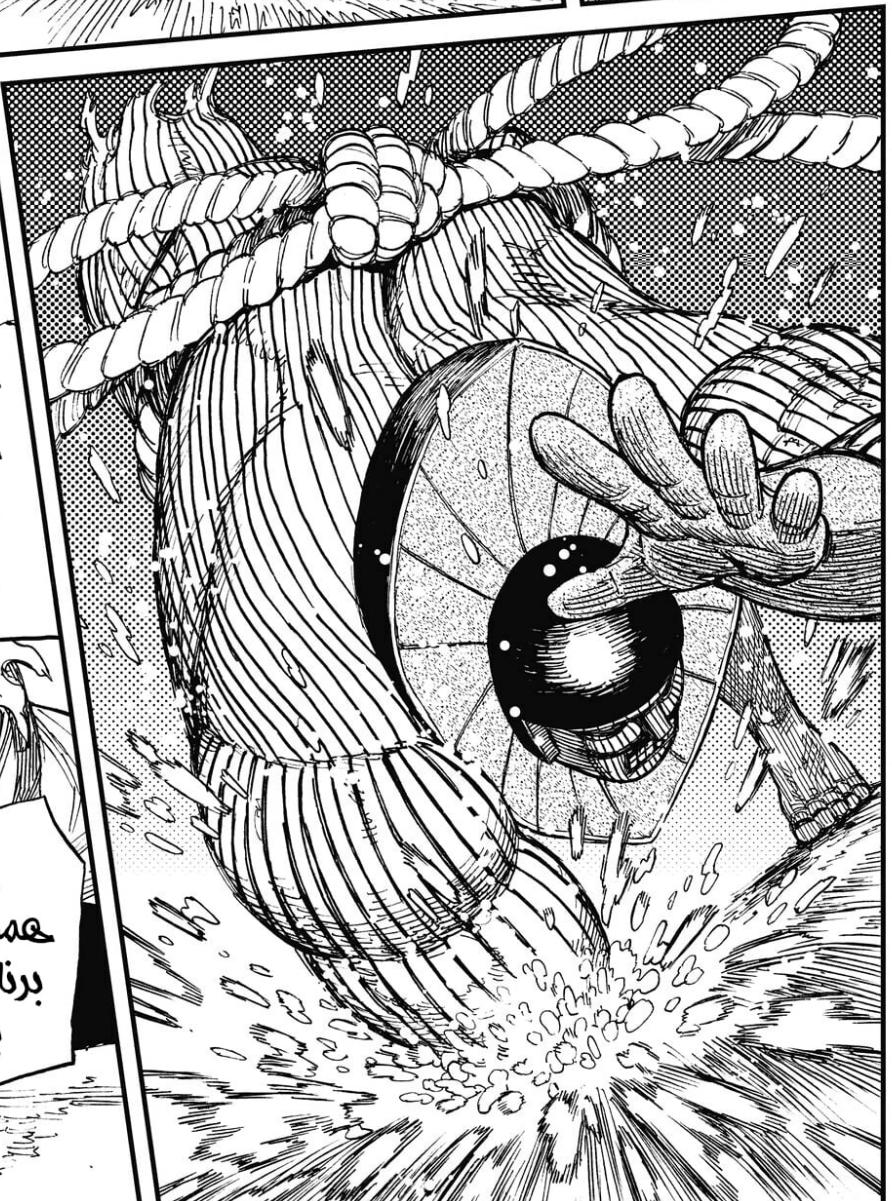
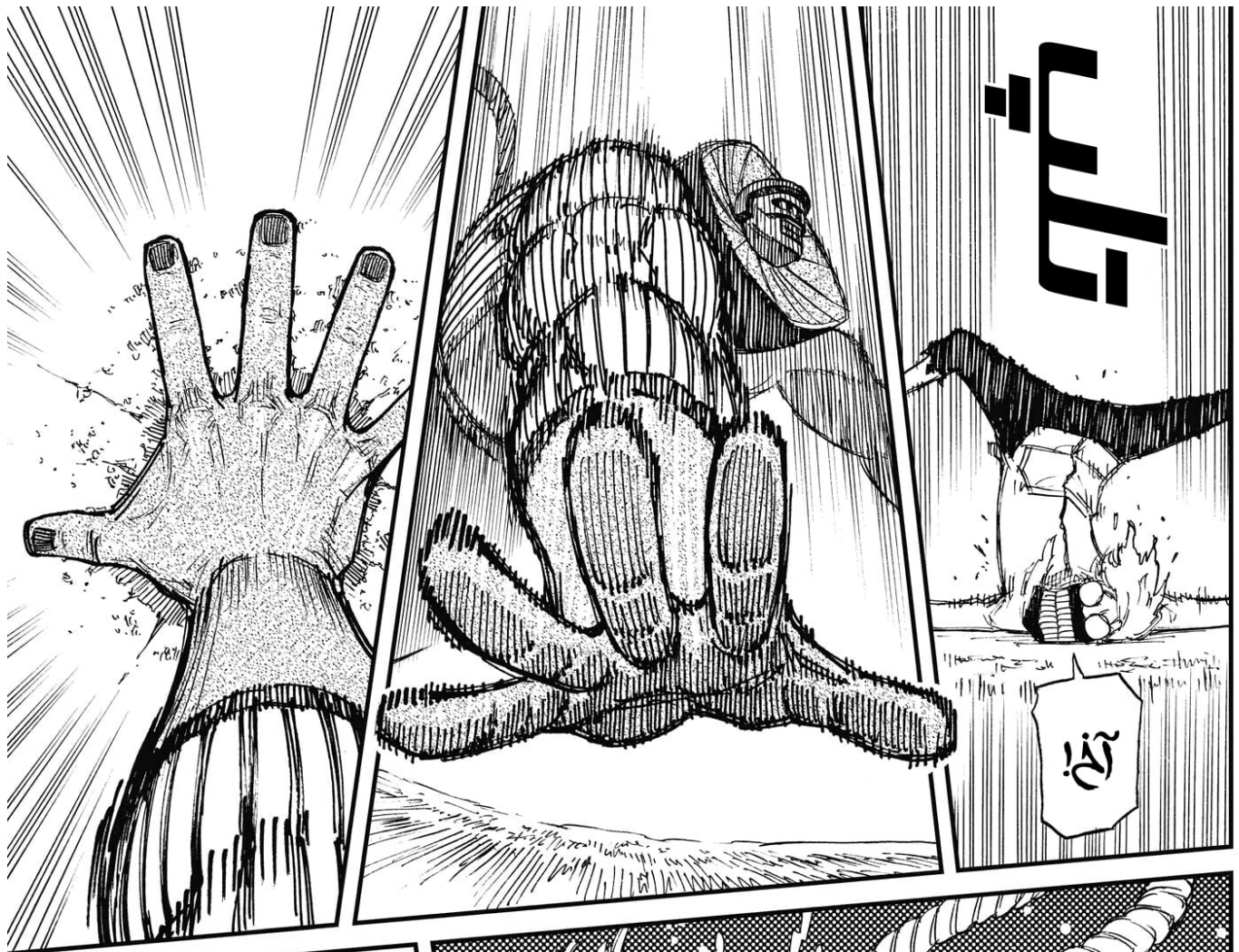
بیشتر از این
نمی‌کشم!

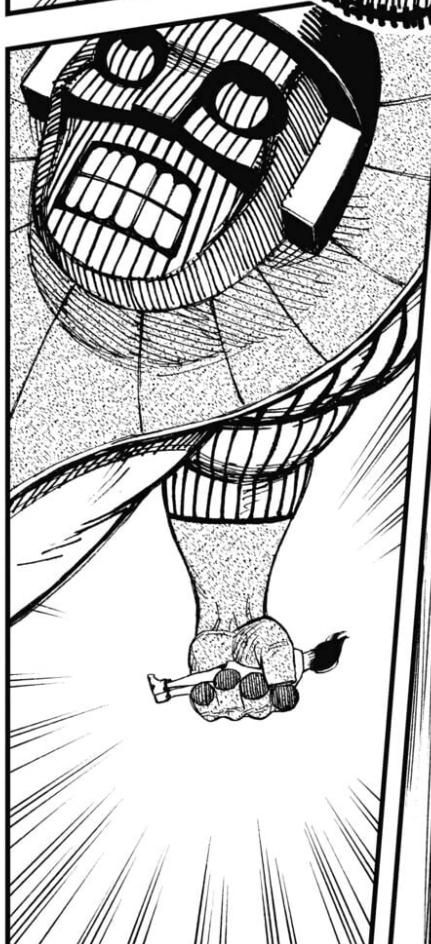
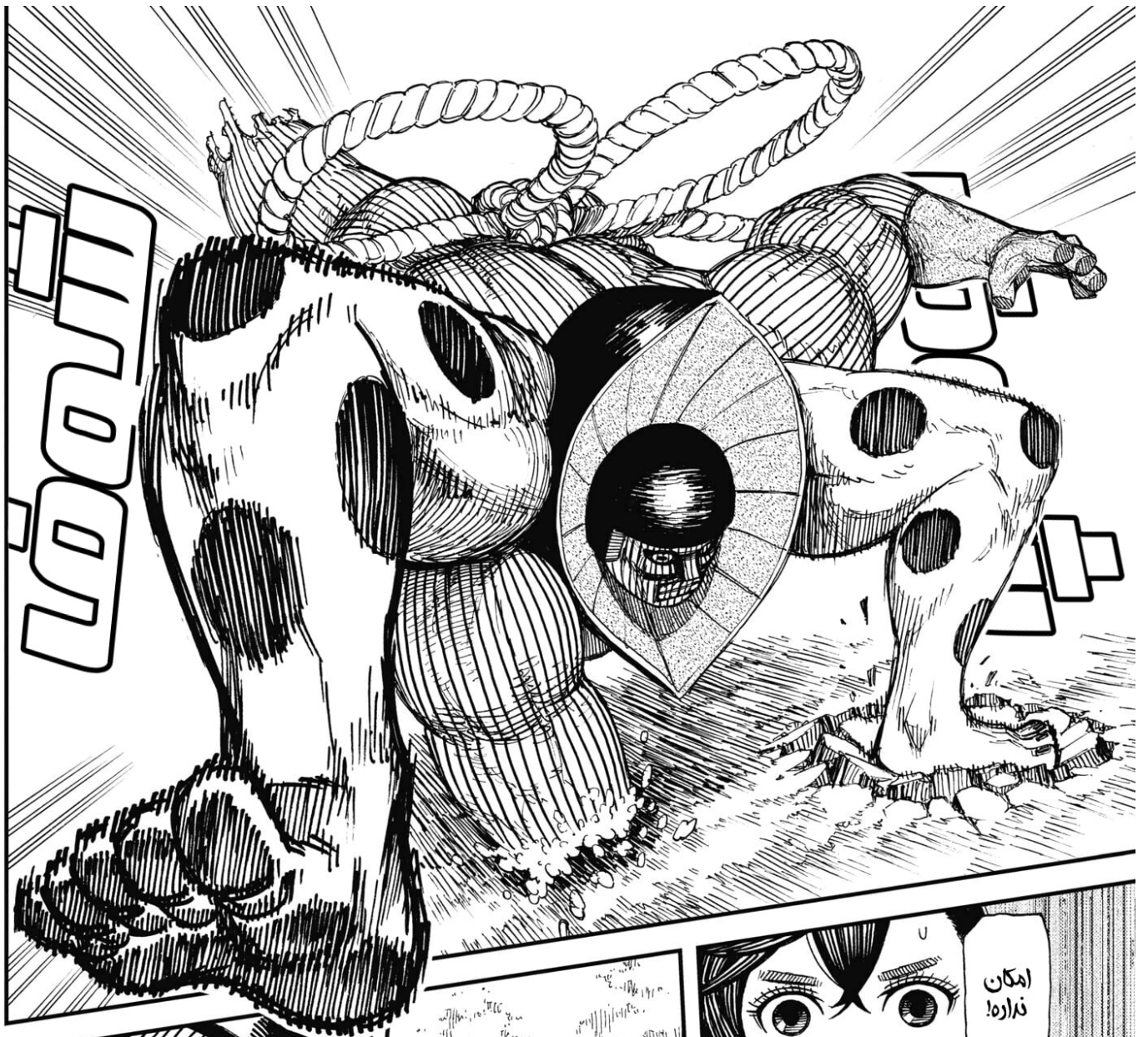
کوف!

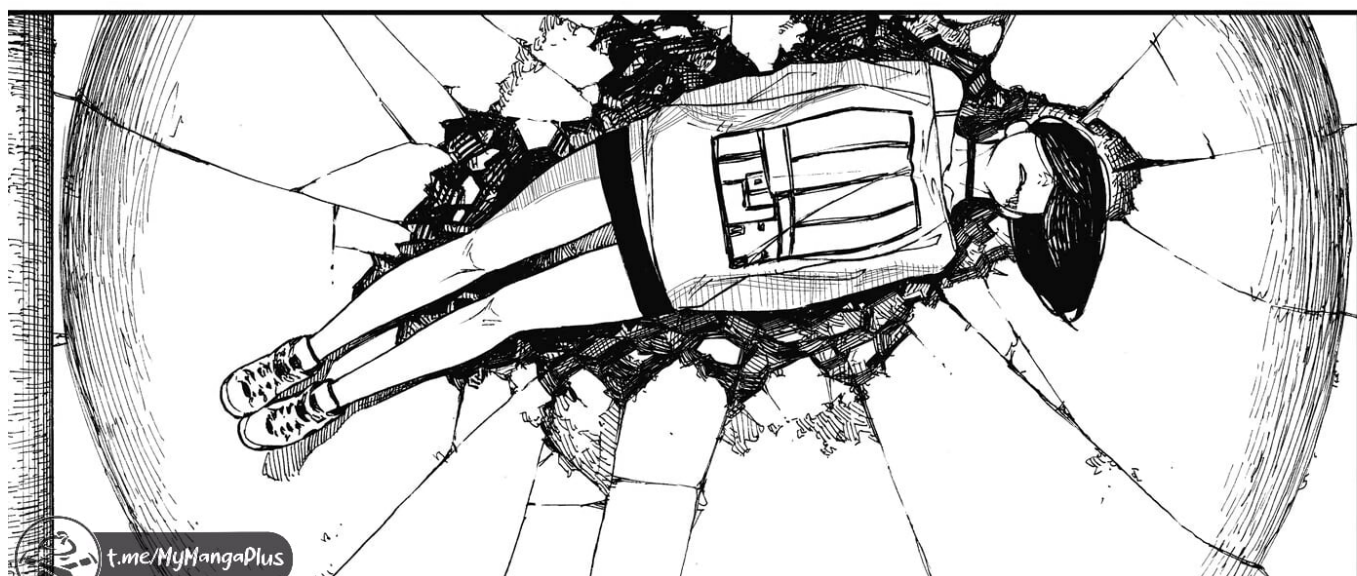
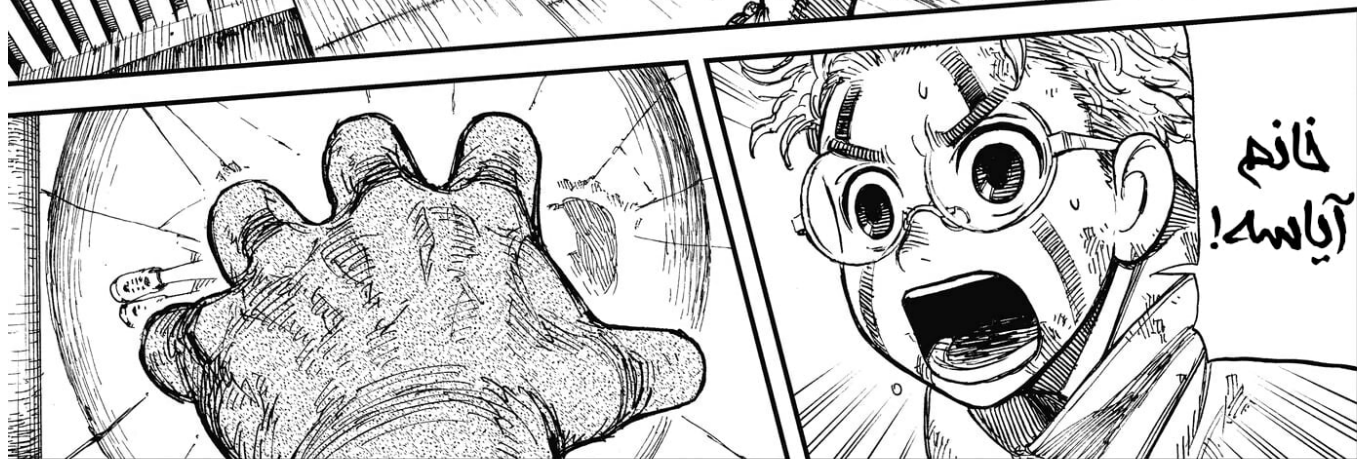
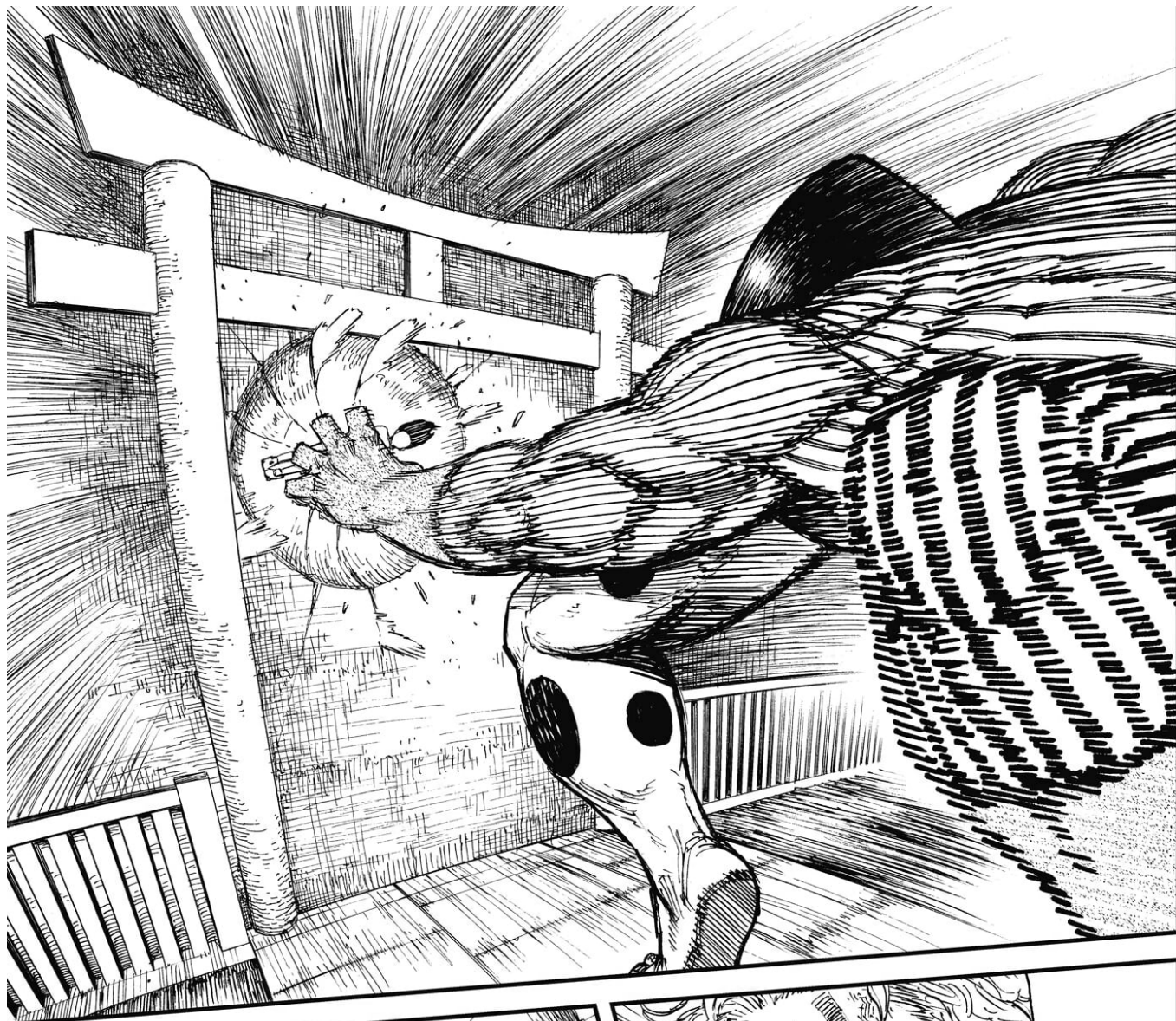


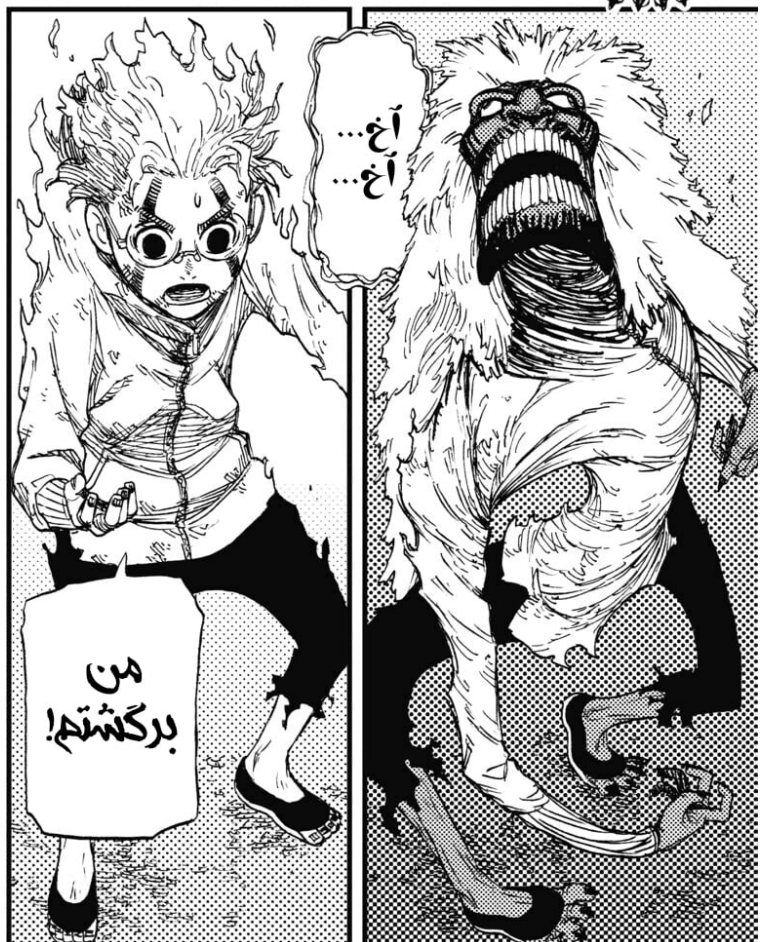
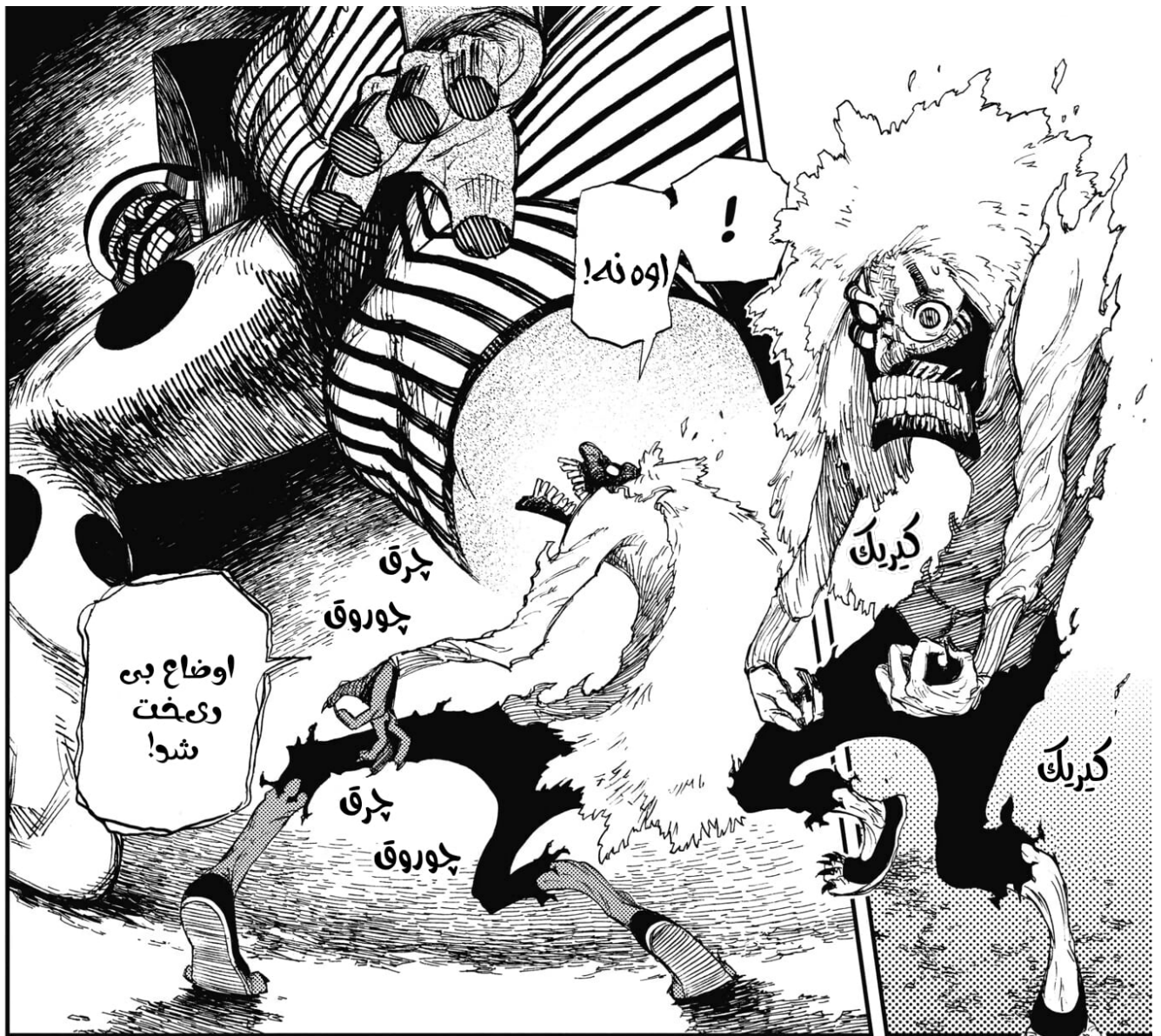
شومم

هیااااه.
تو کون
نروی
عن!











دستت به
زمین خورد...

حروم زاده
مقلوب...



من حساب این
چیزو میرسم!
فقط نگام کن
او کارون!



نمیدارم
هیچکس
با تقلب در
بره!

وایسا، داری
درباره پی حرف
میزنی؟



واقعا داری گند
میزنی به حالم...

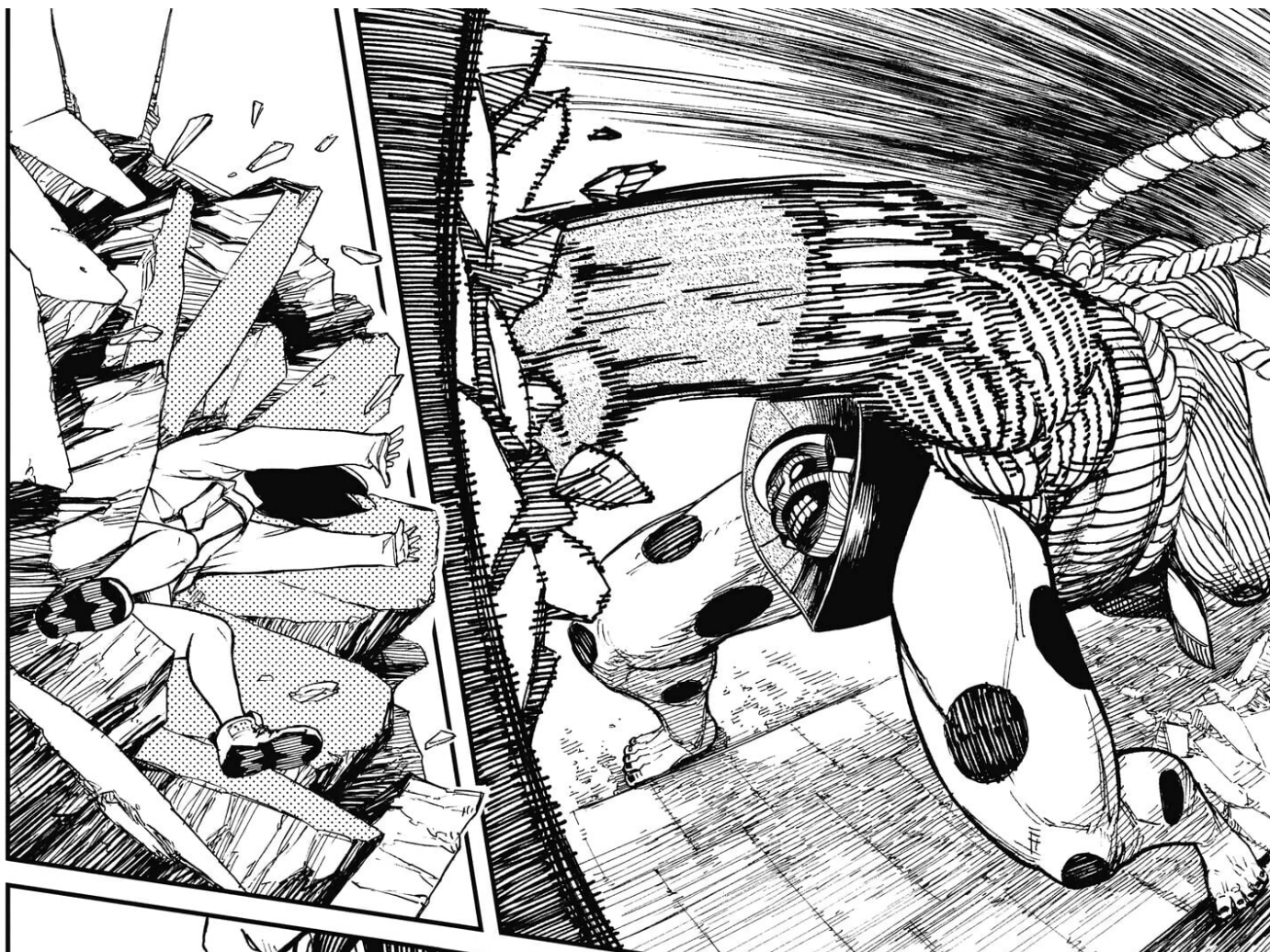
آدم فضائی
فسقلی بدبخت!



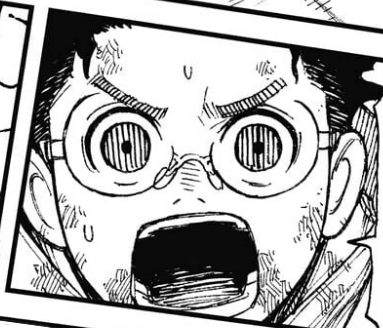
خانم
آیاسه!

لطفاً بذار
نفرین به بار
دیگه آزاد
بشه!

لهمیتی به
اینکه به بلایی
سر بدتم بیاد
نمیدم!



کار نمی
کنه!



بس کن!





لطفاً نفرینم
رو آزاد کن!

خاتم آياسه!
لطفاً!

اینطوری
نمی تونی
نجات پیدا
کنی!

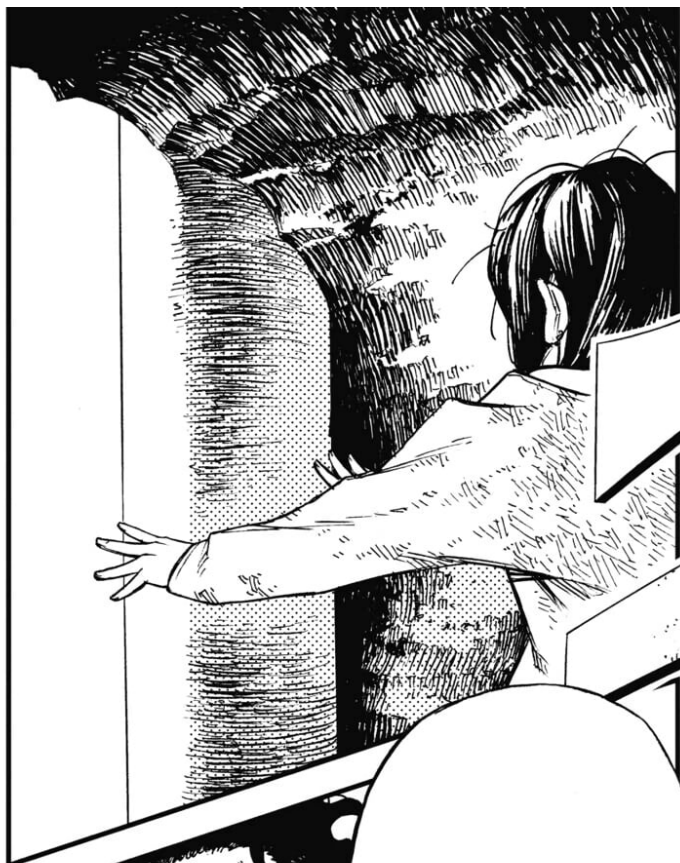


نه، این
با حاله.

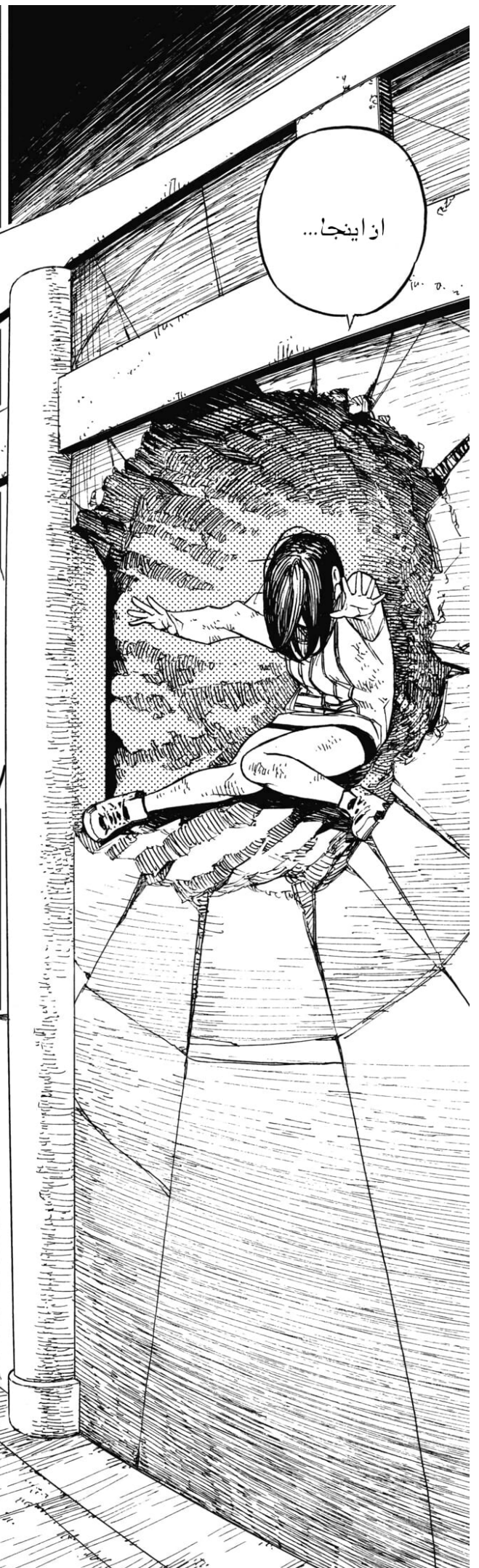
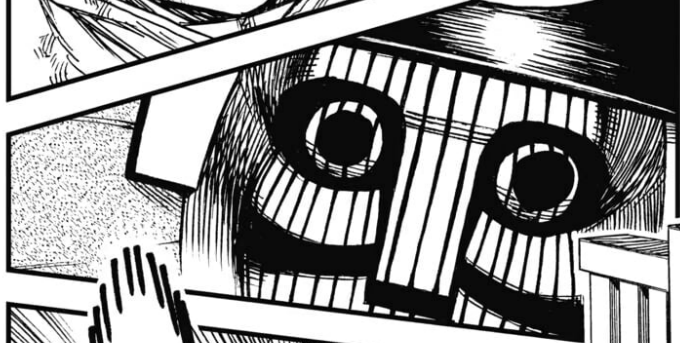
چون الان...



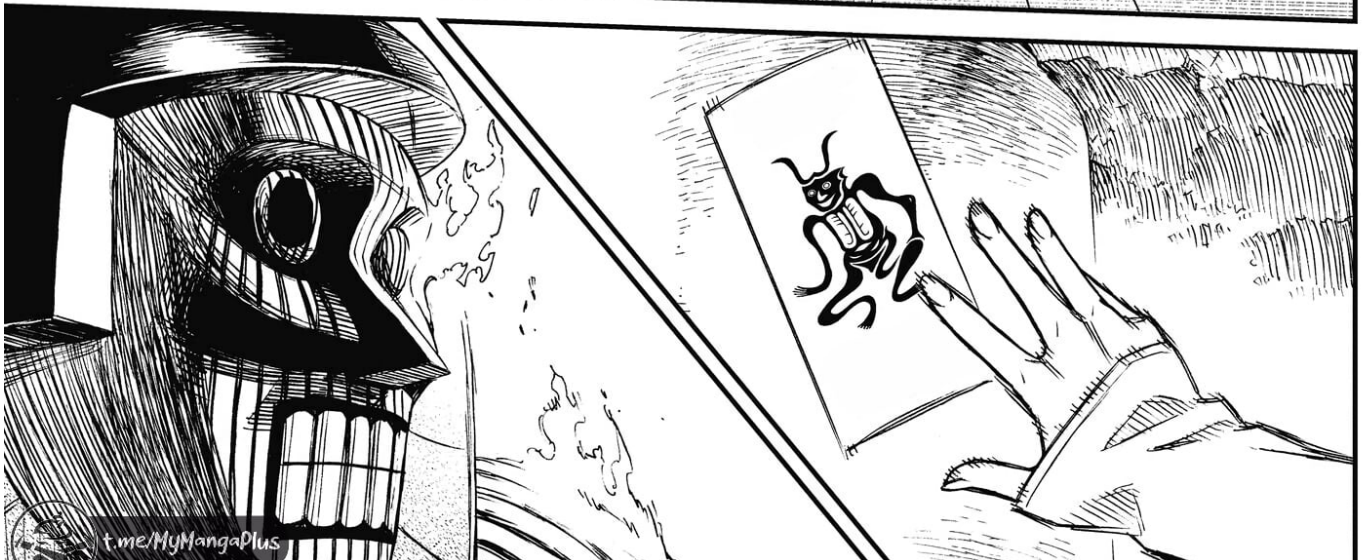
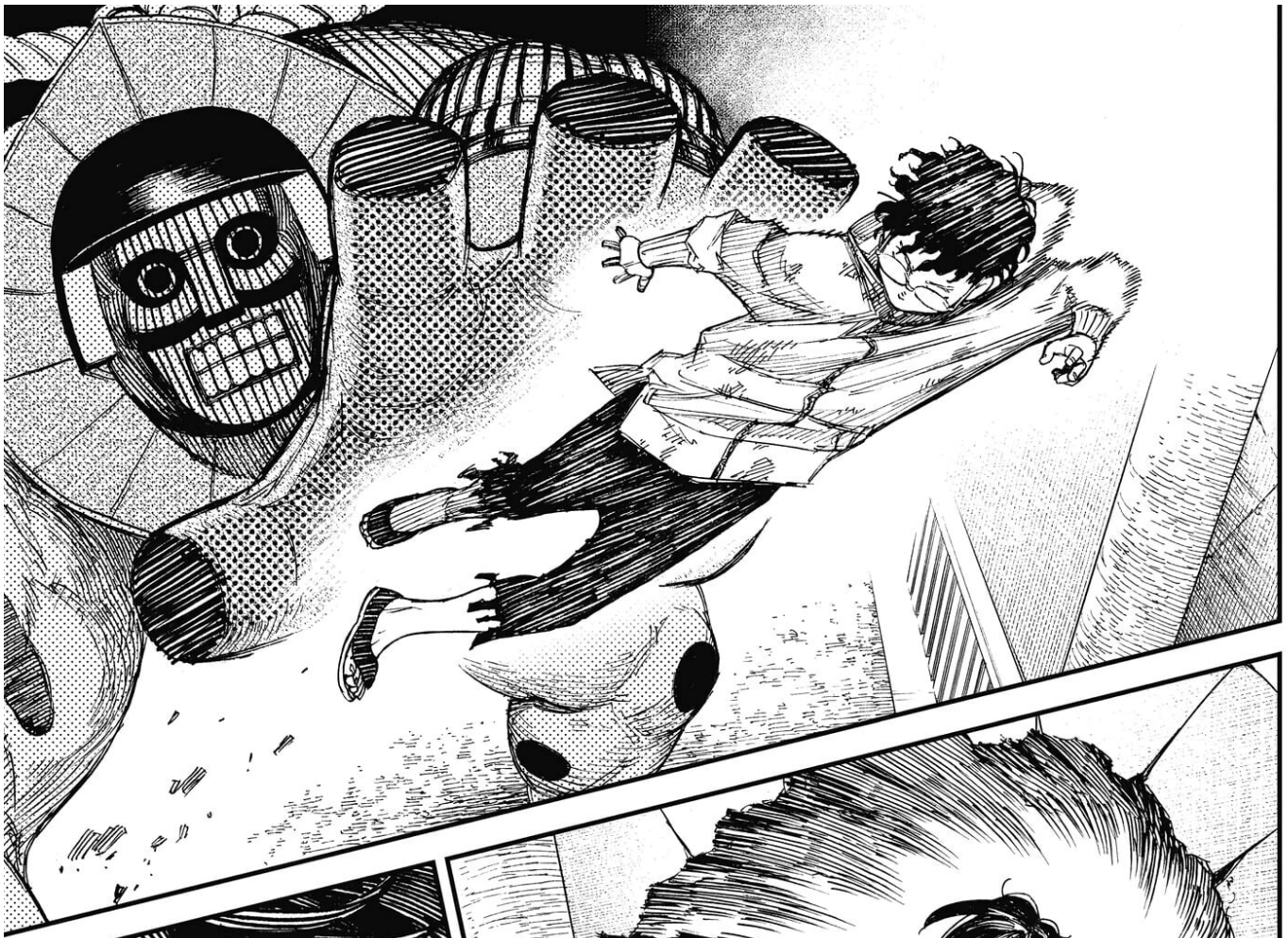
...من تنها کسی ام
که تا عمقش رفتم.

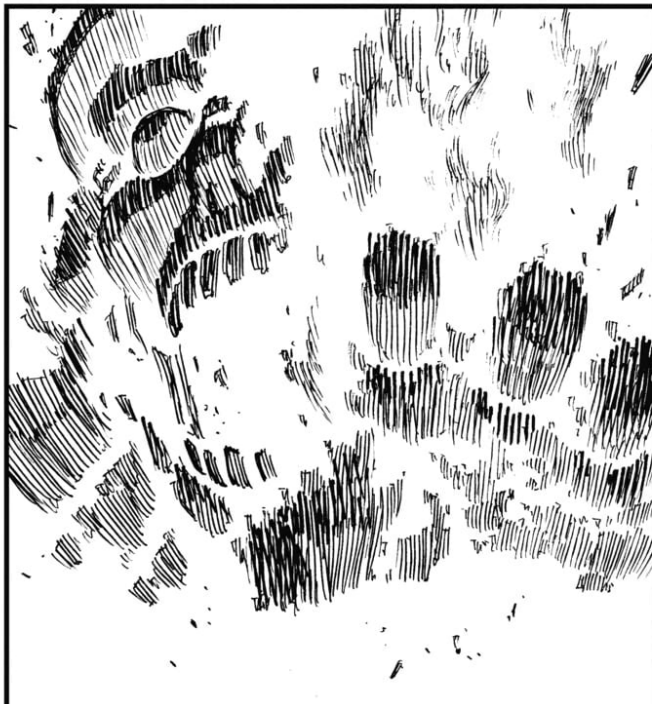


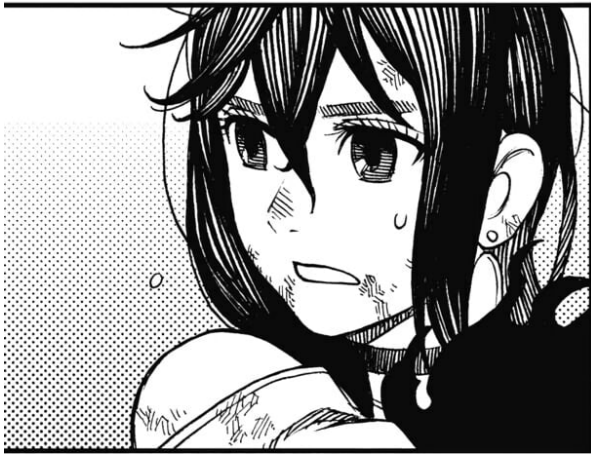
...من بیرون
توری ام.

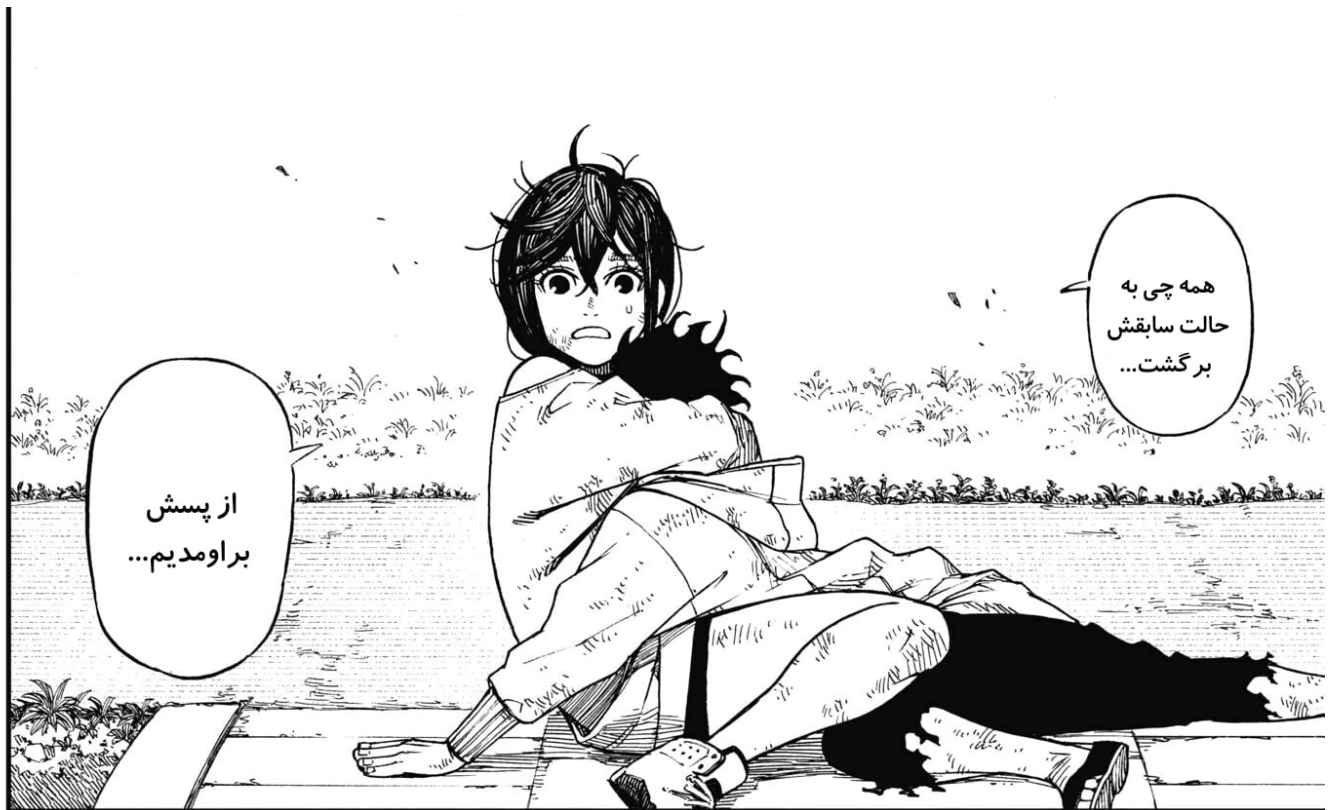


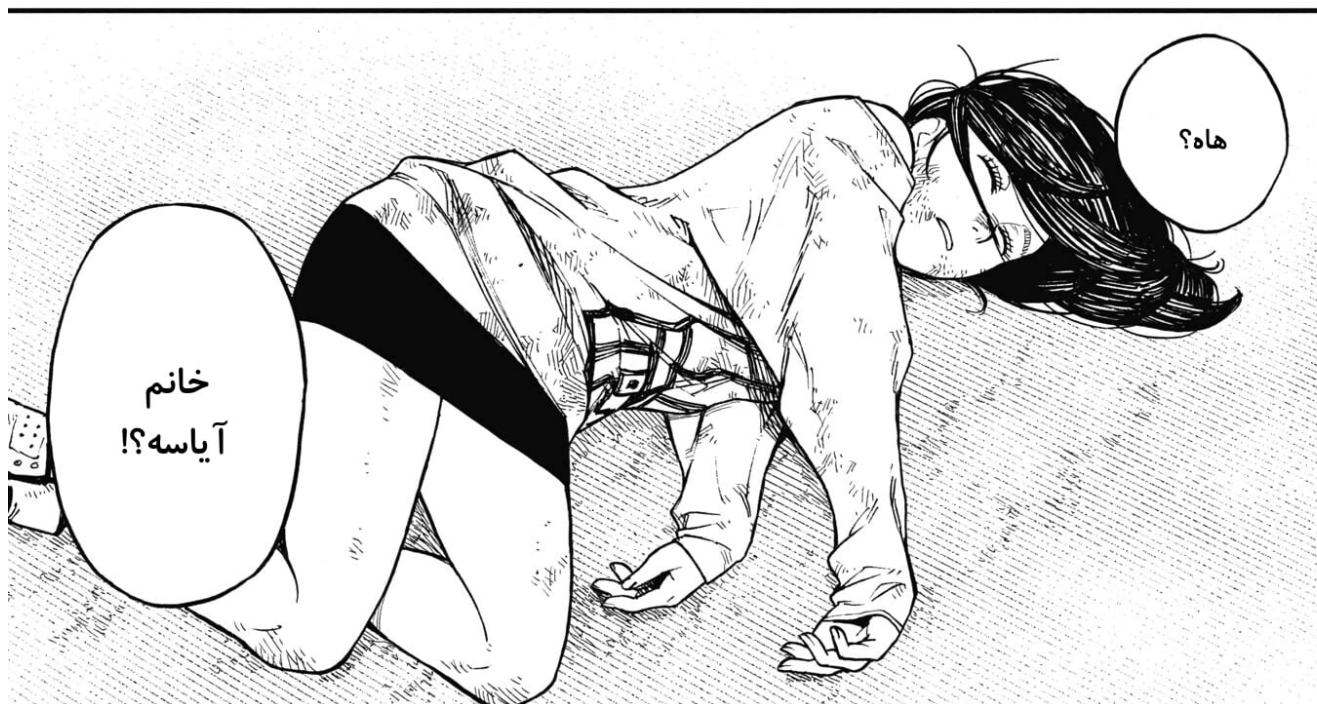
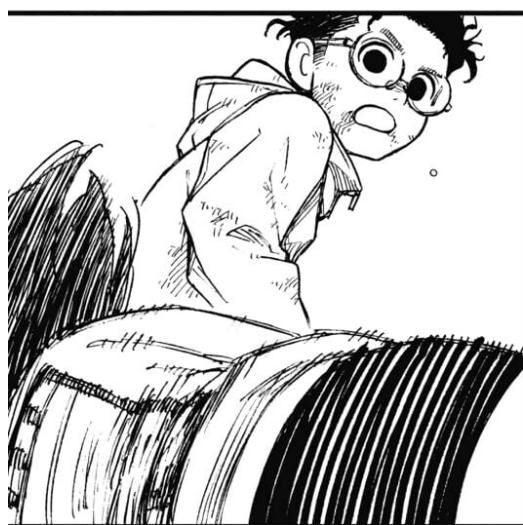
از اینجا...













DAN
DADAN

ادامه دارد

DAN
DADAN

چپتر
03

جلد
01



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

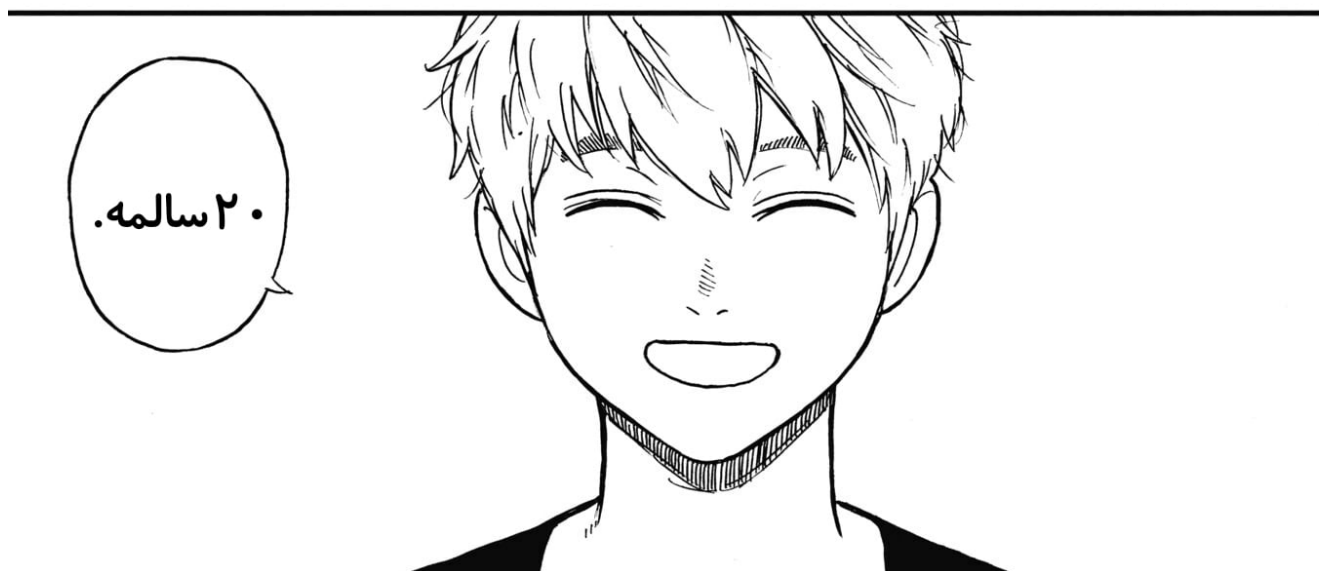
مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



MyMangaPlus

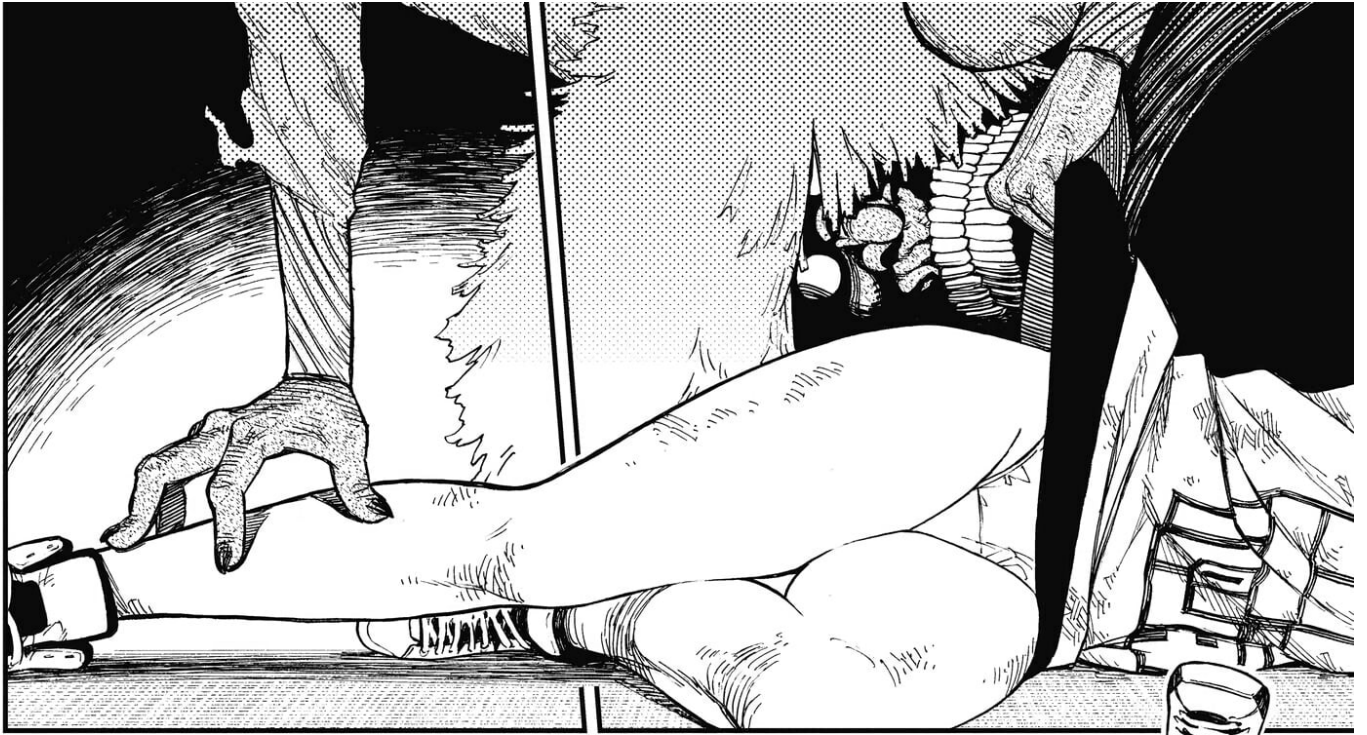






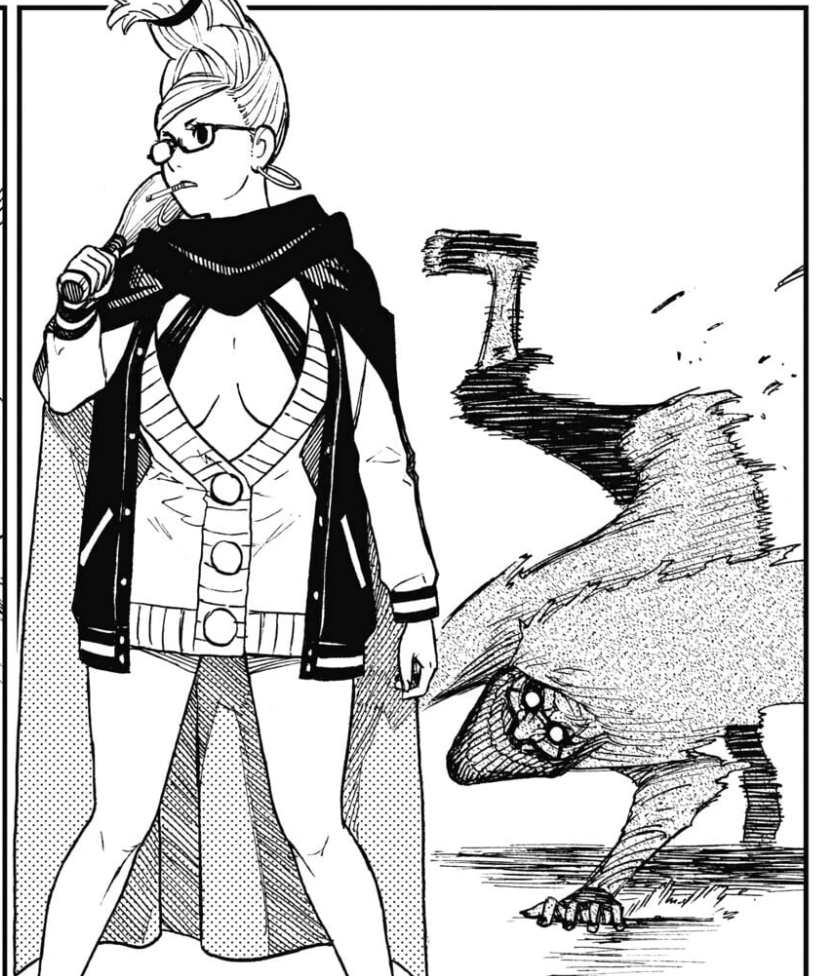
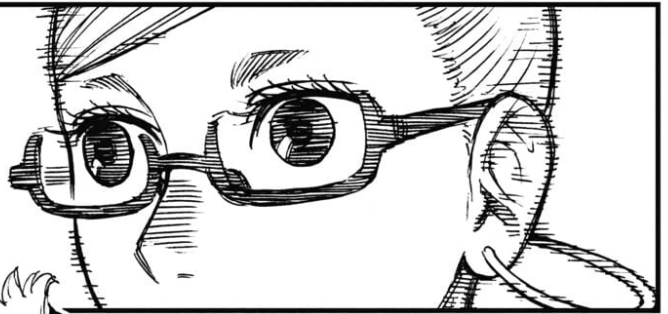
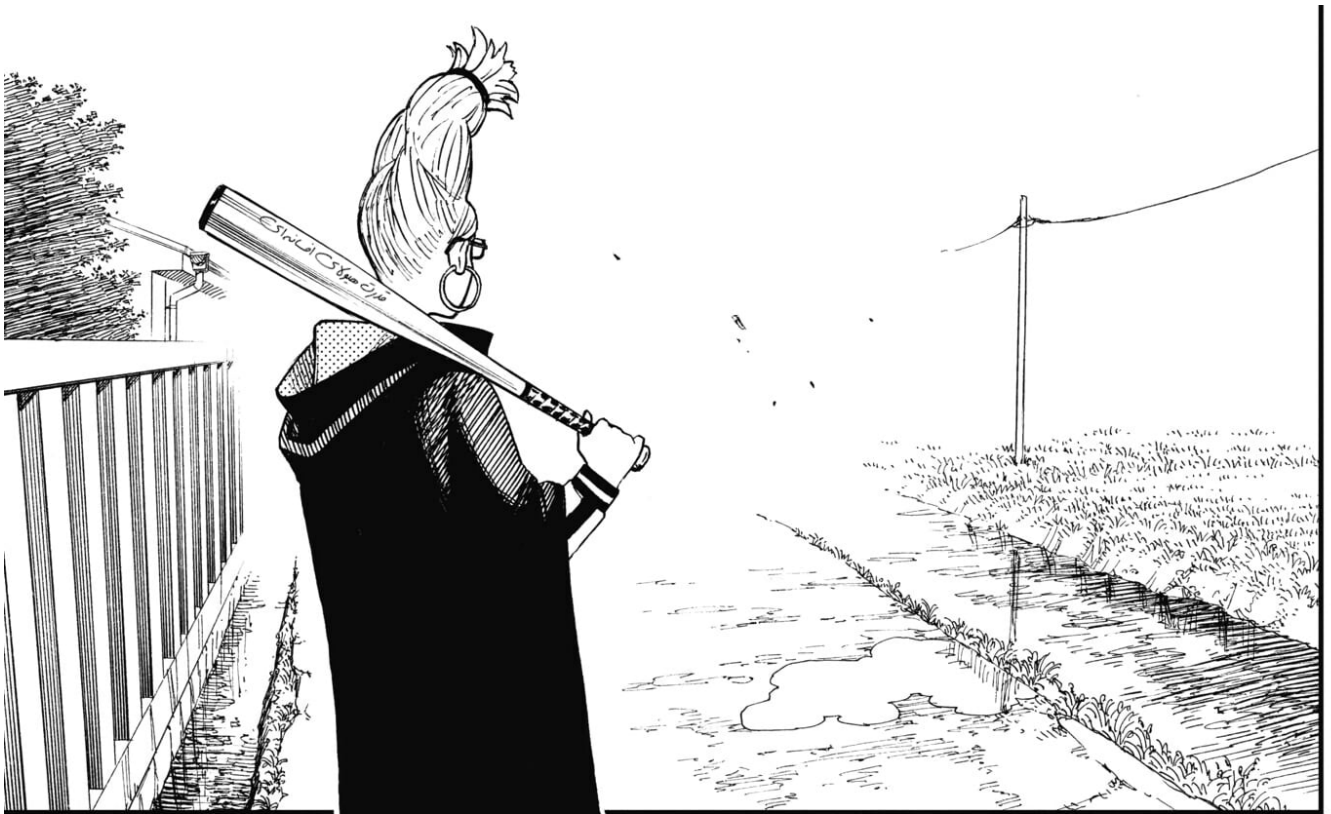












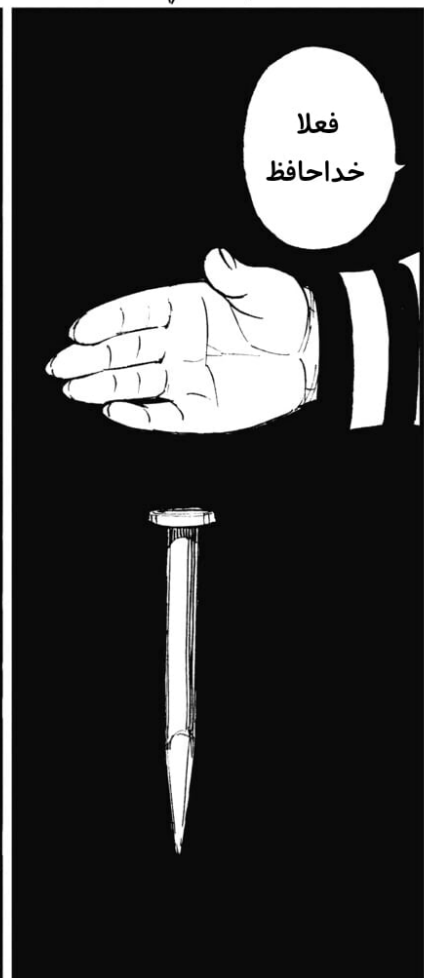


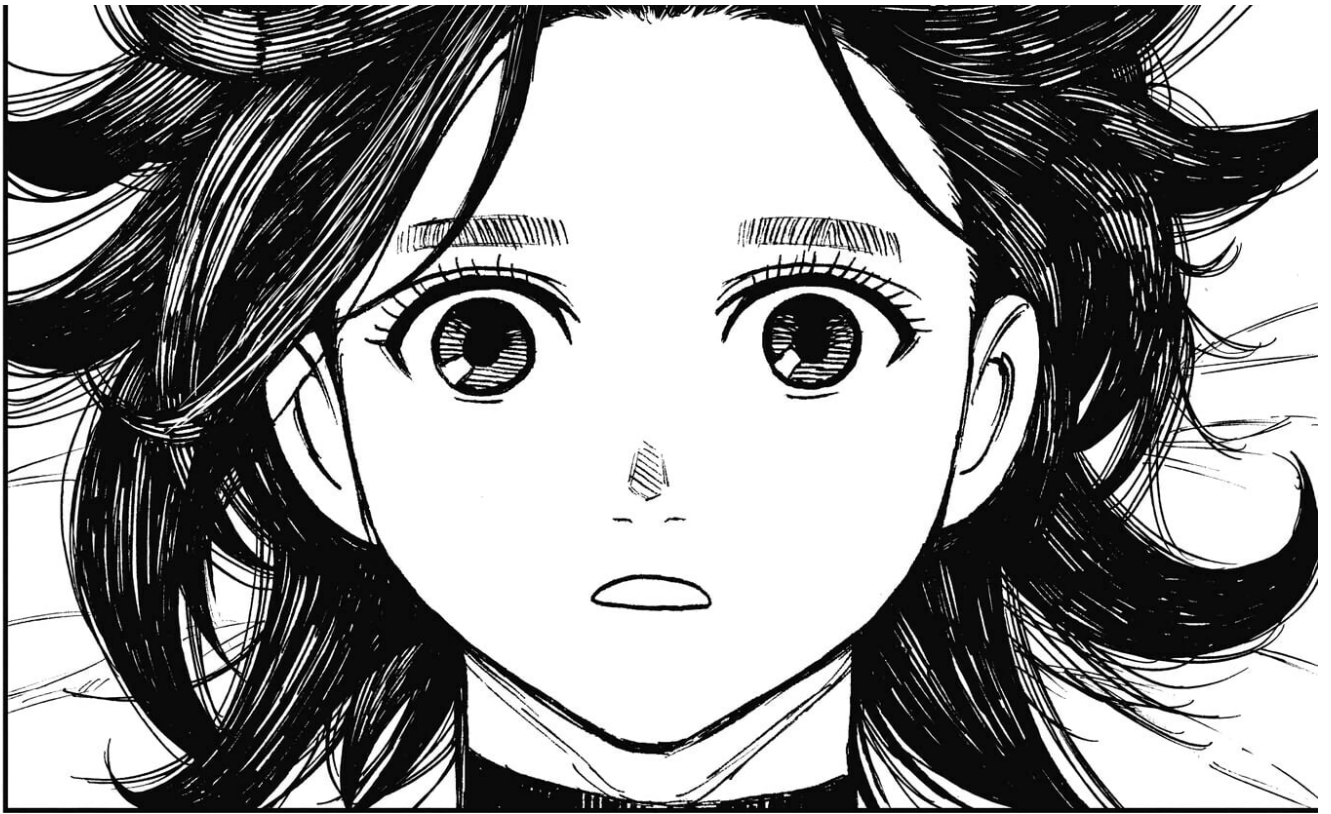


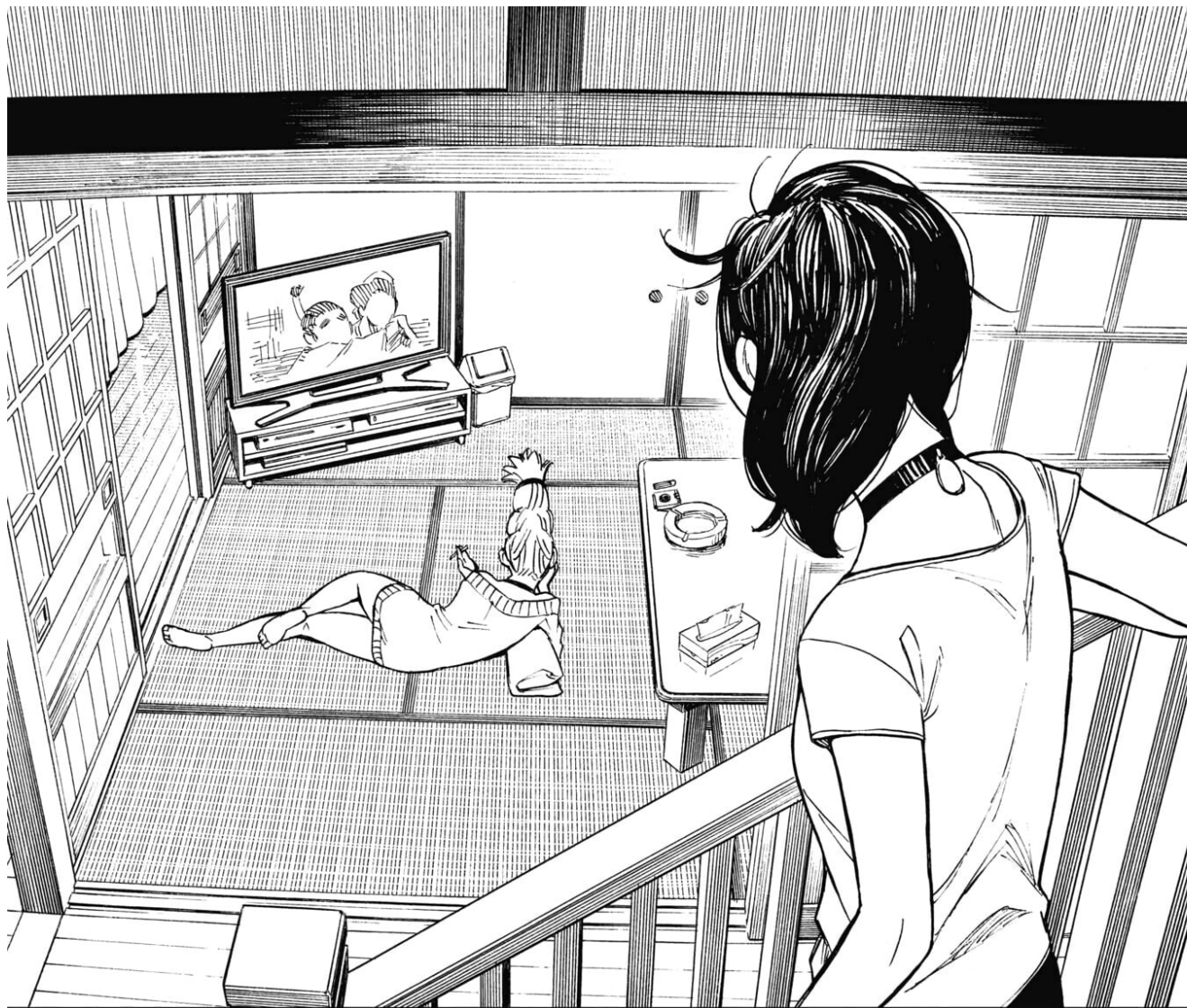


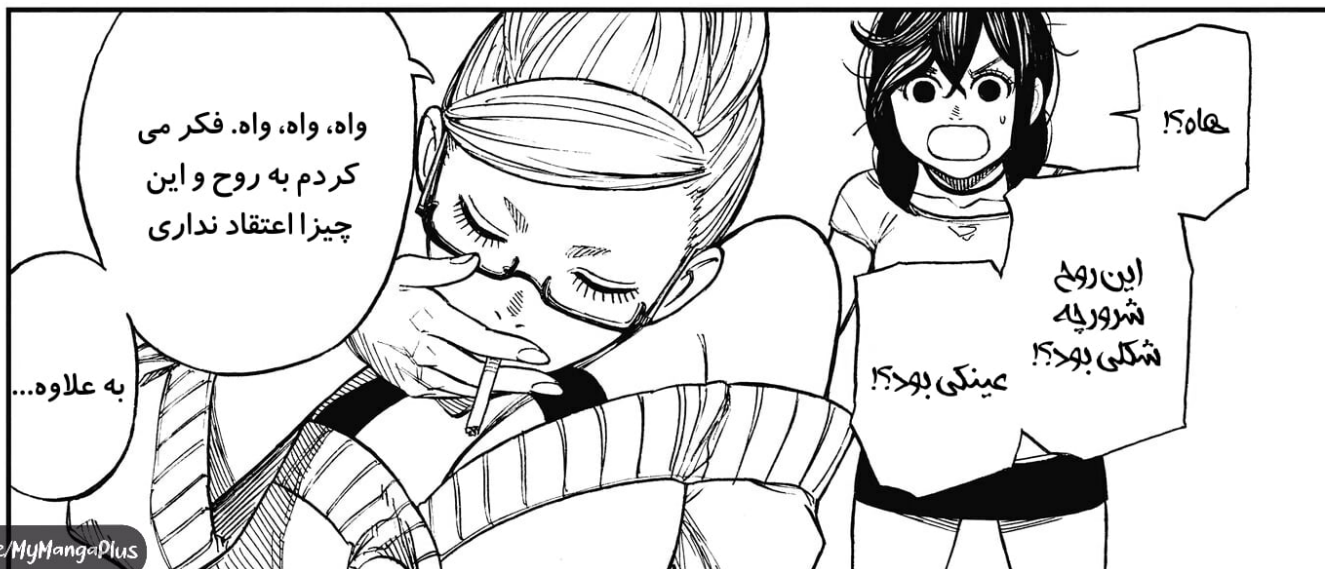
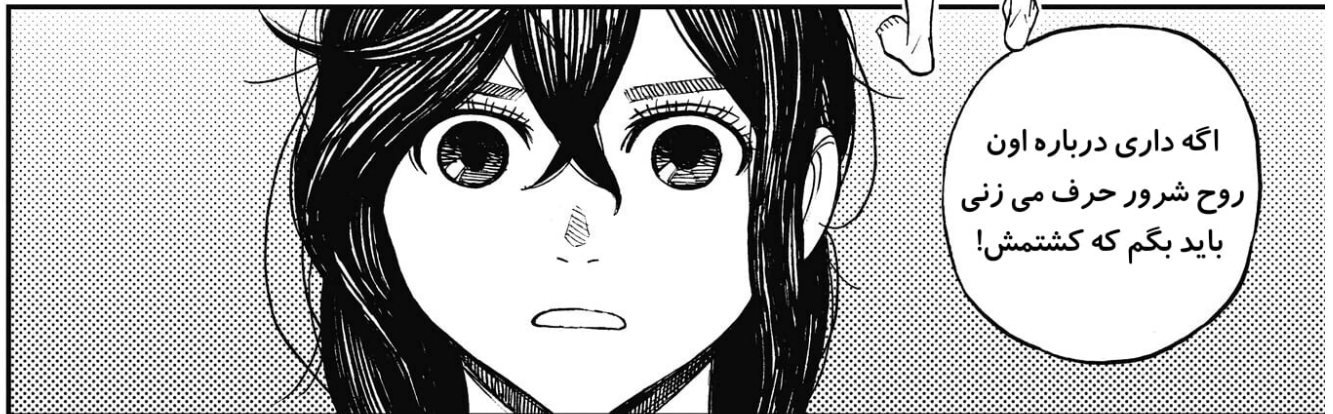


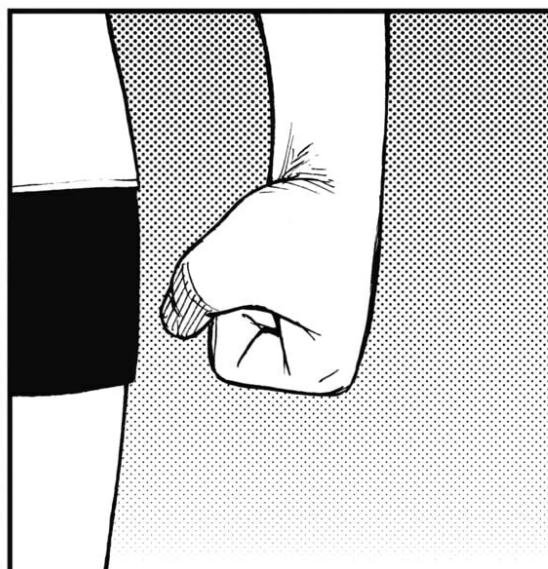














لطفا بهم
بگو...



...چه اتفاقی
برای اون روح
شروع افتاده.



من اشتباه
کردم.

معذرت
می خوام.



زنیکه پیر
کثافت!



اگه اتفاقی
واسه اوکارون
افتاده باشه
همیوقت
نمیگذشت!



برو تو معبد
اصلی و ببین

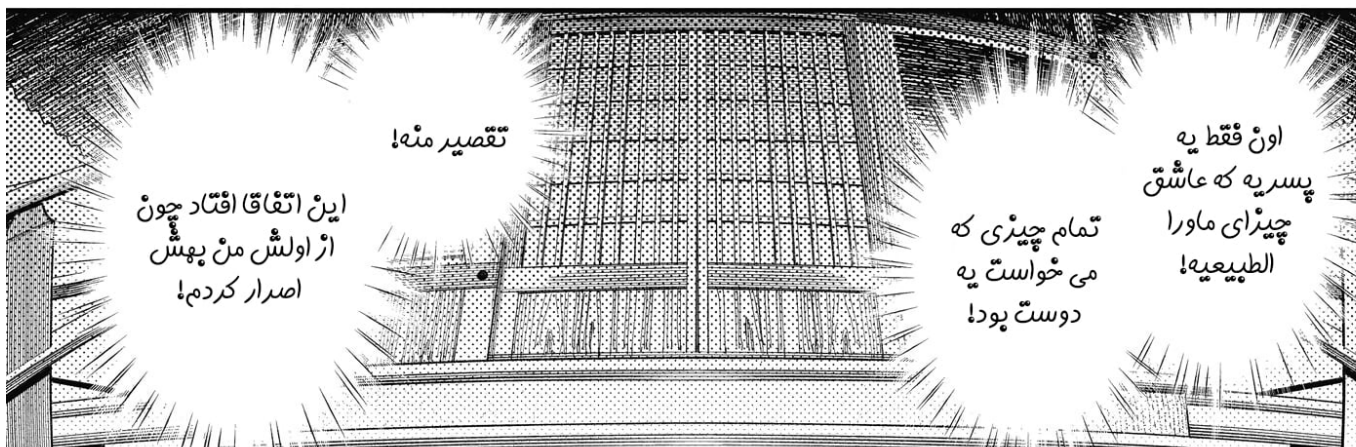


هوف!

هوف!



نمی خواستم
این فرصت از
دستم پره.



تقصیر منه!

این اتفاقا افتاد چون
از اولش من بهش
اصرار کردم!

اون فقط یه
پسریه که عاشق
چیژای ماورا
الطبعیه!
تمام چیژی که
می خواست یه
دوست بود!

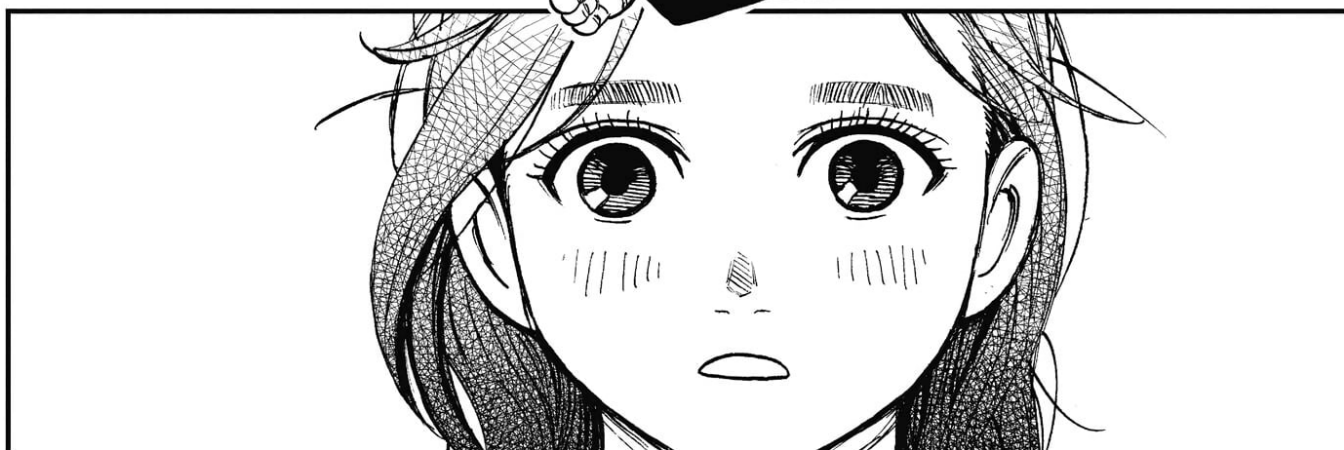
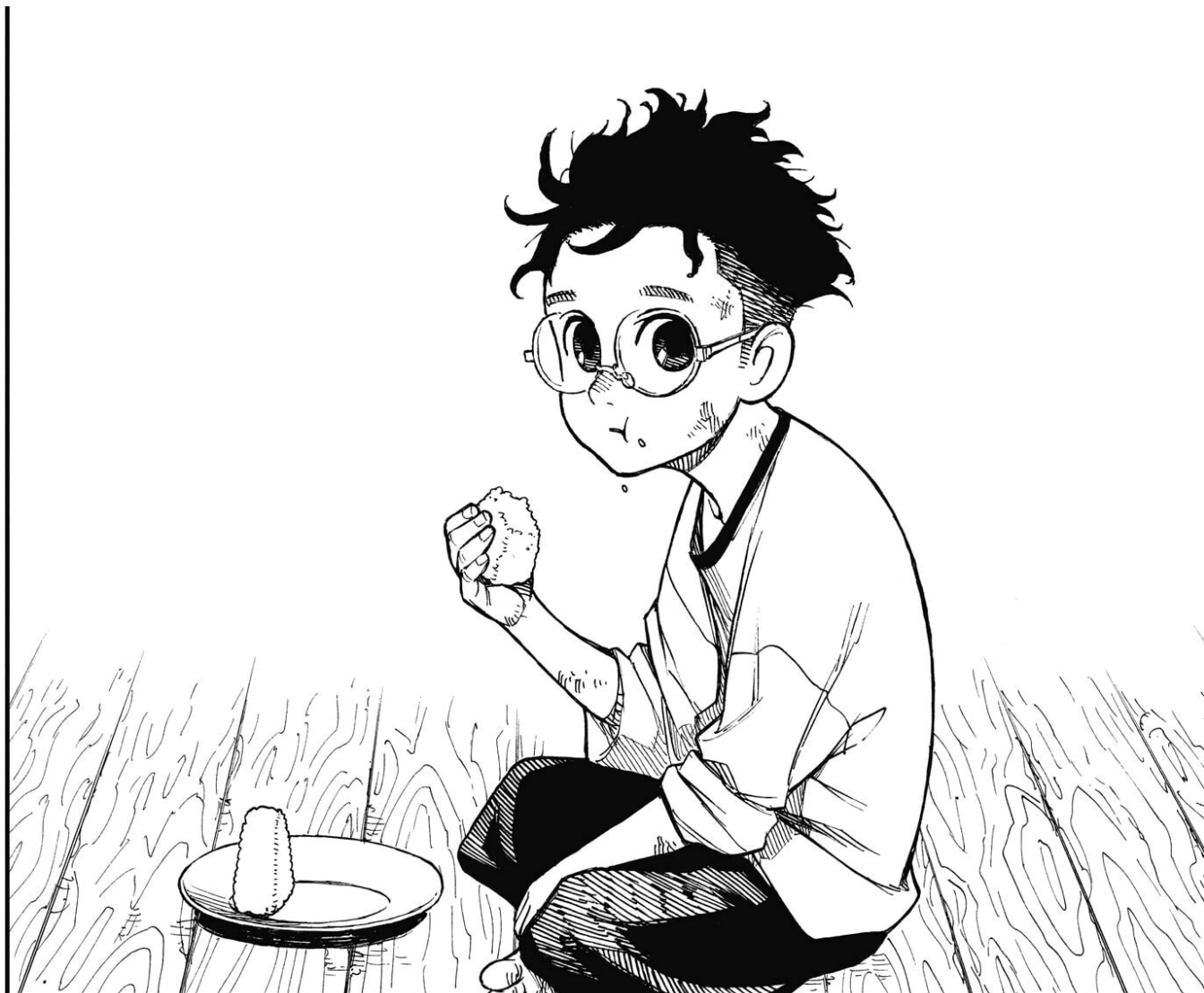


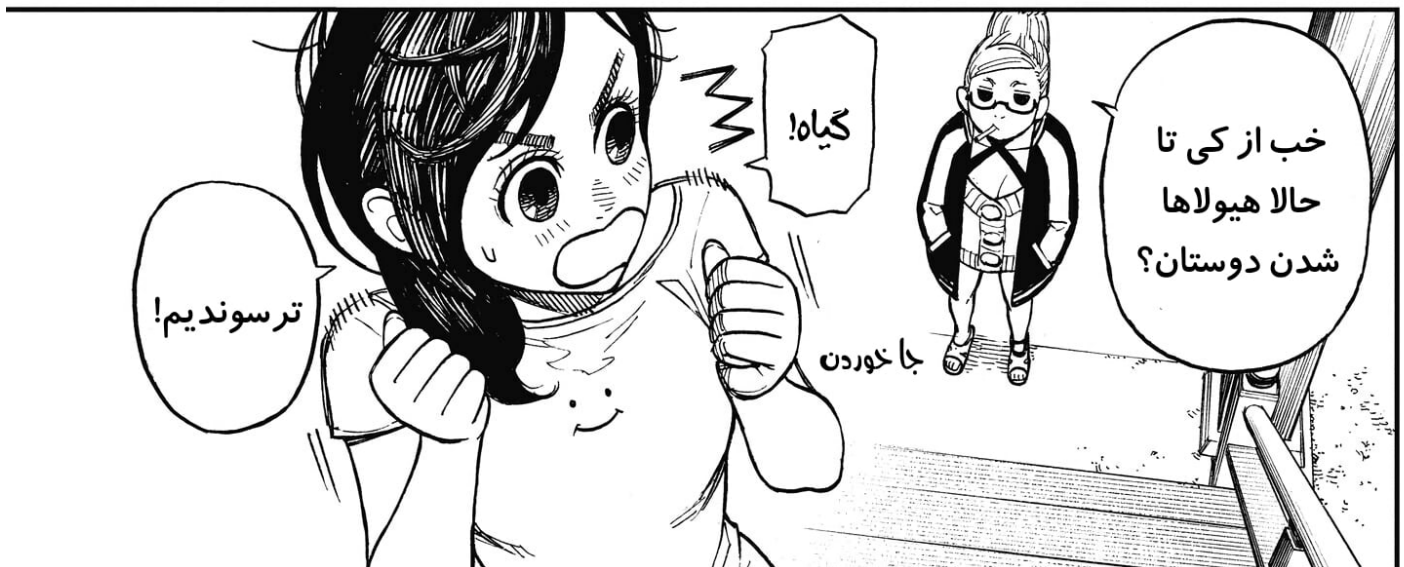
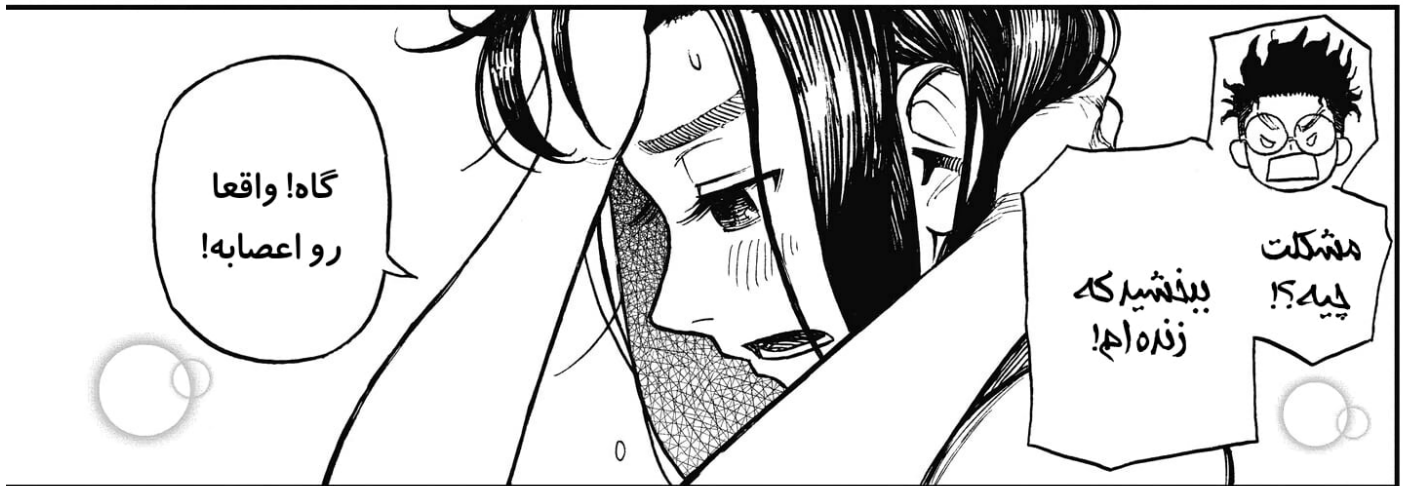
کویدن

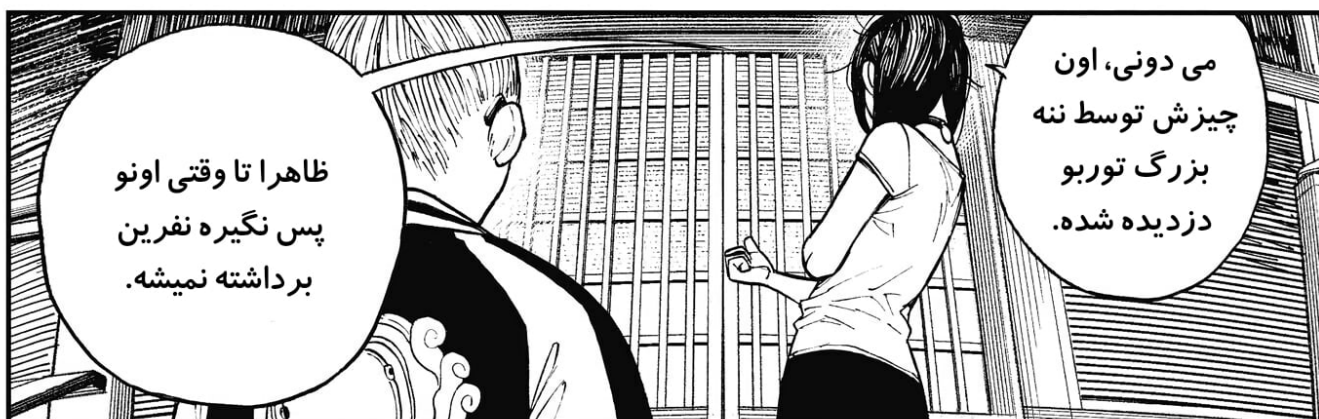
اوکارون!



من واقعا
عذر می خوام
اوکارون!









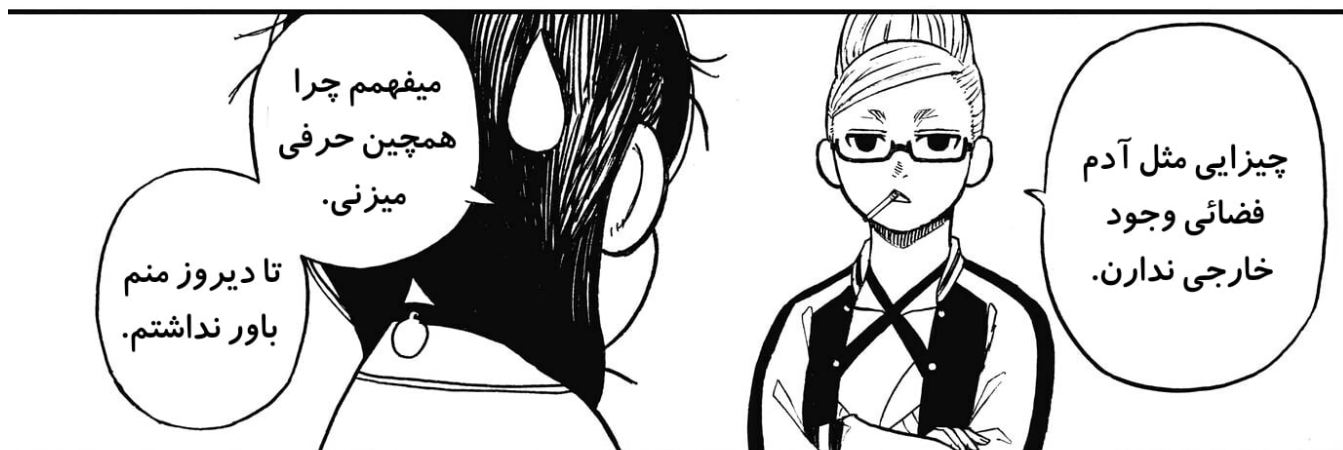
من به جایی که
میشد بشقاب پرنده
دید رفتم.

و بعد تادا،
قدرت گیرم
اومد.



یه چیز دیگه هم
هست. من الان
قدرتای ماورا طبیعی
دارم.

داری
درباره چه
کوفتی
حرف می
زنی؟



چیزایی مثل آدم
فضائی وجود
خارجی ندارن.

میفهمم چرا
همچین حرفی
میزنی.

تا دیروز منم
باور نداشتم.



به هر حال، من
الان قدرت دارن،
این حقیقت داره.

و من نفرین
اوکارون رو
سرکوب میکنم،
اوضاع خیلی
قاراشمیشه.

بابت قدرتای
ماورا طبیعی
تعجبی نکردم.

ملاکت واسه
باور کردن این
چیزا چیه؟



اون پیرزن
توربو...

توی روزای قدیم،
اسمش «ننه بزرگ
۱۰۰ کیلومتر» بود.

خودتو درگیر بد
چیزی کردی،
بهت میگم چرا.

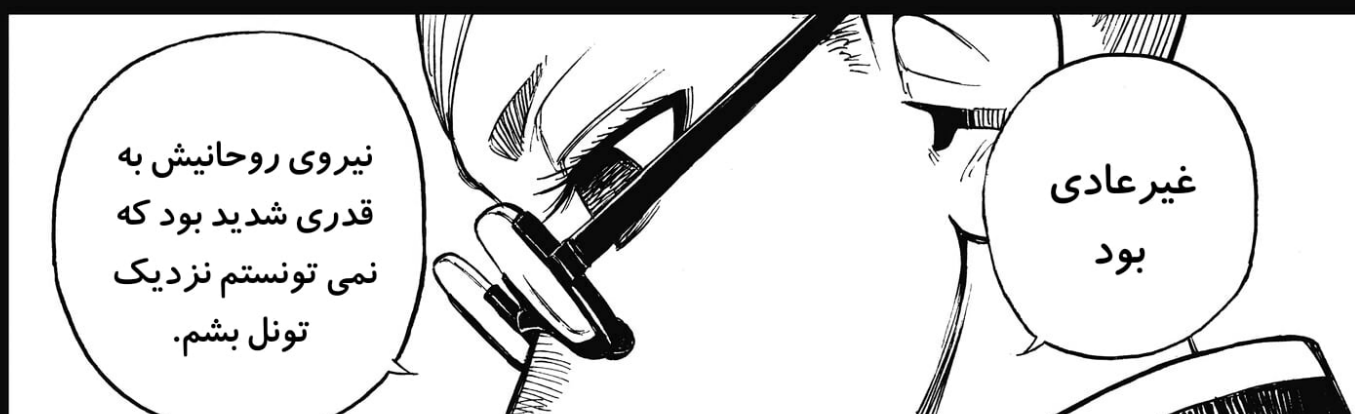
یه یوکای جهان
امروزی بود، تو
کل کشور خرابی
به بار آورد.



شنیدم که اون یه
عجیب الخلقه
دست نیافتیه...

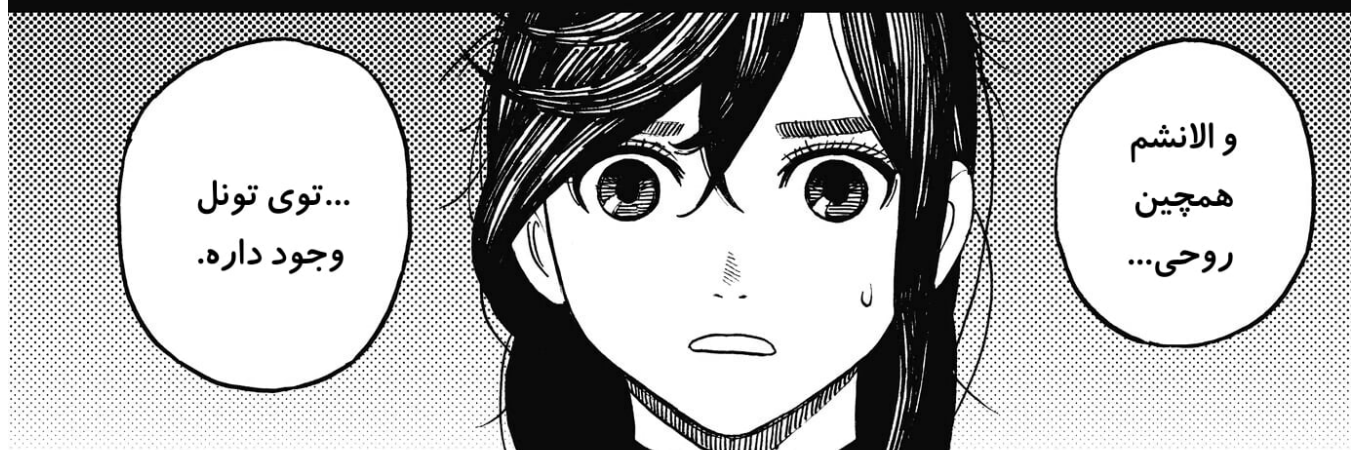
این روزا
توی اون تونل
طویل میمونه...

...برای همین رفتم
اونجا تا یه کم
وراندازش کنم.



غیرعادی
بود

نیروی روحانیش به
قدری شدید بود که
نمی تونستم نزدیک
تونل بشم.



ننه بزرگ توربو و
اون روح وابسته...

...با هم یکی شدن.









بیا با این ننه
بزرگ توربو
گرم به هوا
بازی کنیم.

هاه؟!



اون به پاهاش
اعتماد سگی
ای داره.

اگه اونو مستقیم
به چالش بکشی،
مطمئننا چالشتو
قبول می کنه.

مشکل چیزیه
که بعدش
پیش میاد



شما دوتا باید یه
جوری در برین
انگار که زندگیتون
به یه مو بنده.

منطقه روح وابسته
توی شهر شونوعه

باید ننه بزرگ
توربو رو تا
بیرونای شهر
بکشی.

بدون اینکه
گیر بیفتی



اون وقت شما
دوتا می تونین به
حسابش برسین

وقتی که ننه
بزرگ توربو رو
به بیرون از منطقه
اش کشوندی...

...قدرت اون
عجوزه ضعیف
تر میشه



باید یه راه
دیگه باشه

مثلا نمی تونی
یه حصار
چیزی بکشی؟

باید یدونه روی
تونل بذاریم



نه، نه، نه! به این
پاهای لاغر یه
نگاه بنداز!

امکان نداره
بتونم با ننه
بزرگ توربو
گرم به هوا
بازی کنم!



نه نمیشه

اصلا از اولشم
نمی تونستم
کمکت کنم

هاه؟

پرا
نمی
تونی؟



حصار جادویییم فقط
میذاره توی این منطقه
از قدرت های خدا
قرض بگیرم.

وقتی از شهر
کامی کوشی بریم
بیرون اون قدرت
دیگه از کار میفته.



به هر حال، هیچ
راه دیگه ای برای
شکست دادن ننه
بزرگ توربو
وجود نداره.

اگه به هیكلت بررسی
احتمالا بتونی تا حدی از
اون سبقت بگیری.

الان داری
جدی حرف
می زنی؟



من تا جایی که
جونم در اومد
تمرین کردم و
حتی نتونستم توی
مسابقه دوی استانی
صلاحیت لازمو به
دست بیارم!

درباره تو
حرف نمی
زنم



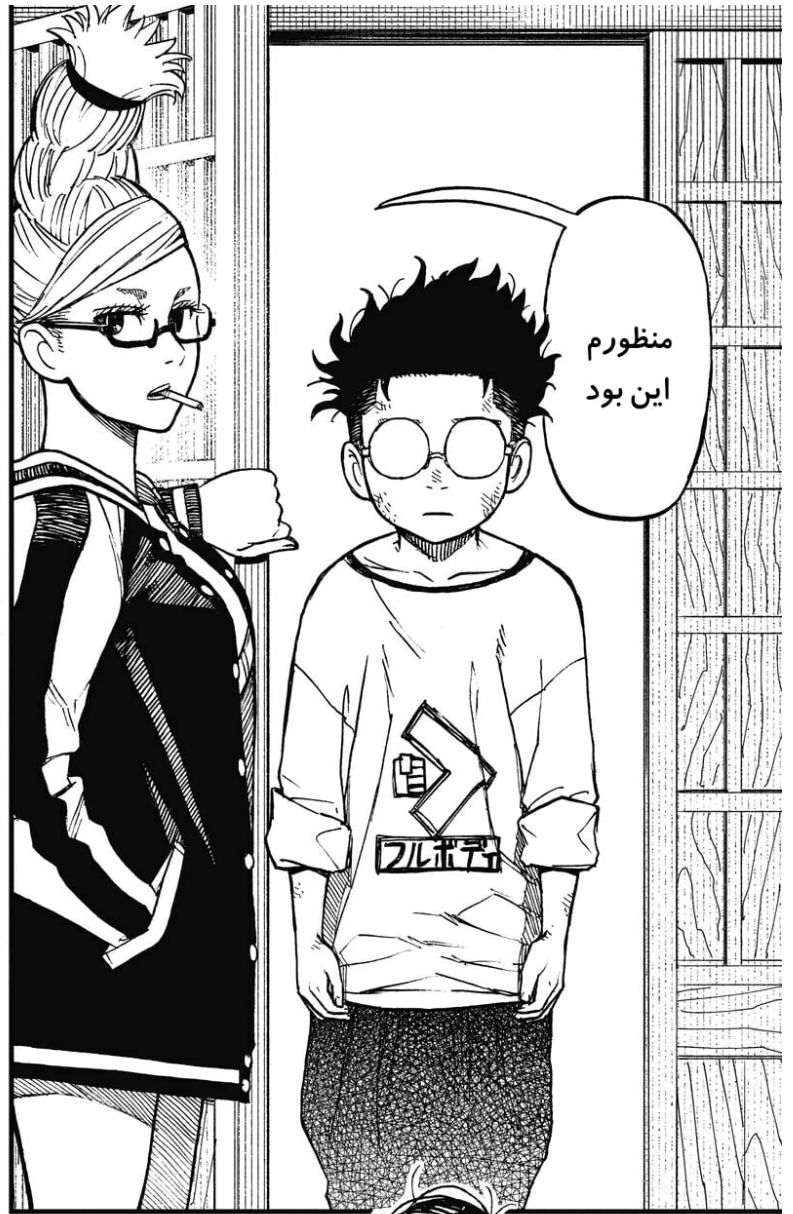
پس ما هم
محدود به یه
منطقه ایم.

هر منطقه
خدای مختص
خودش رو داره

مشکل اینه که
بفهمیم تو توی
تیم میزبانی یا
تیم مهمان.



اوه درسته!



منظورم
این بود



بالاخره می
تونم وارد
بجستون بشم؟

بخشید!
پاک تو رو
یادم رفته
بود!



خب پس مومو
رو بذار رو
کولت و فرار
کن.

سرت به تنت
زیادی کرده؟

خانم آياسه،
چند کیلومین؟



ولی استقامت
اوکارون در حد
صفره.

حتی اندازه یک
ذره هم نیست.

و منم باید پیشش
باشم تا نفرینش رو
کنترل کنم.



در این صورت،
باید تمرین کنی تا
بتونی هر زمان که
شد از حالت
نفرین شده ات
استفاده کنی.



نه، راه دیگه
ای نیست!

من در نهایت می
تونم دو بار از
حالت نفرین شده
ام استفاده کنم،
حد نهاییش اینه!

درسته



همین حالا ۱۰۰ تا
بشین پاشو، شنا روی
زمین، ورزش کمر، و
اسکات برو.

هاه؟!

ایلا!



چون که توی این
نبرد نمی تونم
کمکت کنم...

...شما دوتا باید
خودتون رو قوی تر
کنین.

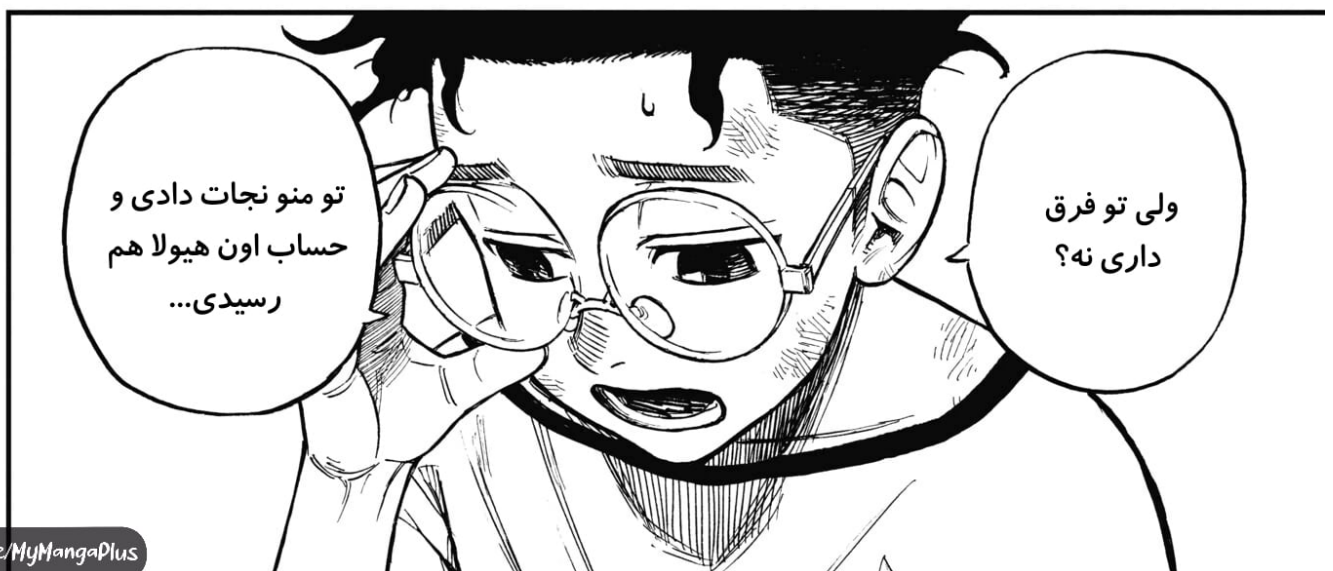
منم
مریتون
میشم



و تو مومو

توانایی های
پیشگویییت...

باید تمرین کنی تا
بالا تر از سطح الانت
بشی.







می تونی
امشب رو
اونجا
بخوابی.

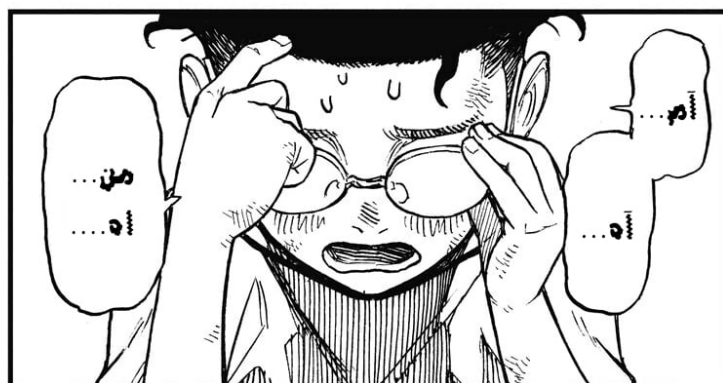
میرم برات
تشک بیارم.



حقیقتش توی
اون مبارزه خیلی
خفن بودی.

ولی تو واقعا ساده
لوحی اوکارون...

...و شاید من بازم
سری بعد کسی باشم
که نجات میده!



من...
...ه

...ه

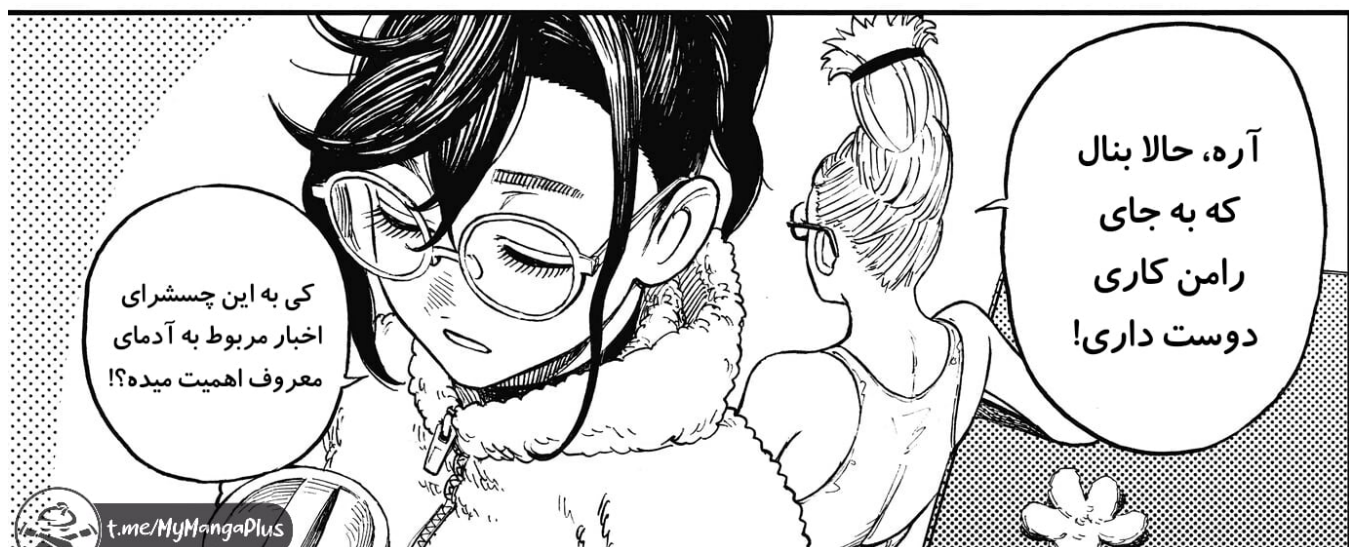


خانم
آیاسه!



من واقعا
تشنه. همیشه
برام آب بیاری؟





چپتر
04

جلد
01



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

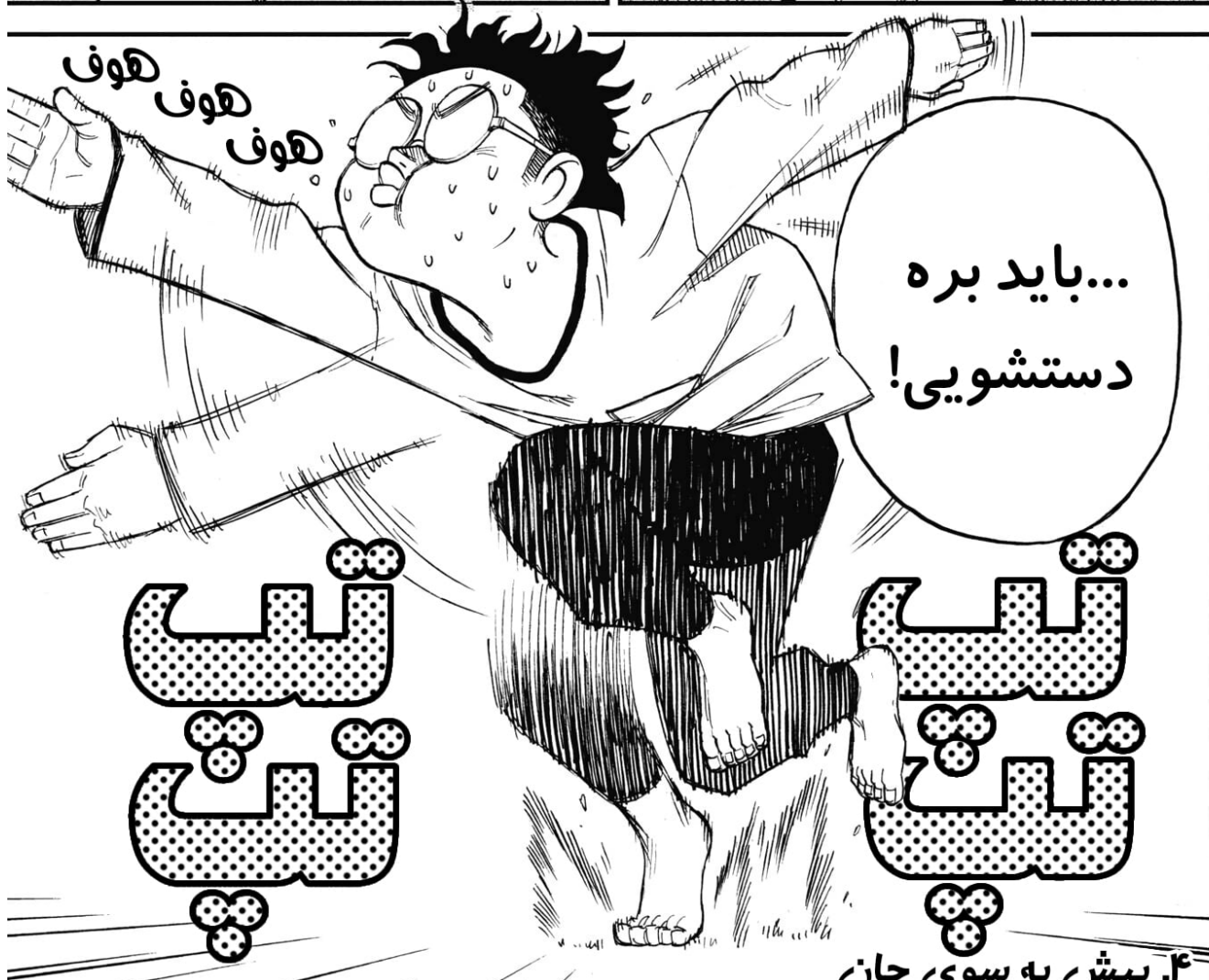
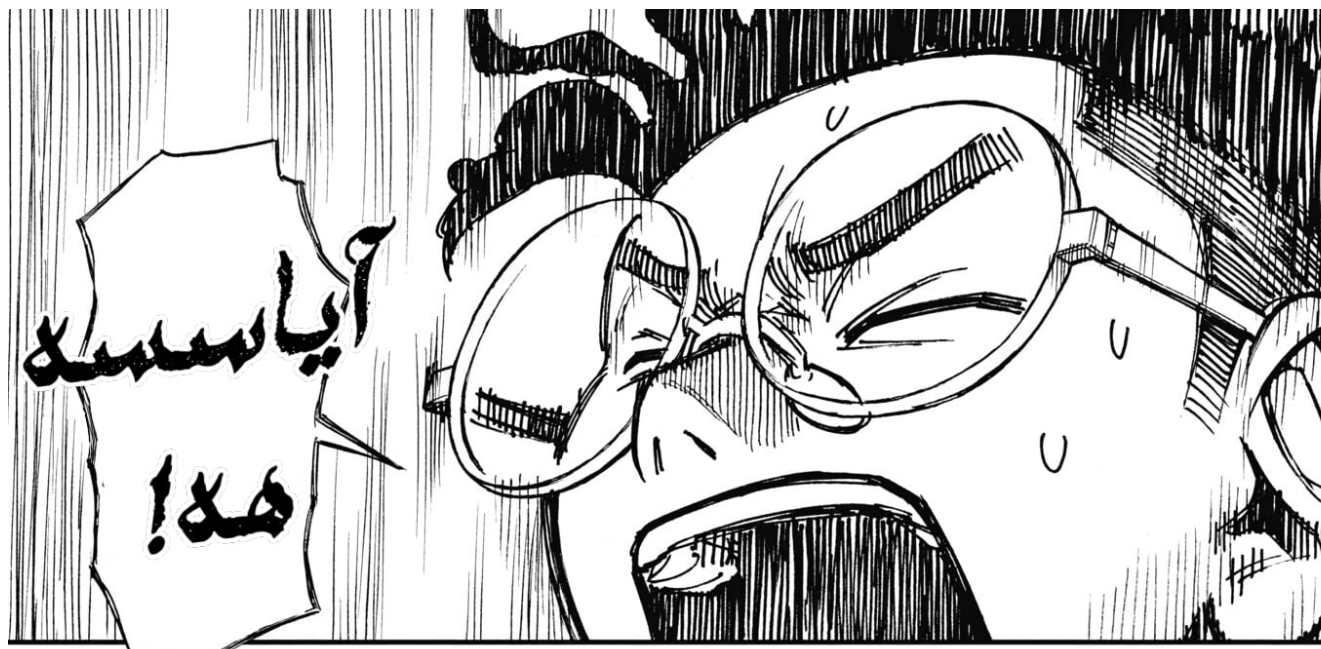
مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



MyMangaPlus









هاه...

فکر می کردم
قدرت های ماورا
الطبیعی قوی تر از
این حرفا باشه.

این که خیلی
قدرتش
محدوده.



و من می تونم
بگیر مشون...



وقتی من
توانا بیدارم رو
بیدار کردم...

...خیلی خفن
تر بود.

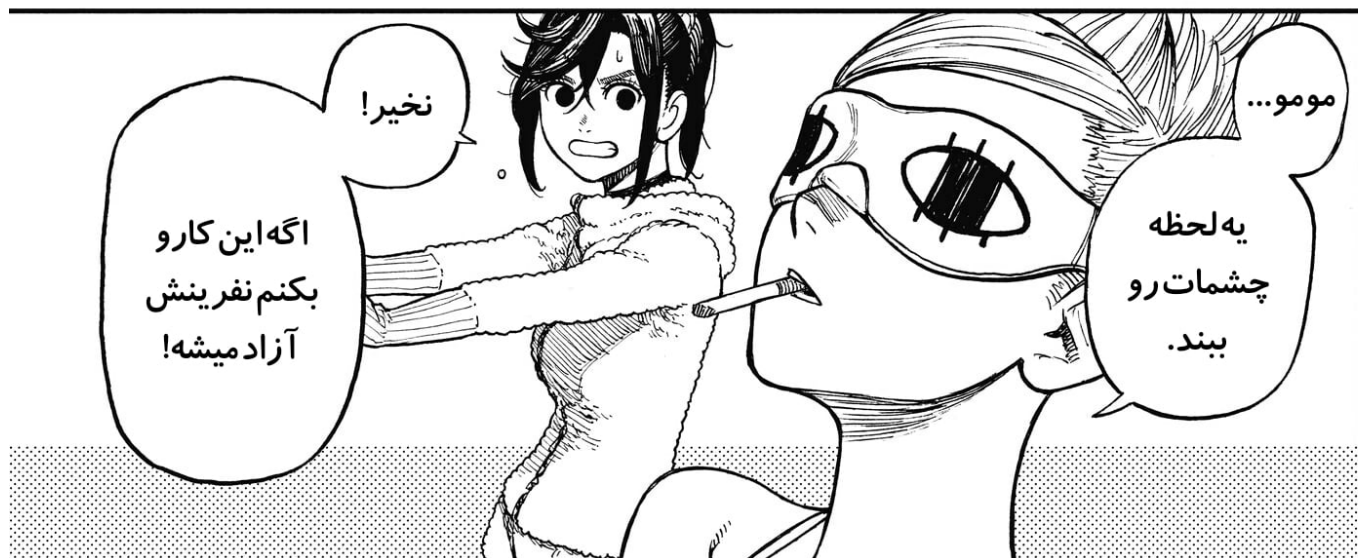
پف

پف



...تا تحت کنترل
بگیر مشون.

ولی فقط تابه
محدوده کوچیکی
عمل می کنه.





اگه بتونی هاله هارو
بگیری پس می تونی
حشونم بکنی.



مشکلمون اینه که
تواناییت به بیناییت
محدوده.

سعی کن بقیه
خواست روبه کار
بگیری.

مثل حس لامسه



هاله رو با
پوستت
حشش کن.



سرده

...







آره،
این بده

پس من
شکست
خوردم!



داره تبدیل میشه

خانم
آریاسه
همه!!!



دیگه به
آوردیم
رسیدیم!

بیشتر از این نمی
تونم نمودم و نگه
دارم!

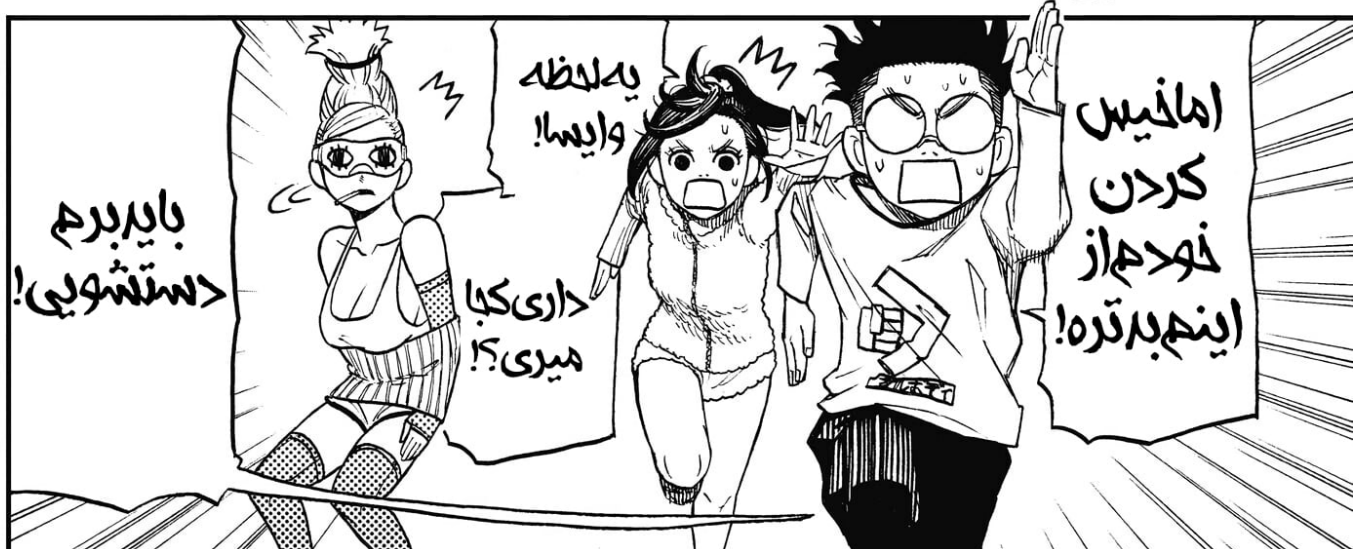


حالا چی
مومو؟

الانه که
خودشو
خیس کنه.

تو اونو بودی که
اینو پیشنها
دادی!

من نمی خواهم کسی
بینه که دارم پی پی
می کنم!



اما نمیشه
کردن
نمودم از
اینم بدتره!

یه لحظه
واریسا!

داری کیا
میری؟!

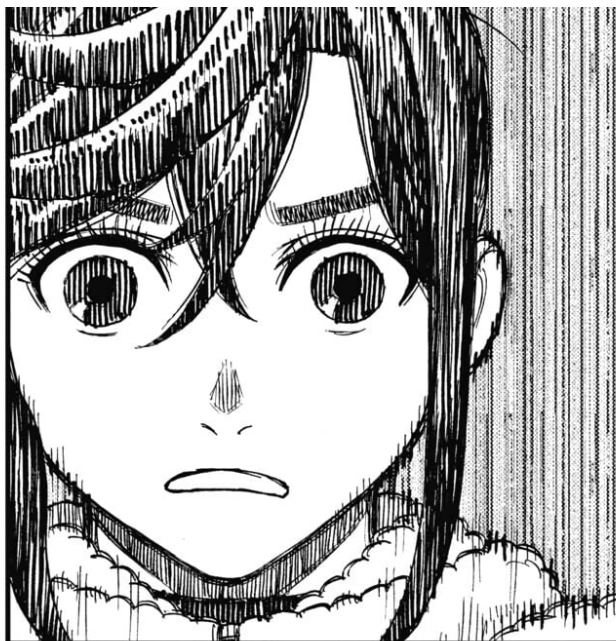
باید برم
دستشویی!









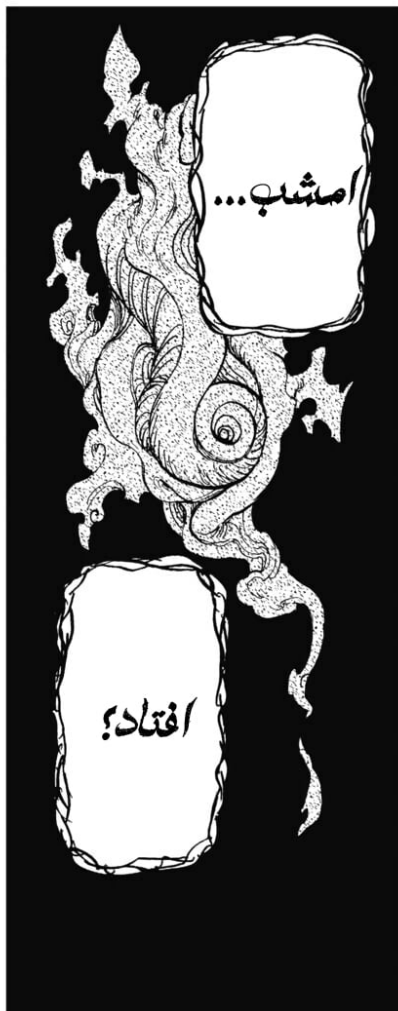




نفرین من
از طریق این
نفله...

...واگیرداره

می توئم هر
کسی رو که
می بینه نفرین
کنم.



امشب...!

افتاد؟



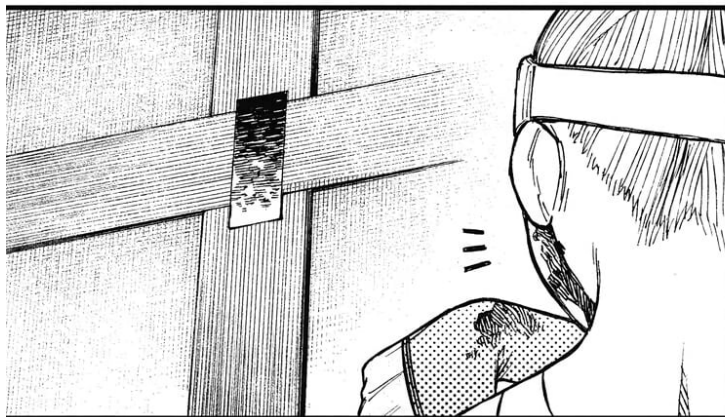
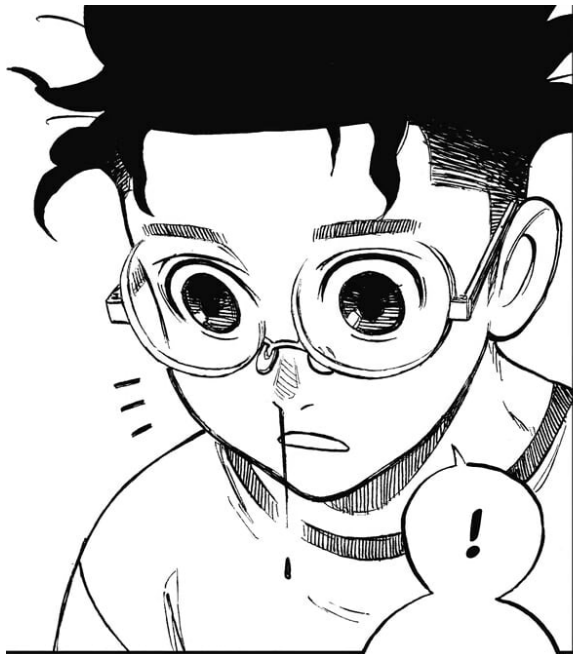
امشب به
توئل بیا...

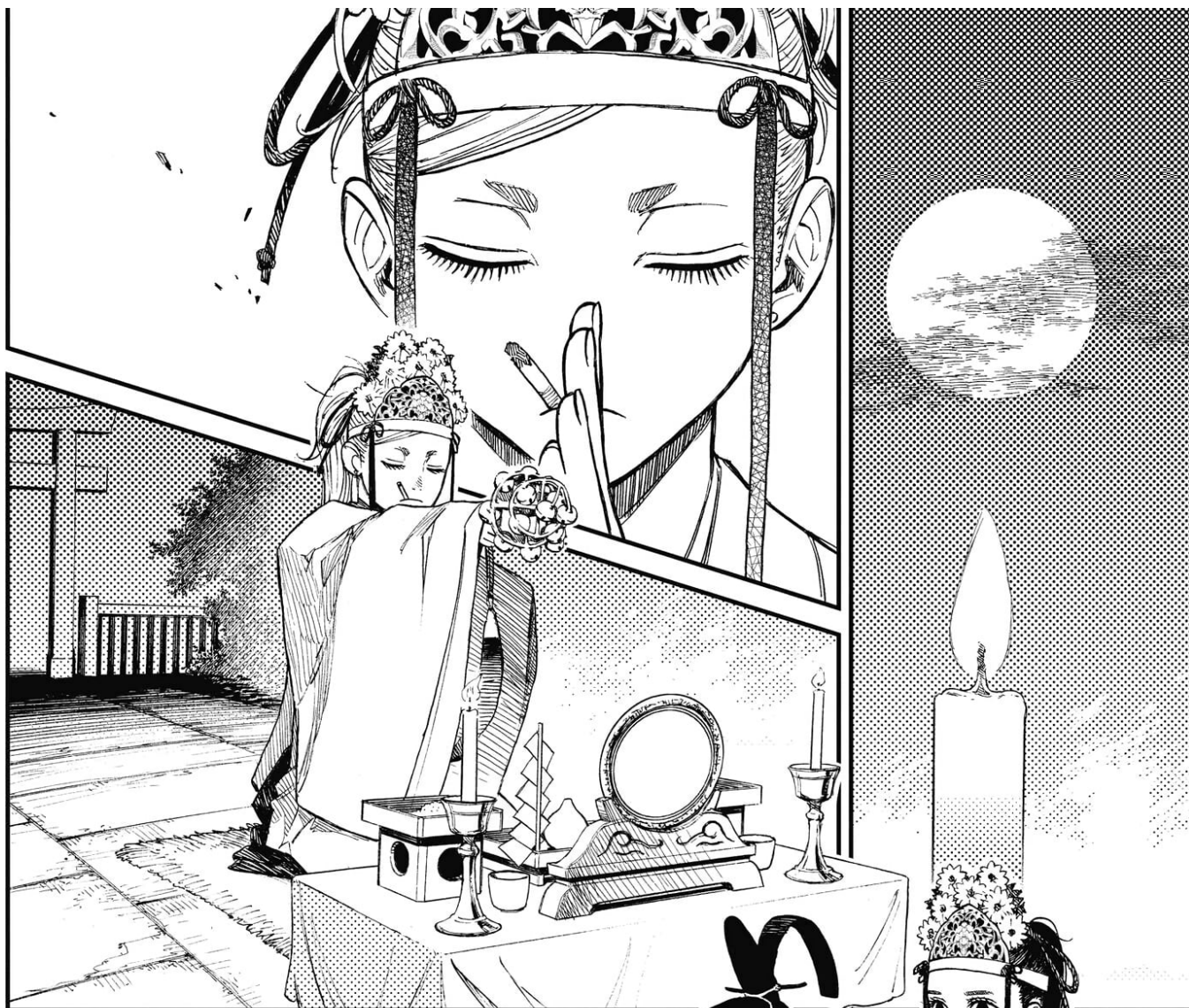
اگه نیایی، از این
نفله واسه کشتن
هر کس و ناکی
استفاده می کنم...



منو دست
کم نگیر...

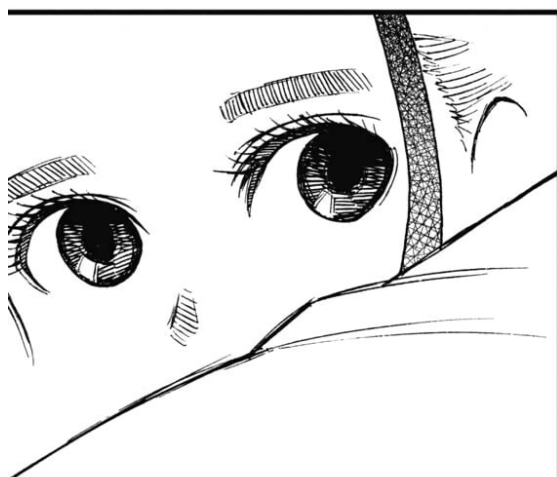
بهت زمان
زیادی نمیدم...

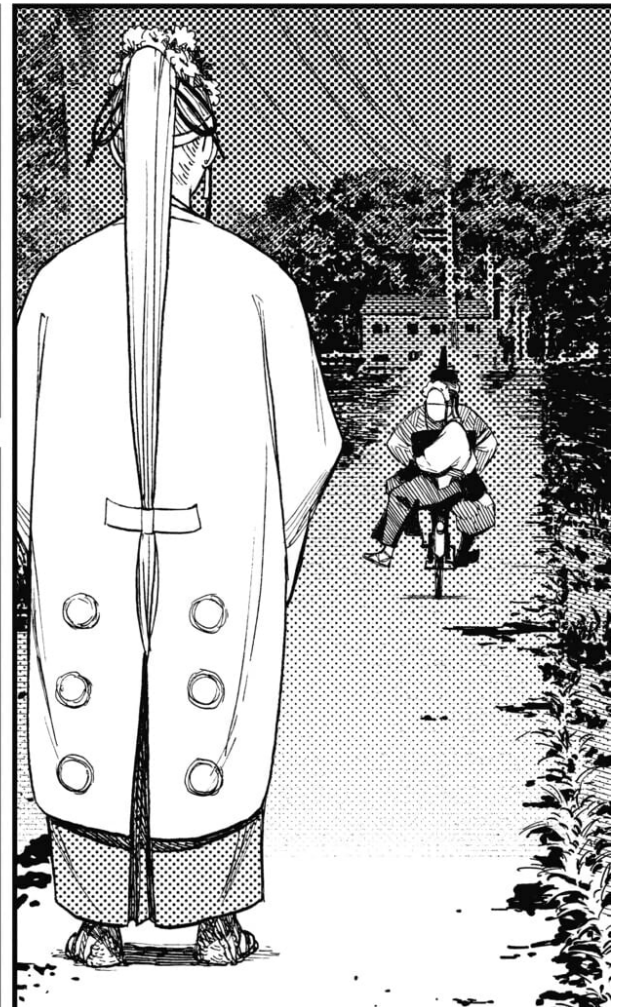
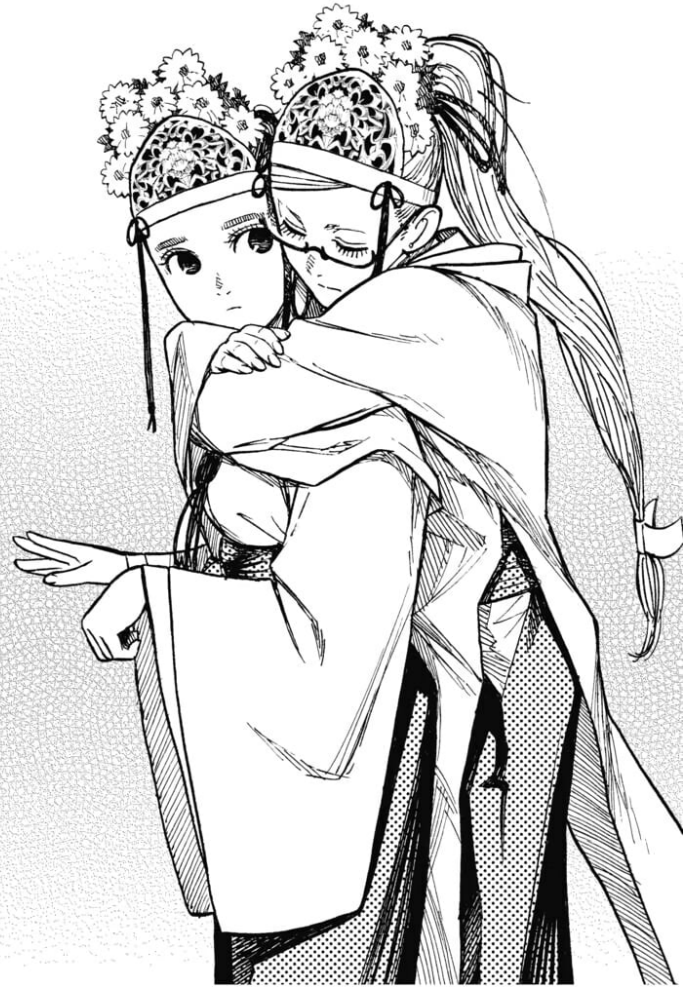






*توی گشتی گیری
ژاپنی استایل قوی
به ضربات سنگین
لگدومشت میزن که
خیلی حرفه ای این
حرکات انجام میشه.







خب با
دوچرخه خیلی
طول می کشید!

ناموسا
شانم
ایا سه؟

وما هم قدر تمون
رو واسه موقعی
که میریم تو تونل
نیاز داریم!

داریم بسوا!
قطار میشیم؟!

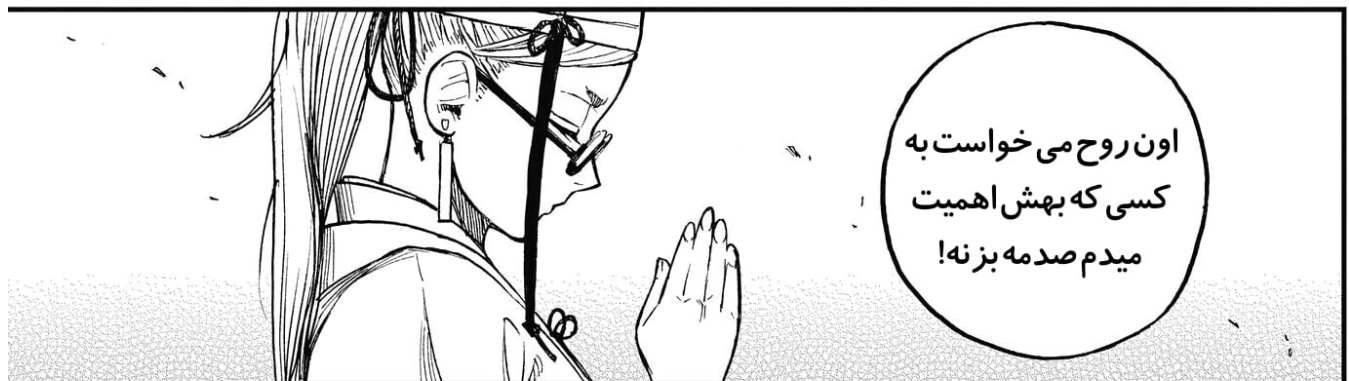


بخشید.
همه اش
تقصیر منه...

نه،
نیست!



هیچوقت ننه
بزرگ تور بورو
نمی بخشم!



اون روح می خواست به
کسی که بهش اهمیت
میدم صدمه بز نه!



قراره یه در کونی
بهش بز نم!

ننه بزرگ
تخمی!

DAN
DAN DAN

چپتر
05

جلد
01



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

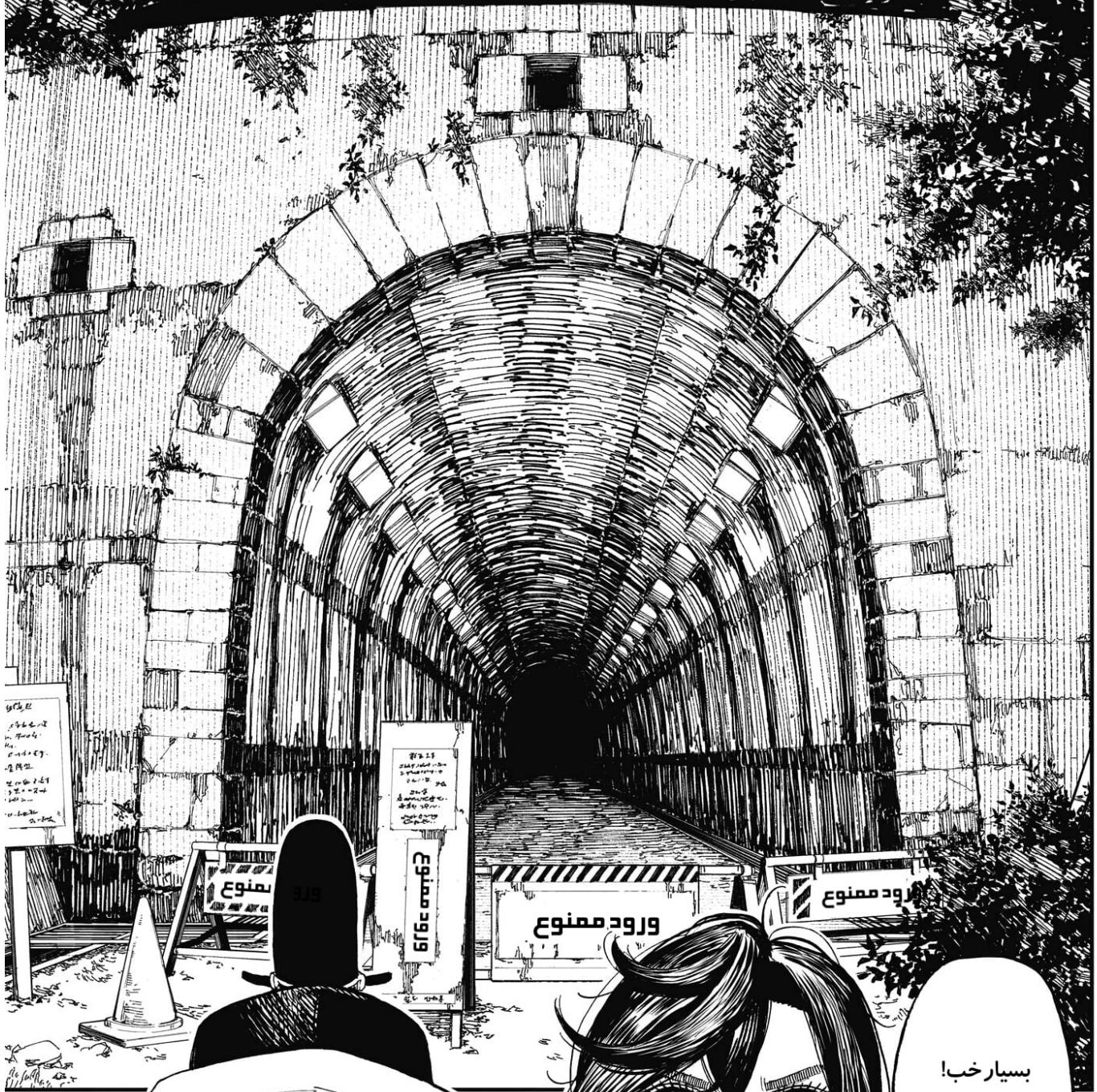
Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



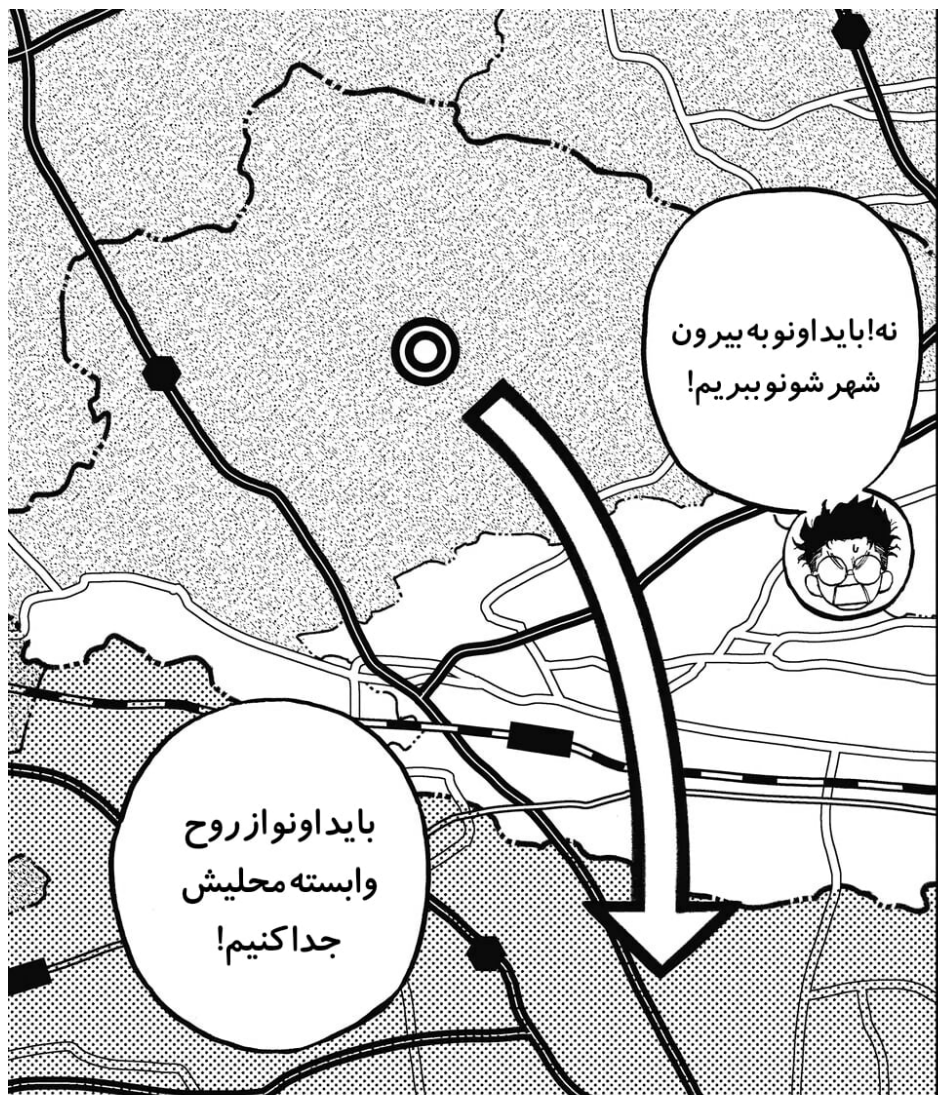
MyMangaPlus

۵. در کوئی از دهن بی تئ بزرگ توربو

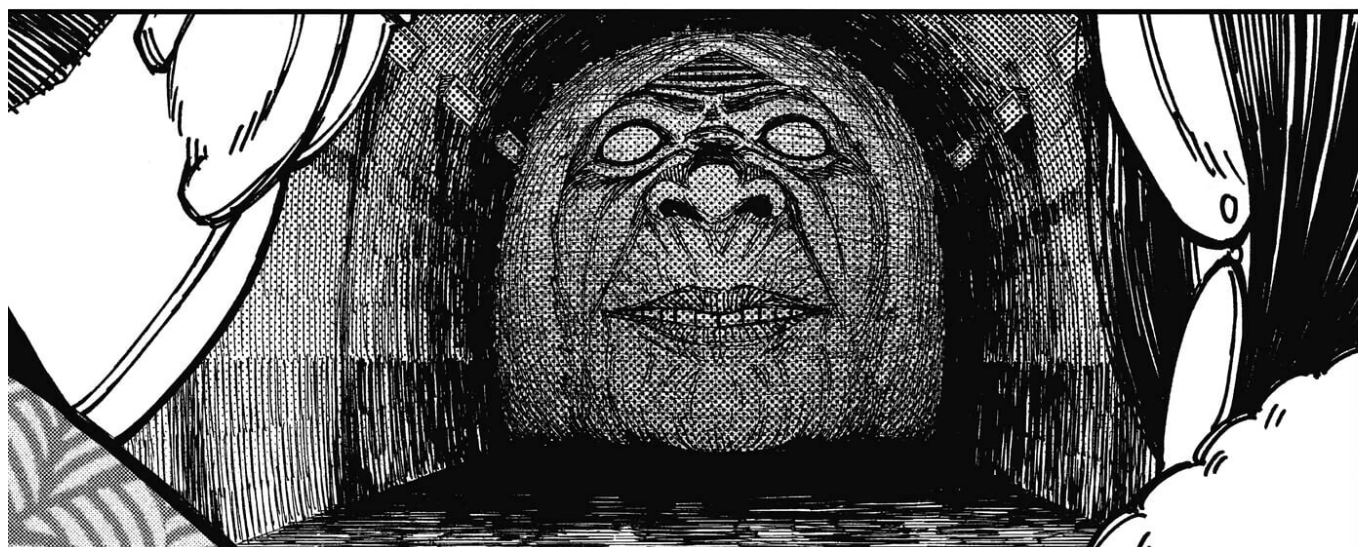


بسیار خب!
بریم که رفتیم!















باشه! روت
حساب می
کنم!



پیشماش
چهنن!
پندش سگ!

خانم آياسه!
لطفانفرينم رو
آزاد كنين!

یه طورایی
می تونم از
پیش
بر پیام!



باشه،
بهترین
تلاشمو
می کنم!



یا...
شاید من.

فکر نکنم
بقه نم از پیش
بر پیام.

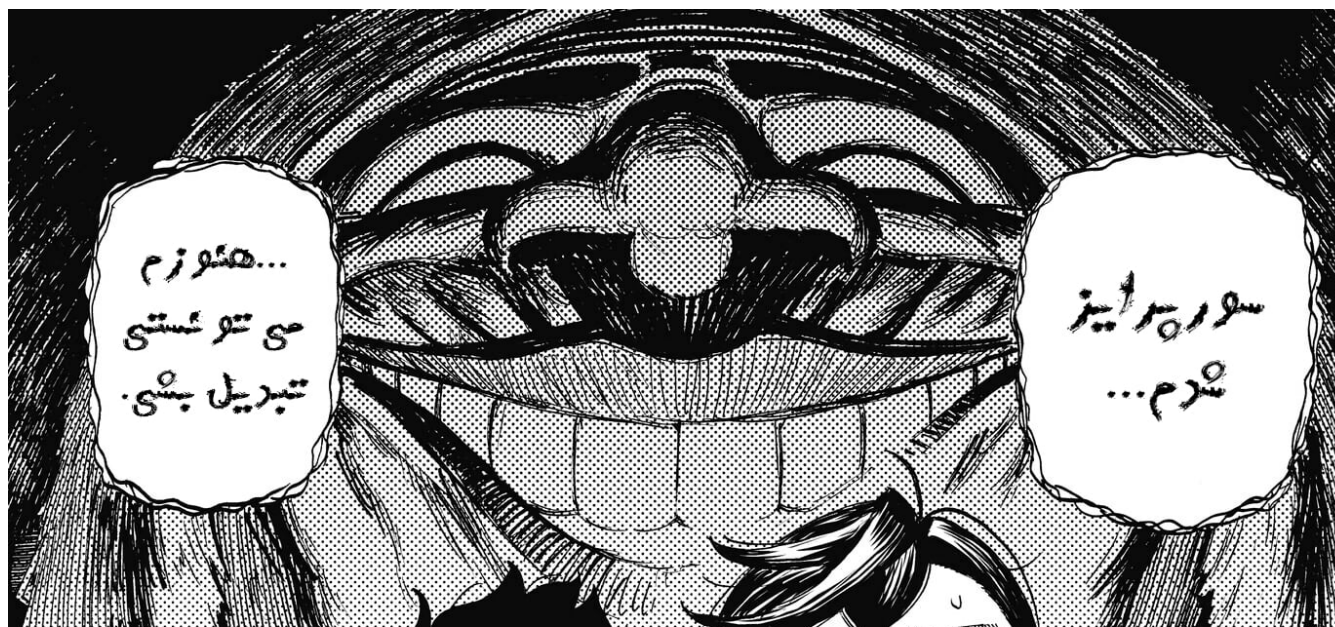
من به هیچ
دردی نمی
خورم.

اوه درسته،
یادم رفته
بود که تو...
...وقتی تبدیل
میشی کاملاً
افسرده میشی.

ولی من
تشویقت
می کنم!
پس برو!

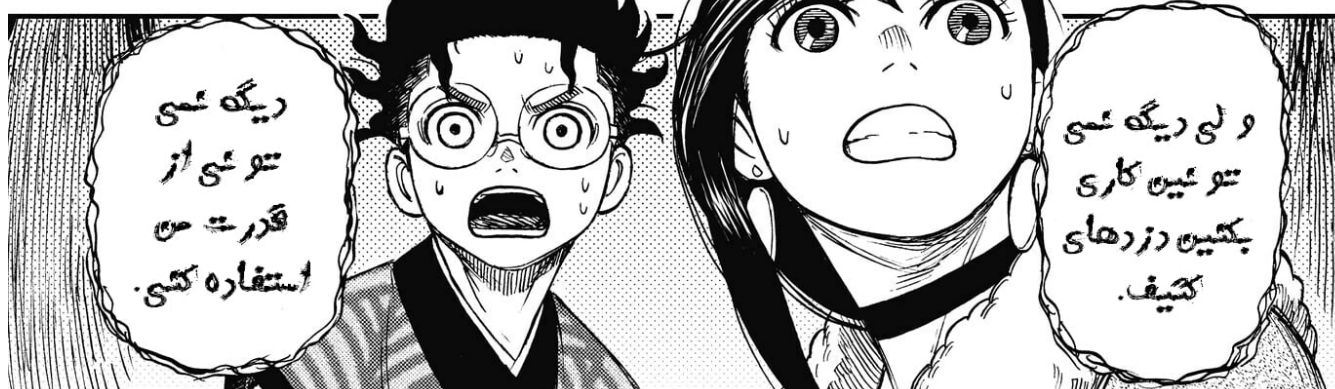
این فشار
منو آخر
می گشه.





...هشور زم
می تو هستی
تبدیل بشی.

سوره برای
عزم...



دیگه نمی
تونی از
قدرت من
استفاده کنی.

و لی دیگه نمی
تو این کاری
بکنی زندهای
کیف.



اونو به
چالش
بکش

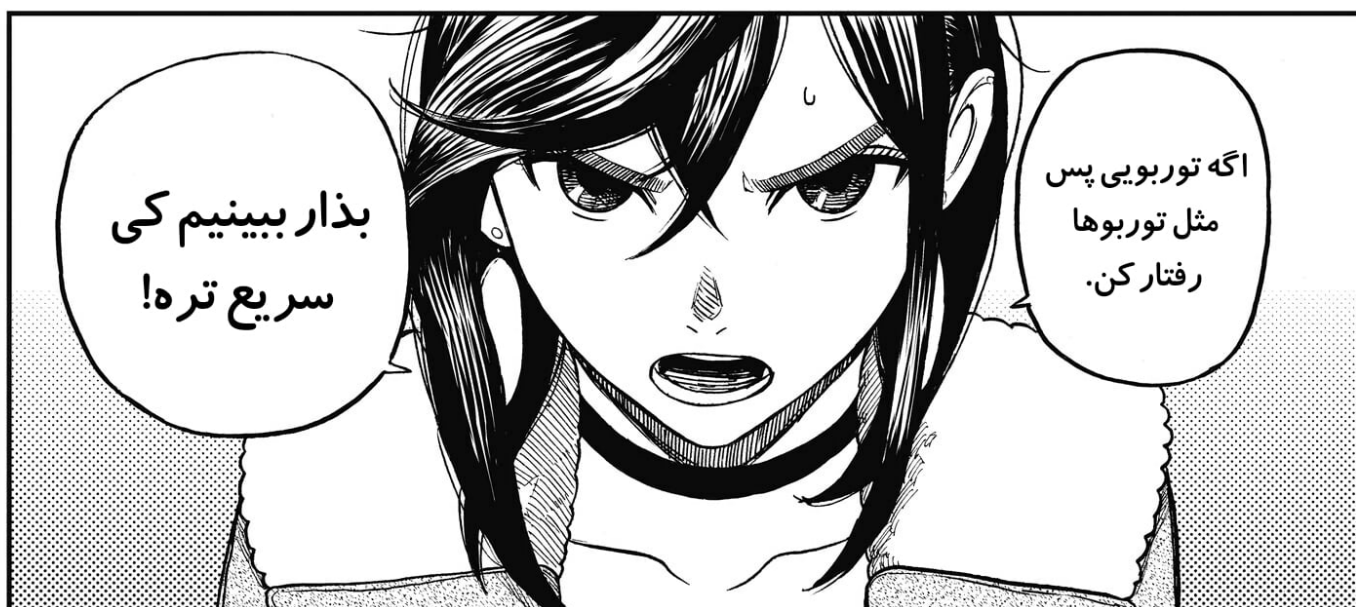
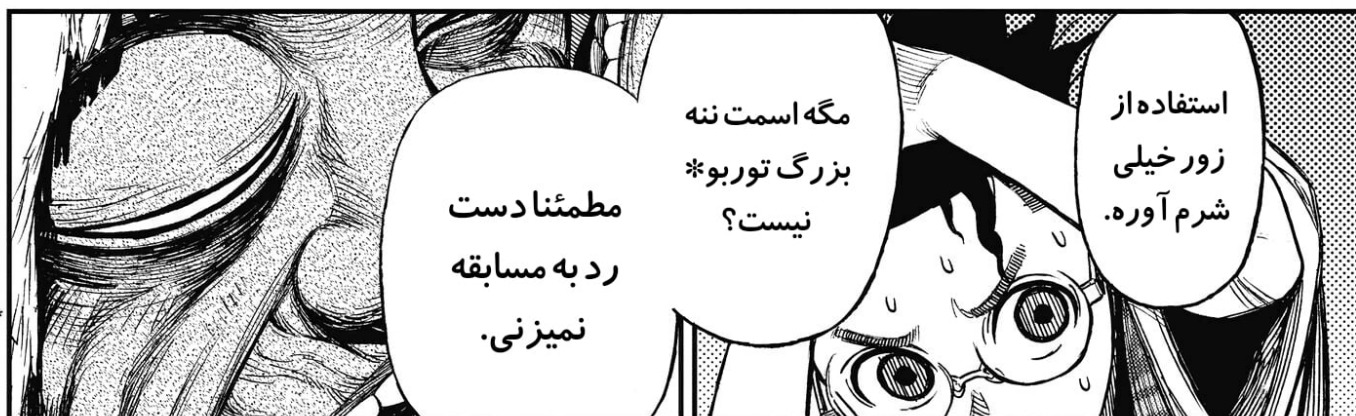


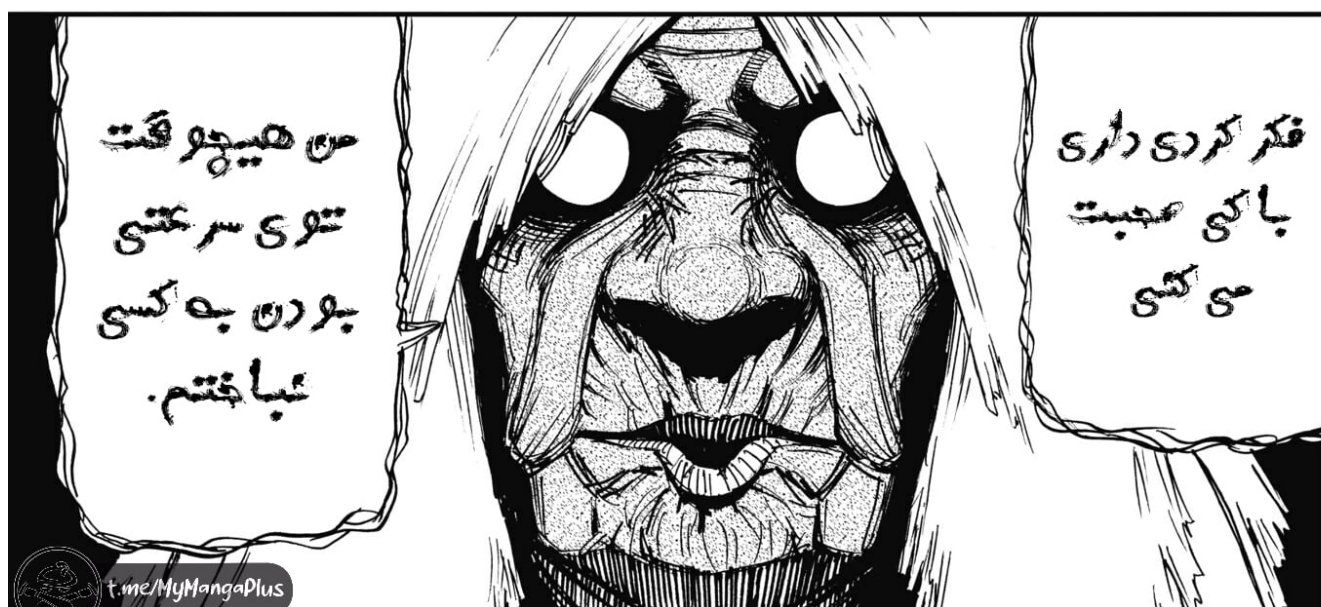
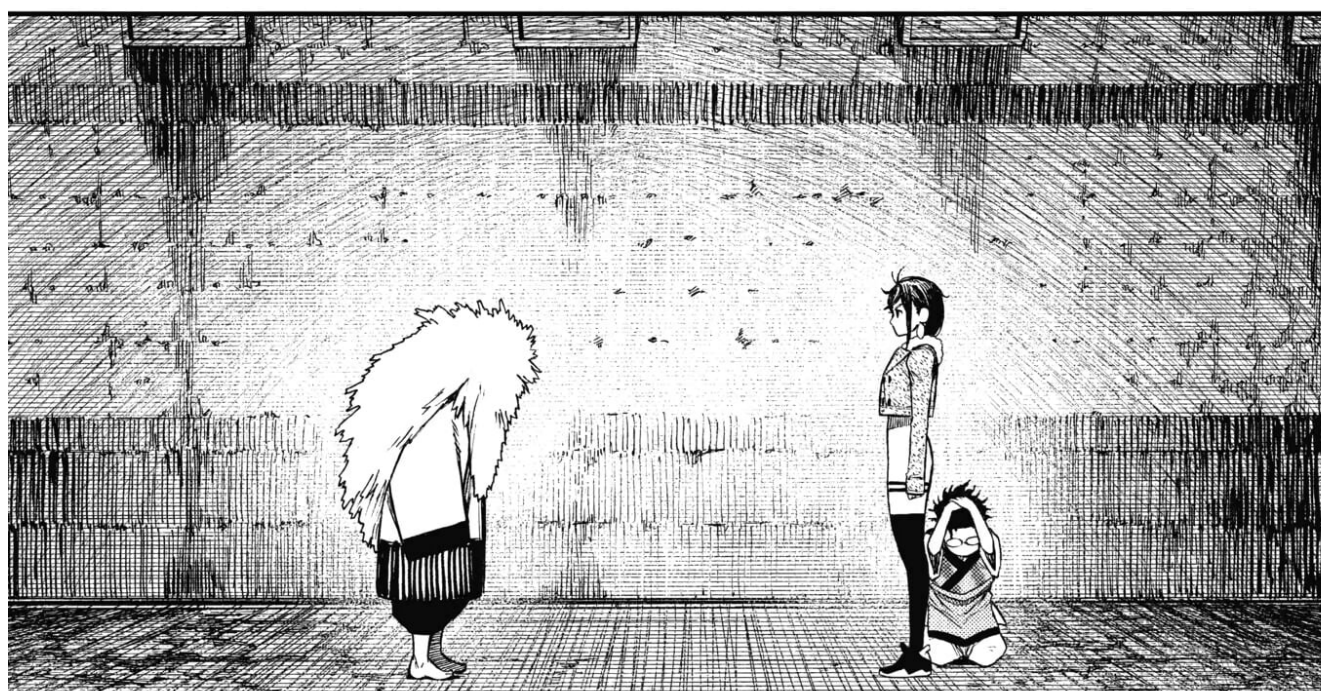
خیلی به
قدرتش
میاله...

...پس مطمئنا
قبولش میکنه.



و الان همه
تو عزمی
بکنم

















تا وقتی ازت
مخوام این
و نم کن عقلت
کار و کن
خل من

مکه این چیزی
نبود که می
خواستی؟!



فروش
داستان
چیه

می تو هم
قدر تمام رو
اجبار کنم

هر وقت بزاری
خانم آياسه بده
ولت می کنم!

فروش

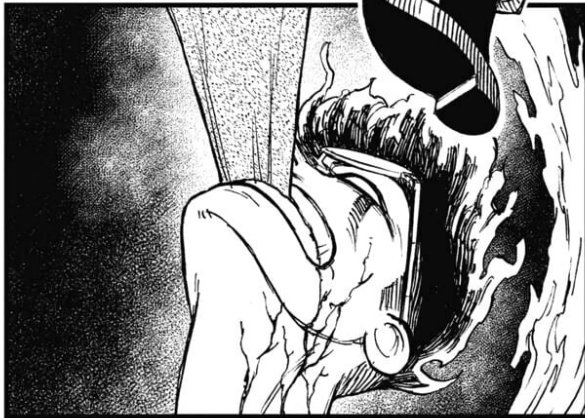
فروش

چرا می
تو هم
بزنمت کنار



ازم می
خواستی
سینه هات
رو بفورم...

...و تو هم
گیرم رو ساک
بزنی!





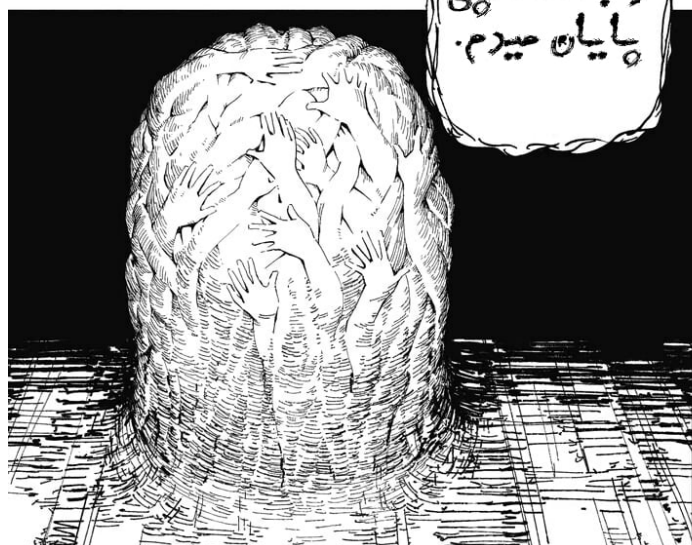
هو ف...
عجب
و غميه

مفلح



هم
نيسست...

اوه دختره
رو مي خورم
و به همه چي
پايان ميدم.



بايه
چاروگر
كه همكاري
نمي كني
مكه

كي بخت
ايين لباسو
داره

پاره



پاره



چراغ
چراغ

آهون
کیه
کی داره از
همچین جقه
کتیفی روم
استفاده می
کنه



کنترل بدتم
رو دارم از
دست میدم

انگاری یکی
داره جقه ام
می کنه



!?

چی



حالا
فهمیدم

نمی تونم
بینمش ولی
کاملا متوجه
میشم

!?



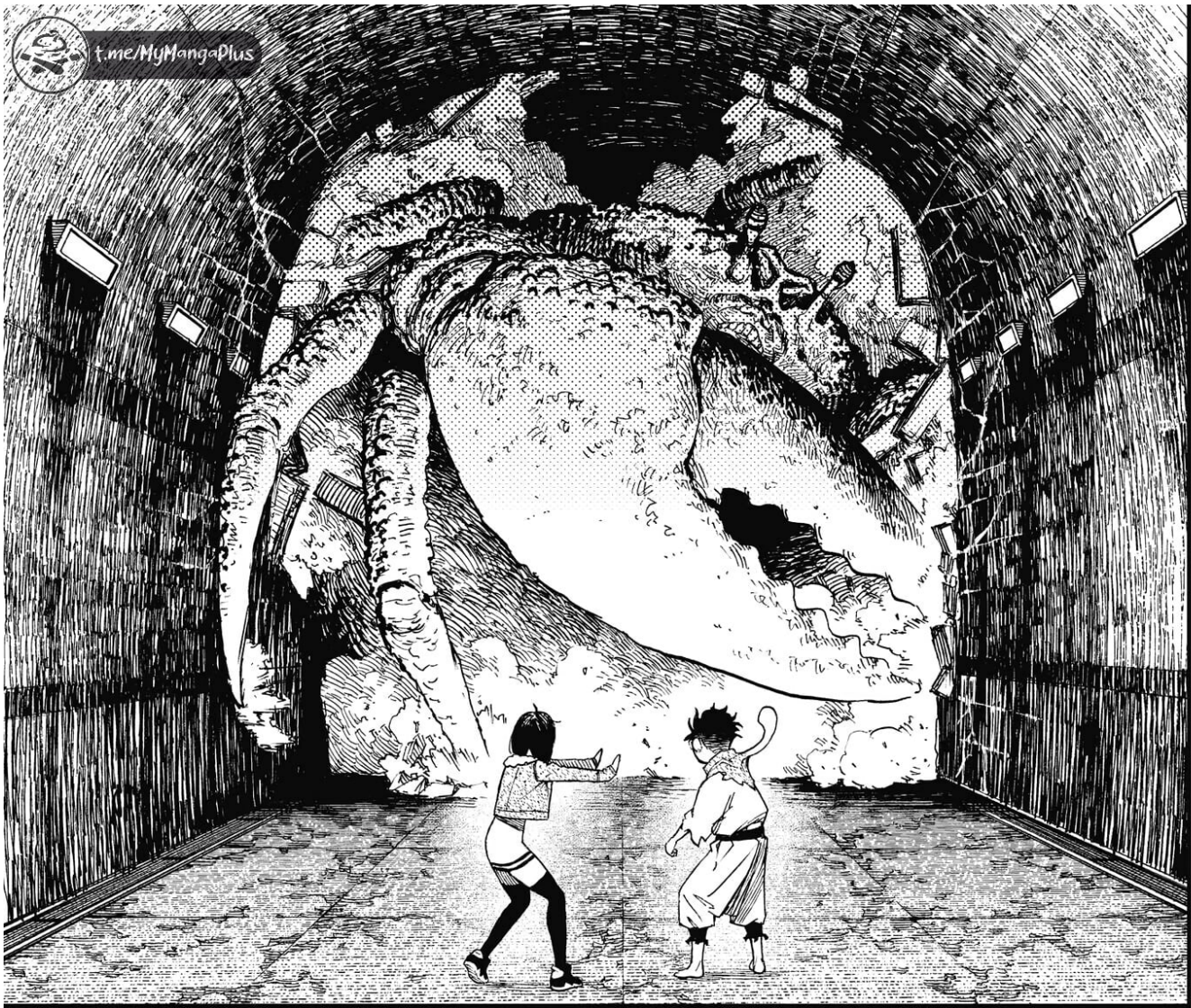
اوکارون، چیزی که
الان داخل هست
دیگه یه شعله آبی کم
رنگ نیست...

...چون فرم اصلی
ننه بزرگ توربو
الان اینجاست.
حالا فهمیدم!





t.me/MyMangaPlus







ننه بزرگ توربو

اگه توی مسابقه باهوشی بپازونی قشربترین می کنه.

نوع: یوکای

محل سکونت: تونل

قد/ وزن: ۱۲۵ سانتی متر- ۵ (؟)

ننه بزرگ توربو و افسانه پیرزن طرد شده

یه تنوری درباره داستان اصلی ننه بزرگ توربو هست که میگه یه مرد جوان وارد منطقه کوهستانی ای میشه و توسط یه آدم پیری که اونجا رها شده و جون سالم به در برده تعقیب میشه - این افسانه هم به یه افسانه دیگه برمیگرده که گفته میشه وقتی کمبود غذا بوده زن های پیر رو توی اعماق کوهستان رها می کردن تا تعدادی نفراتی که غذا می خوان گاهش پیدا کنه.

ننه بزرگ های
متفاوت!

ننه بزرگ ۸۰
کیلومتر بر ثانیه



ننه بزرگ ۱۰۰
کیلومتر بر ثانیه



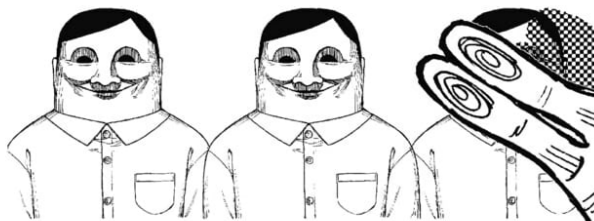
ننه بزرگ ۱۲۰
کیلومتر بر ثانیه



سریپوین ها

نوع: آدم فضایی
محل سکونت: سیاره سریپو، سیستم
شبکه ای زتا
قد/وزن: طبق خواست خورشون
می تونه عوفن پیش

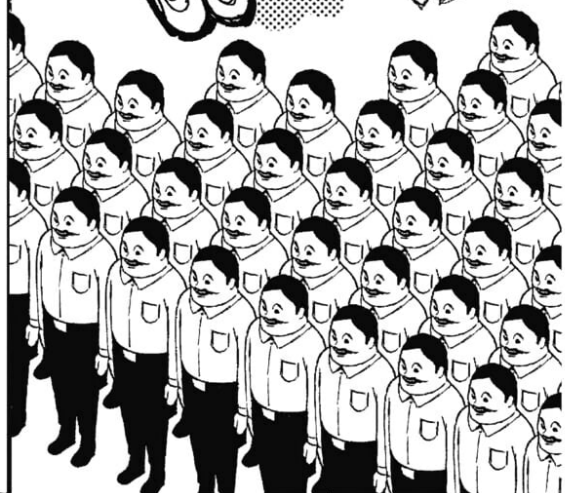
آدم فضایی های در جست و جوی آلت تکاملی انسانی

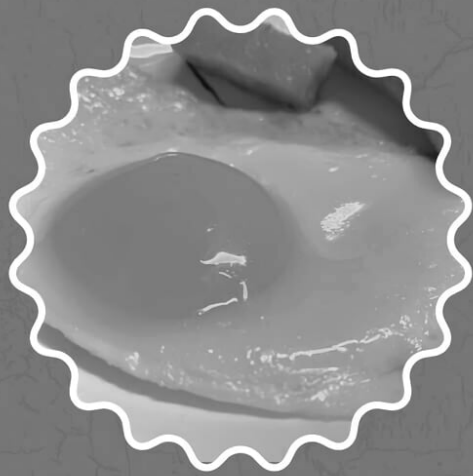


پروژه سریپو

در سال ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، با حمایت آدم فضایی
هایی که در حادثه رزول زنده موندن، ارتش
نظامی آمریکا ۱۲ نفر رو فرستاد تا روی سیاره
سریپو تحقیقاتی انجام بدن، و به سمت
سیستم شبکه زتا رفتن.

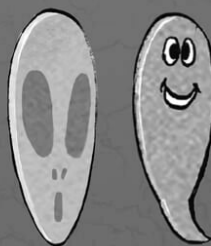
از بین ۱۲ نفر، دو نفر شون مردن و دو نفر دیگه
توی سیاره سریپو موندن، هشت نفر شون هم
به سیاره زمین برگشتن. ولی به خاطر رادار
فرا قدرتی سرپوها اونا هم به مرور زمان مردن.
*حادثه ای که در سال ۱۹۴۷ دوتا بشقاب پرنده
به رزول، مکزیک جدید، برخورد کرد.





یوکینبو تاتسو

من از عقیده بینتارو یاماگوچی که باور
داره چیزای ماورایی یه جور سرگرمی
روشنفکرانه اس فوشم میاد. امیدوارم که
از دان دادن فوشتون بیاد.



اون قبل از سال ۲۰۱۰ که کارش رو شروع کنه
توی مجله گلان شونن با سیبی نو روکوگو
(روکوگوی عدالت خواه) همکاری می کرد،
یوکینبو تاتسو به عنوان دستیار طراح مانگا با
تاتسوکی فوجیموتو روی انیمه های معروفی
از جمله مرد اره ای و مشت آتشین کار کرده.

DAN DADAN

1

